

# همه کس و همه چیز در خدمت توده های زحمتکش

در مرحله سوم انقلاب، مهمترین وظیفه حاکمیت انقلابی توجه به وضع توده های زحمتکش و برآوردن خواست های آنان است

اساسی و مسئولیت مهم حاکمیت انقلابی را توجه به وضع توده های مستضعف و تامین و بهبود شرایط کار و زندگی آنان تعیین کردند . بقیه در صفحه ۱۱

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیاد گذار جمهوری اسلامی ایران، در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای محمد علی رجائی، وظیفه

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد مومکراتیک مردم ایران

شماره ۸۹  
دوره دوم  
دوشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۶۰  
بها ۲۰ ریال

## بمب گذاری و ترور، کار تفاله های آمریکا و در خدمت امپریالیسم آمریکاست

سفارتخانه های ایران حمله می کنند، تا توطئه امپریالیسم را برای بی اعتبار نشان دادن جمهوری اسلامی ایران کامل کنند . این توطئه هر چند در لحظه کنونی ناشی از عکس العمل فوری ضد انقلاب در برابر شکست سختی است که با سقوط بنی صدر بر او وارد شده، اما هدف آن ایجاد اغتشاش و ناامنی، ترساندن مردم و در نهایت صدور صورت موفقیت - سوق بقیه در صفحه ۲

کودک بیگانه را به خون میکشاند. در کرمانشاه انفجار بمب در بازار خرید مردم، عابران بیگانه را به قتل می رساند. از مسئولان مملکتی، افرادی پشت سرهم ترور میشوند از سوی دیگر در شهرهای مختلف اروپای غربی، اعضای " شورای مقاومت ملی" (که " سپهسالار فراری" دستور تشکیل آنرا به مسعود رجوی داده) یعنی طاغوتی های فراری، فرزندان اوپسی ها و خسرو دادها و ساواکی های متواری به

موج ترور کور پیوسته در وطن انقلابی ما گسترش می یابد. ضد انقلابیون هر جا که دستشان برسد، بدون کمترین رحم و شفقت، بمبی منفجر می کنند و یا کسانی را بارگبار مسلسل به خاک و خون می کشند. ضد انقلابیون، از رهبری مجاهدین خلق، رنجبری ها و بیگاری ها گرفته با ساواکی ها، ماموران سیا و سلطنت - طلبان از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند. در تهران بمب تیرومندی در کنار بیمارستان منفجر می شود و دهها

## مار در آستین انقلاب را سرکوب کنیم!

بنی صدر در سهایت جنین و زبونی از ایران گریخت و به آنجا رفت که باید بی وقت، آغوش بختیار اوپسی اما همانطور که پتاله مشکینی در نماز جمعه قم گفت: " این سؤال برای ملت مطرح است که چگونه آقای بنی صدر و رجوی با هوایمای ایرانی به آن راحتی از ایران فرار می کنند که شما مسئولین دولتی نتوانستید انجام وظیفه کنید. (کیهان - ۱۵ مرداد ۱۳۶۰) پاسخ های سؤال، که به حق برای همه، مدافعان انقلاب ایران مطرح است، تنها از این جهت اهمیت ندارد که عاملان فرار بنی صدر و رجوی و پیش از آنها سرگردار بوش خیرخواه را رسوا می کند و از سر راه انقلاب برمی - دارد، بلکه بیشتر از این نظر اهمیت دارد که بار دیگر نشان می دهد که هنوز دشمن در خانه ما کمین کرده و چون مار در آستین انقلاب هر لحظه آماده است بقیه در صفحه ۱۱

## دستی باز، وظایفی عظیم در پیش

خوبش، ضمن بررسی عملکرد دولت پیشین اعلام کرد که " کارنامه دولت، به خاطر شروع جنگ، مخالفت های بنی صدر و مشکلات دیگر، چندان درخشان نیست". (کیهان ۱۳ - مرداد ۶۰) و در اشاره به فرار بنی صدر رجوی، که به یک رو شکست رسوای مجموعه " مخالفان خط امام می - باشد، تاکید نمود که " ما دیگر چیزی به نام جریان بنی صدر نخواهیم داشت". این به معنای آن است که، از یک سو، یک رشته از عمده ترین تعهدات و وظایف حاکمیت انقلابی هنوز نتوانسته است به اجرا درآید، و از سوی دیگر، جریانی که زیر پرچم رئیس جمهور معزول متشکل شده بود و در اجرای آن تعهدات و وظایف اخلاقی می کرد عرصه عمل را با رسوایی تمام خالی گذاشته است. پس با توجه به بی اعتباری و هزیمت بقیه در صفحه ۱۰

رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، نخست وزیر تازه، بار مسئولیت خطیری را در یکی از مهم ترین و حساس ترین مراحل انقلاب بر دوش ایشان و دولتی که معرفی می کنند می گذارد. شتاب روند گسترش و ژرفایی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و واکنش های نومیدانه ای که در دشمنان رنگارنگ داخلی و خارجی انقلاب بر می انگیزد، وظایف حادی را در این مقطع زمانی مطرح می کند که از عهده اجرای آن بر آمدن یا بر نیامدن بستگی تنگاتنگ با سرنوشته انقلاب دارد. از این حیث نظری به گذشته نزدیک می تواند ما را در ارزیابی درست موقعیت کنونی یاری کند. آقای بهزاد نبوی، سخنگوی دولت آقای رجائی، در مصاحبه مطبوعاتی ۱۲ مرداد ۶۰

## تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی در خاور میانه نیاز تاریخی است

است این وضع را بسود خود تغییر دهد یا حداقل آن را متوقف کند و به تعویق بیندازد. در لحظه تاریخی حاضر، امپریالیسم جهانی، سرکردگی آمریکای جهانخوار، برای حفظ منافع خود دو نقطه را در جهان مرکز ثقل قرار داده است: خاور میانه و اروپای غربی. و از این دو، بخاطر شرایط استراتژیک و منابع بقیه در صفحه ۲

جهان سالهای شگفتی را پشت سر می گذارد. در دود دهه آخر قرن بیستم نبرد کار و سرمایه در مقیاس جهانی نبرد سرنوشته راهبایان می برد. از یک سو خلق های تحت ستم در جهان سوم پیایی بیایی می خیرند و از سوی دیگر طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری به سنگر های انحصارات یورپ می برد. امپریالیسم، که دوران گدیزی و احتضار خود را طی می کند، با جنگ و دندان در صدد

## کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۵) معامله کارتر - بنی صدر - قطب زاده برای آزاد کردن «گروگان» های جاسوس آمریکانی (قسمت دوم)

دنیال عزیمت کمیسیون، بنی صدر به تلاش خود ادامه داد و این بار مستقیماً با کارتر معامله کرد، که شرح آن در این شماره می آید.

### معامله با کارتر

این مرحله به سود انقلاب پایان یافت، اما بنی صدر دست از فعالیت برای آزاد کردن بدون قید و شرط "گروگان" های جاسوس برنداشت. در سالروز برپایی جمهوری اسلامی ایران، ابوالحسن بنی صدر در سخنرانی خود در میدان آزادی، منظور کارتر بعداً اعتراف کرد، جمله ای را بکار برد که آمریکا را مطمئن می کرد که "گروگان" ها آزاد خواهند شد. اکنون می توان با بقیه در صفحه ۲

در شماره پیش، در متن کارنامه ابوالحسن بنی صدر، نظریات او را در باره اشغال لانه جاسوسی آمریکا بررسی کردیم و نشان دادیم که او، به محض آنکه به مقام ریاست جمهوری رسید، چگونه تلاش وسیعی را برای بی اعتبار کردن این عمل انقلابی و آزاد کردن "گروگان" های جاسوس آغاز کرد. در این شماره ادامه مطلب را، که متأسفانه در شماره گذشته بعثت تراکم مطالب بیچاپ نرسید، می - خوانید. خواننده را توجه می دهیم که قسمت اول این مطلب در آنجا پایان گرفت که امام خمینی با صدور فرمانی در روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۸، توطئه "کمیسیون آزاد سازی گروگان ها" را، که با همفکری و همکاری بنی صدر - قطب زاده - والد هابم تدارک دیده شده بود، خنثی کرد و در نتیجه کمیسیون از ایران رفت، به

علم کرده اند و زور بر رهبری امام خمینی، رهبر روشن بین و تزلزل ناپذیر انقلاب توطئه ها را اعمیق می گذارند و با هر گام به سوی تعمیق انقلاب سرکوب ریشه های فاسد ضد انقلاب، که در کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی متجلی است، پیش می روند. توده ها واز حمله توده های زحمتکش دهقان در صحنه هستند و مدافع انقلاب، توده های زحمتکش و مبارز روستاهای ایران، همانند هموطنان انقلابی خود در شهرها، با حضور پیگیر خوبش در صحنه و ایثار و از جان گذشتگی هم - چون گذشته سعی در حفظ انقلاب و نگهبانی و گسترش دستاوردهای عظیم و با شکوه آن دارند بقیه در صفحه ۲

ضد انقلاب با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، در برابر پیشرفت و تعمیق انقلاب ما، که وارد سومین مرحله تکامل اعتلائی خود شده است، بر تعداد و رنگارنگی دسایس و توطئه های خود میافزاید. حوادث و جریانات اخیر، جامعه آفرینی ها، تشنج های، ایجاد بر خوردها، بمب - گذاری ها و خرابکاری ها گوشه هایی از این توطئه است که بر زمینه وسیع جنگ تجاوز کارانه صدامی و ایجاد انواع دشواری های اقتصادی - اجتماعی حریان می یابد و متأسفانه چسب افشوری گری ها و تنگ نظری ها و ندانم کاریها و فقدان برنامه ریزی های جامع و مسامحه کاریها نیز مزید بر علت شده و میشود. در برابر همه این مشکلات، توده مردم زحمتکش قد

## حضور زحمتکشان روستاها در صحنه یکی از عمده ترین ضامن ها برای تحکیم و گسترش انقلاب است

عمده ترین مسائل دهقانان زحمتکش و ضرورت حل آنها

## گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با جمهوری سوسیالیستی ویتنام

رندگی اقتصادی و فرهنگی و بایه گذاری اقتصاد ملی سوسیالیستی در ویتنام نقش بسیار ارزنده و موزری داشته است. اخیراً در مسکو موافقت نامه جدیدی در بقیه در صفحه ۹

همکاری های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام ۲۶ سال پیش آغاز گردید. رهبران عالی رتبه جمهوری سوسیالیستی ویتنام همواره بر این مطلب تاکید داشته اند که کمک های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در بازسازی

## تاریخچه کوتاهی از زندگی، رنج و بیکار خلق فلسطین

در صفحه ۶

## استراتژی جنون هسته ای

در صفحه ۳

## دو گرایش متضاد در سیاست خارجی کویت

در صفحه ۱۰

در صفحات دیگر

### کارنامه ابوالحسن...

بقیه از صفحه ۱

بازگشت به آن روز، چندو چون معامله؟ کارتر - بنی صدر - قطب زاده را دریافت بنی صدر در سخنرانی خود گفت: ... هیچگونه بد رفتاری با گروهگان هانمی شود و تحت مراقبت پزشکی و تحت مراقبت دولت هم هستند... بعد از این که شاه سابق را از پاناما به مصر بردند پیامی برای آمادگی معامله و عده... تان و فایکند. گفتیم عده ما چه بوده... گفتند که انتقال و مراقبت پزشکی از گروهگان ها... گفتیم... شمایی جهت نگران هستند (این همان جمله رمز نیست؟) اتحاد مردم... رئیس جمهوری پس از قرائت پیام دوم آمریکا... گفت: "پریشب... شورای انقلاب تصمیم گرفت که اگر آمریکا طبق یک پیمان رسمی اعلام کند که تا تشکیل مجلس و اتحاد تصمیم از سوی مجلس درباره گروهگان هان تبلیغی نکنند ادعای بنی صدر، نه حرفی بزده و نه تحریر کند، شورای انقلاب می پذیرد که گروهگان هارا تحت نظارت خود در آورد..." (کیهان - ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

دقت در این سخنان دو ساله را روشن می کند:

اول: بنی صدر می گوید: "پیامی برای ما آمد" و معلوم نمی کند که پیام از کجا آمد؟ حالا با اعتراف کارتر معلوم می شود که این پیام از جانب آمریکایی ها بوده پس آنها در سخنان بنی صدر رابطه داشته اند. این پیام "هم پیام دوم" آمریکایی بنی صدر نیست، که خودش در همین مراسم آن را خواند و در آن از وعده و این حرفها خبری نبود.

دوم: مضمون پیام، به اعتراف بنی صدر، این است که "شما وعده نان و فایکند" پس معلوم است بنی صدر به آمریکایی ها وعده داده بود. کارتر هم به اعتراف خود این نکته را تایید می کند. بعلاوه نقل قولی از بنی صدر هست که در این امر جای شک باقی نمی گذارد.

بنی صدر روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ در اوج کوشش اول برای آزاد کردن "گروگان" ها گفته بود:

"دولت قبلا وعده داده بود و خلف وعده موضع دولت را تضعیف می کند..." (کیهان)

حالا معلوم می شود که این وعده از جانب بنی صدر داده شده بود. این سخنان بنی صدر، که در واقع حاوی شرایط او برای آزاد کردن "گروگان" ها ست و تنها در عدم تبلیغ آمریکا خلاصه می شود، درست همان چیزی بود که آمریکایی ها می خواستند.

کارتر بعدا اعتراف کرده است: "... بیاینه" وی (بنی صدر) تحت عنوان گام مثبت در ماجرای بحران گروگان هادار ایران بخشی از معامله ای بود که می رفت به آزادی گروگان ها منجر شود... این معامله به کلمات رمزی که قرار بود بنی صدر در یکی از نطق هایش در تهران بکاربرد متنی بود... بنی صدر آن روز صبح نطقی در تهران ایراد کرده بود که نشان می داد موافقت خود را اعلام کرده است... در علائم مبادله شده قرار بود جمله خاصی در نطق بنی صدر گنجانده شود، نه این که صورت مریض باشد بلکه قرار شده بودی برای تایید این معامله جمله خاصی را بیان کند. این نطق وی را در وزارت خارجه (آمریکا) ترجمه کردیم و مطمئن شدیم که بنی صدر این جمله را بکار برده است... (کیهان ۲ تیر ۱۳۶۰)

کارتر در زمان ایراد این نطق آوریل ۱۹۸۰ ذکر می کند، که برابر است با فروردین ۱۳۵۹.

و درست بخاطر معامله پشت پرده است که بلافاصله بعد از پخش سخنان بنی صدر، روز بعد، یعنی ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ اعلام شد. در پی اعلام شرایط رئیس جمهوری دکتر ابوالحسن بنی صدر برای تحویل گروگان ها وسیله دانشجویان به دولت، صبح امروز خبرگزاری فرانسه گزارش داد که دولت ایالات متحده آمریکا شب گذشته به ایران اطمینان داد

که طبق خواست رئیس جمهوری آن کشور از این پس از هرگونه تبلیغی درباره گروهگانها تا تعیین تکلیف مطلق آنان توسط مجلس خودداری نموده، بشرط آن که... بنی صدر به قول خود عمل نماید و گروگان ها را تحت نظارت و مراقبت دولت ایران قرار دهد... (کیهان - ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

حالا یک بار دیگر مضمون این خبر را که حاوی اعلام آمادگی آمریکا است، با سخنان بنی صدر مقایسه کنید، آمریکا عینا شرایط بنی صدر را پذیرفته است. این را می گویند معامله نان ۱

شریک سوم معامله، یعنی قطب - زاده، هم همان روز اعلام می کند: "... در این حال خبرگزاری پارس به نقل از قطب زاده... گزارش داد که دولت آمریکا با شرایط عدم اعمال فشار به دولت ایران پس از تحویل "گروگان" ها توسط شورای انقلاب موافقت کرده است" (کیهان - ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

و جالب این جاست که روز ۱۴ فروردین، روزنامه کیهان، که آن موقع توسط دکتر ابراهیم بزیدی اداره می شد، با این تیتر درشت منتشر شد: "گروگان - های آمریکایی پس فردا تحویل دولت می شوند."

به این ترتیب به نظر می رسد که همه چیز با موفقیت انجام شده و معامله سرگرفته است. کارتر آنقدر از پایان کار اطمینان داشت که "در آن هنگام کامیون ها برای انتقال و آزادی گروگان ها از ساختمان سفارت آمریکا در تهران آماده شده بود" (کیهان - ۲ تیر ۱۳۶۰)

و ظاهرا این اطمینان بیهوده نبود. بنی صدر با سو استفاده از مقام خود، حتی دستور تحویل گرفتن "گروگان" ها را هم به سپاه پاسداران داده بود. در حالیکه خبر موافقت شورای انقلاب از پنج وین دروغ بود. روز ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ مهدیس عزت الله سحابی عضو شورای انقلاب اعلام کرد:

"نامه آمریکا در مورد پذیرش شرایط رئیس جمهور ایران در جلسه پنجشنبه شب شورای انقلاب مطرح شد و چون شرایط از دید ما کافی به نظر نمی رسید، از این نظر امروز ما به جاسوسخانه آمریکا نخواهیم رفت... (کیهان)

کار که به اینجا رسید، بنی صدر برای آزاد کردن "گروگان" ها به دروغ و تریگ هم متوسل شد، تا معامله را هرچو هست، جوش بدهد. این بخش از ماجرا را از زبان آقای محمدزاده، مسئول دفتر سیاسی سپاه پاسداران و عضو شورای عالی سپاه، بخوانید.

"همه مادران تاج جمع شدیم (در زمان فرماندهی آقای دوزدوزانی) بعد از تشکیل جلسه آقای دوزدوزانی گفت که بنی صدر به من تلفن کرده و گفته است که "گروگان ها را چرا شما تحویل نمی گیرید؟ من جواب دادم بر چه مبنایی؟ و ایشان گفت که من صحبت کرده بودم و قرار بود به شما هم گفته شود آن این که سپاه قرار است گروگان ها را تحویل بگیرد و به وزارت خارجه برود. همه ما واقعا از این ساله تعجب کردیم... سپاه چگونه می توانست وجه المصلحت این ساله شود و گروگان ها را از دست دانشجویان پیرو خط امام تحویل بگیرد و به دولت تحویل بدهد و دولت هم بر اساس مواضع خود چند روز بعد آنها را به آمریکا تحویل بدهد..."

آقای محمدزاده سپس به شرح ملاقات چند تن از مسئولین سپاه با بنی صدر می پردازد و می افزاید:

"... از دفتر ایشان (بنی صدر) به لانه جاسوسی رفتیم برای صحبت با برادران دانشجو. در آنجا بود که حقایق ابعاد پیچیده تری پیدا کرد و ما دیدیم که در ساعتی که ما با آقای بنی صدر صحبت کردیم ایشان تنها گوشه ای از مسائل اساسی و اصلی صحبت های خود را دانشجویان را بیان کرده اند و آن هم تنها قسمتی از بعضی مسائل را گفته بودند که به نفع دیدگاه خودشان بود و قسمت هائی را که به ضرر

ایشان بود باز یکی هرچه تمام تر به هیچ وجه عنوان نکرده اند... در آنجا بود که ما احساس تعجب کردیم که مساله را با برادران شورای انقلاب مطرح کنیم... (پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران - شماره ۳۶)

و سرانجام: "... با چند تن از اعضای آن شورا (انقلاب) تماس گرفتیم و مساله را گفتیم و احساس خطرمان را بیان کردیم. این بود که صبح روز بعد عده ای از اعضای شورای انقلاب به خدمت ما آمدند و سرانجام دستور فرمودند که... (همانجا)

و امام خمینی دستور دادند: "تشکیل مجلس گروگان ها به دست دانشجویان مسلمان باقی می ماند" (کیهان - ۱۹ فروردین ۱۳۵۹). و به این ترتیب باردیگر کوشش های بنی صدر نقش بر آب و شامگاه همین روز رابطه ایران با آمریکا قطع شد.

### باز هم تبلیغ علیه انقلاب دوم

امام بنی صدر به مخالفت خود با اشغال لانه جاسوسی ادامه داد و از این پس با کینه پایان پذیر به تبلیغ علیه این اقدام انقلابی پرداخت. او گفت:

"... چه کسی و در کجای دنیا می پذیرد که در مبارزه با آمریکا ما به استاد در دست داشتن گروگان ها توانا تر شده ایم؟ نباید اثرات روزهای نخست تصرف مرکز حکومتی آمریکا بر ایران را دایمی تصور کرد. امروز رفتار ما بیشتر بیانگر ضعف های ماست و به غریبی می مانیم که بجای تلاش برای نجات قطعی خویش، به هر شیئی چنگ می زند..." (۲۲ اسفند ۵۸)

بنی صدر آنقدر جلورفت که انقلاب دوم را گناه مردم ایران ارزیابی کرد، آن هم گناهی بزرگ که سبب سلطه فاشیسم در آمریکا شده است:

"... اینک ما مارها کردن زمینه های اصلی مبارزه و دادن ابتکار عمل به دشمن اصلی و ایجاد بهانه عاطفی، داریم موجب تغییر روحیه و رفتار مردم آمریکا در جهت تقویت تمایلات فاشیستی و مداخله گرانه می شویم. مطالعه جریان رشد فاشیسم در اروپای مرکزی جای تردید نمی گذارند که عوامل عاطفی بیشتر از عوامل دیگر در رشد این گونه تمایلات موثر می شوند. در این جا همین قدر می گوئیم که جریانی که مساعد گروگان گیری بخود گرفت همان جریان رشد افکار تجاوز گرانه است..." (۱۲ فروردین ۵۹)

بدین سان بنی صدر به مردم ایران که قریب "مرگ بر آمریکا" بر می کشیدند، اعلام می کرد که اگر آمریکا در ایران دخالت کرد، تقصیر شماست نه ما میری - لیسیم آمریکا، که موجودی بسیار عاطفی و احساسی است و فقط نباید احساساتش را تحریک کرد!

و بالاخره هم اعلام کرد که: با گرفتن گروگان ها ما گروگان آمریکا شدیم... (انقلاب اسلامی - ۱۵ آبان ۱۳۵۹)

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز، از نظر بنی صدر سرنوشت بهتری از مسئله اشغال لانه جاسوسی نداشتند. بنی صدر در آغاز با تکرار این که این "بچه های عزیز! باید بروند در دانشکده شان... در شان... بخوانند" (۲۷ بهمن ۵۸ - اطلاعات) کوشید از ارزش عمل انقلابی این جوانان دلار و مپهن بکاهد. لیکن از آنجا که این ترفند و این صدای کوچک درون فریادهای مردم، که سیل وار می آمدند و می خروشیدند: "دانشجوی خط امام، بر تو درود بر تو سلام" و "افشا کن، افشا کن" کم شد، و دیگر طاقت نتواند و به مقاله رودر رو با آنها برخاست: "... آخر شما به عنوان مردم از آنها بیترسید مگر این مملکت دولت ندارد و مگر دولت امام نیست، اگر شما در

### تشکیل جبهه متحد...

بقیه از صفحه ۱

عظیم سوخت، که حیات امپریالیسم در گرو تأمین آنست، خاورمیانه اهمیت بیشتری دارد. در واقع آنچه در خاور - میانه می گذرد، در تعیین سرنوشت جهان نقش مهمی دارد. خلق های این منطقه با عامل مستقیم امپریالیسم، یعنی اسرائیل روبرو هستند که با یاری ارتجاع عرب و دوستان و دست نشاندهان آمریکا، در خدمت اهداف امپریالیسم و از جمله جلوگیری از تغییر آرایش نیروها در منطقه به زیان امپریالیست ها است. به این ترتیب روشن است که کشورهای انقلابی منطقه چه نقش حساسی در تعیین سرنوشت منطقه و مالا سیر تکامل جهان به سوی فروپاشیدن و مخو کامل نظام سرمایه داری دارند.

خوشبختانه باید گفت که ایران انقلابی، به محض آن که وزارت خارجه خود را از جنکال لیبرال هایدراورد، یا درک این ضرورت تاریخی و اهمیت عملگر کشورهای انقلابی، به نیاز خلق - های منطقه پاسخ مثبت داد. این نیاز که در واقع رمز پیروزی انقلاب بر ضد - انقلاب در مقیاس منطقه است، چیزی غیر از اتحاد همه نیروهای انقلابی در خاورمیانه نیست. اکنون در دوسوی خط سرنوشت در خاورمیانه، کشورهای انقلابی و مترجع در برابر هم صف بسته اند تمامی کوشش دشمن - وار جمله حملات اخیر اسرائیل به لبنان - بر آنست که از اتحاد کامل کشورهای انقلابی جلوگیری مانع از وحدت عمل دولت های مترقی شود. پاسخ این توطئه شوم را تنها باید با وحدت داد. وحدت علیه اسرائیل و حامی آن امپریالیسم جهانی، بسر کردگی آمریکا!

خوشبختانه آقای میر حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در مراسمی که به مناسبت روز قدس در تهران برگزار شد، در برابر صفوف فشرده توده های میلیونی اعلام کرد که ایران انقلابی بر آنست که در این راستا حرکت کند. آقای موسوی اعلام کرد که سیاست خارجی ایران در منطقه بر سه پایه استوار است:

خط امام هستید سعی کنید در چارچوب همین دولت عمل کنید نه این که خودتان برای خودتان یک دولت در دولت باشید... (کیهان - ۱۷ آبان ۵۸)

و باز هم: "... وجود دو حکومت (دانشجویان و شورای انقلاب) در ایران قابل قبول نیست..." (۹ بهمن ۵۸ - کیهان)

بنی صدر در قالب کلمات متداول خود و به روش بنی صدری سئوال می - کرد که:

"... این همه سروصدا درباره ملاقات هیات بین المللی... سرگرم شدن و سرگرم کردن نیست؟ مبارزه با آمریکا در نگاه داشتن "گروگان" ها خلاصه می شود؟... کوشش برای استقرار حاکمیت دولت (یعنی حاکمیت بنی - صدریسم) در همه نقاط کشور... مبارزه با آمریکا است و یا جنگ اعصاب به راه انداختن بر سر تحویل دادن یا ندادن "گروگان" ها به شورای انقلاب... (۱۹ اسفند ۵۸ کتاب صد مقاله - جلد دوم)

بنی صدر این حملات را به مناسبت های مختلف تکرار کرد، و هر بار خشمگین تر و بی پرده تر اوج حملات او به "گروگان گیری هنگامی بود که مساله در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و "گروگان" ها آزاد شدند. از این پس (که شرح آن در جای خود خواهد آمد) مساله "گروگان" ها بصورت چماقی در دست بنی صدر درآمد، تا همزمان با مائو - ئیست ها، لیبرال ها و امپریالیسم خیری مدام بگوید:

۱- استمرار مبارزه با آمریکا و استمرار شعار مرگ بر آمریکا،  
۲- کشور و دولت ما در کنار رزمندگان لبنانی، فلسطینی، سوری و تمام ملت هائی که با رژیم اشغالگر فلسطین در حال نبردند، نبرد خواهد کرد،

۳- دولت ما تلاش خواهد کرد برای ایجاد یک جبهه متحد اسلامی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در میان همه کشورهای اسلامی. دولت و ملت ما دست خود را برای فشردن تمام دست هائی که آماده تشکیل چنین جبهه هائی هستند، در سراسر جهان دراز کرده و آماده فشردن آن دست های صمیمی است که می خواهند با صهیونیسم و امپریالیسم بجنگند

(کیهان - شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۰) باید با کمال خرسندی گفت که این سخنان طلیعه سمت گیری سیاست خارجی ایران بسوی آن سیاستی است که انقلاب بزرگ ما طلب می کند. اتحاد ایران با نیروهای انقلابی منطقه، که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، هم رئیس آن را در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی چنین تعیین کرده:

"پیشنهاد من این است که کشورهای اسلامی در مبارزه اقتصادی و سیاسی و نظامی متحد بشوند، خیلی سریع می - توانند شراستل را بکنند، (۱۲ مرداد ۱۳۶۰)

می توان نقش بزرگی در تعمیق و گسترش مبارزه در منطقه ایفا کند. فشردن دست هائی که آماده تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در سراسر جهان هستند و می خواهند با صهیونیسم و امپریالیسم بجنگند - چنانکه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفته است - این نقش را کامل می کند و ایران انقلابی را در نبرد انقلاب و ضد انقلاب در گستره جهان عملا در جایی قرار می دهد که در شان انقلاب بزرگ ماست. ادامه فعال و عملی این سیاست اعلام شده از جانب وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و آرزوی همه انقلابیون راستین ایران و جهان است - تضمین واقعی و وثیقه مطمئنی است برای پیروزی قطعی و نهائی انقلاب در ایران و در سراسر منطقه. مردم انقلابی ایران در انتظار گام های مشخص و عملی برای تحقق این سیاست هستند، و چنانکه زندگی نشان داده است، آماده اند که برای تحقق سیاست انقلابی تاپای جان بیکار کنند.

"... تصمیم درباره "گروگان" گیری در زمانی و به صورتی اتخاذ شده است که به سود کار تر موثر خواهد شد، بلکه به زیان او موثر خواهد شد و گمان می کنم این نظر من که مستند به تجربه طولانی من در روحیه و روانشناسی غربی ها به لحاظ اقامت در آنجاها و مطالعه ام در این زمینه ها است، درست از آب درآید. بنابراین وضع خارجی ما مشکل تر خواهد شد... (۱۳ آبان ۵۹ کارنامه بنی صدر)

و از این هم صریح تر: "... اگر ما هر کار را در موقع خود انجام داده بودیم، نه محاصره اقتصادی می شدیم، نه "گروگان" ها آن سرنوشت را پیدای می کردند، نه جنگ به ما تحمیل می شد، نه اوضاع ما از هر نظر به هم می ریخت... (۱۵ تا ۲۱ اسفند - کارنامه بنی صدر)

یعنی آمریکای عزیز "که هیچ قصد مداخله و تجاوز به کشور ما نداشت فقط پس از "گروگان گیری" جاسوس - هایش در ایران محاصره اقتصادی کرد، جنگ به راه انداخت، به ترور و خرابکاری دست زد.

البته بنی صدر معلوم نکرد که حالا که "گروگان" ها رفته اند چرا هنوز جنگ ادامه دارد و چرا روزی نیست که آمریکا به صورتی در ایران توطئه ای نچیند. بنی صدر به این سئوال ها جواب نداد و هرگز به روی خود نیاورد که خود او، برای آزاد کردن بدون قید و شرط این "گروگان" ها، با کار تر نماینده شیطان بزرگ هم معامله کرده است. (ادامه دارد)

# استراتژی جنون هسته‌ای (۲)

شماره ۸۷ اتحاد مردم در بحث پیرامون "استراتژی جنون هسته‌ای" مخطوطه‌ای در حدود ۱۰۰ صفحه در کمیته جمهوری آمریکا در برانگیختن جنگ هسته‌ای محدود و کنترل شده در این شماره دنباله‌های مقاله که با جاد دیگر این سیاست خطرناک و غیرقابل انقباض دیگر شوروی ها نشان می‌دهد از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

**همانطور که مقام‌های بلند پایه اتحاد شوروی بارها تصریح کرده‌اند، درباره نیت اتحاد شوروی و پیرامون این مساله می‌توان گفت که: "دکترین‌های استراتژیکی اتحاد شوروی کاملا جنبه دفاعی دارند و نیروی موشکی و هسته‌ای اتحاد شوروی فقط برای پیشگیری از تجاوز احتمالی است. اتحاد شوروی هیچگونه‌ای طرحی برای پیشدستی در وارد کردن ضربات هسته‌ای به هیچ کشوری تدوین نکرده است. کوشش اتحاد شوروی معطوف به این است که اوضاع به جایی کشانده نشود که وارد کردن ضربه اول و یا دوم ضرورت پیدا کند، به طور کلی اتحاد شوروی کوشش می‌کند که اصولا جنگ هسته‌ای پیش نیاید. در حقیقت، مواضع و برداشتهای اتحاد شوروی را نسبت به این مسائل چنین می‌توان تلخیص نمود: قدرت دفاعی اتحاد شوروی باید در چنان سطح کارآیی باشد که هیچ کشوری به خود اجازه ندهد صلح و امنیت این کشور را نقض کند. بدین ترتیب باید گفت که انگیزه تدوین طرح‌های استراتژیکی هسته‌ای جدید ایالات متحده آمریکا به هیچوجه خطر موهوم شوروی نیست. بلکه برعکس کارزار تبلیغاتی درباره برتری هسته‌ای اتحاد شوروی که گویا در سالهای آینده بدست خواهد آمد، دستاویزی برای توجیه نیت محافل تجاوز گر امپریالیستی است که تلاش دارند تعادل نیروی نظامی را بایست خود تغییر دهند.**

## ذخیره کردن کلاهک‌های جداشونده

یادآوری این مطلب لازم است که این نه اتحاد شوروی بلکه ایالات متحده آمریکا بود که یک رشته برنامه‌های نظامی برای برهم زدن تعادل نیروهای استراتژیکی به مورد اجرا گذارد. از جمله این برنامه‌ها تجهیز نیروهای موشکی ایالات متحده آمریکا به کلاهک‌های جداشونده بود که به طور کلی شماره کلاهک‌های هسته‌ای ذخیره موشکی آمریکا را ۲۵٪ افزایش داد. وزارت دفاع آمریکا پیوسته طرح‌های جدیدی برای تولید کلاهک‌های هسته‌ای کالمتر و دقیق‌تر با پیمانکاران عملی و فنی خود تهیه کرده و به اجرا می‌گذارد تا دقت موشک‌های استراتژیکی ایالات متحده را بالا برد و سیستم‌های هدایت و ارتباطی آنها را تکمیل نماید. رهبران آمریکا با به راه انداختن کارزار تبلیغاتی ادواری درباره "خطر شوروی" از برتری نظامی این کشور در رشته‌های سروصدا راه می‌اندازند که خود در صد کسب آن اند. منظور از کار و جنجال‌های تبلیغاتی کسوتی درباره برتری نیروی متقابل موشک‌های شوروی این است که سری جدید تولید تسلیحات استراتژیکی ایالات متحده آمریکا در دهه ۸۰ که پیچیده‌تر و مخوف‌تر است توجیه شود. دیدگاه‌های استراتژیکی تبلیغاتی اتحاد آمریکا درباره "ضرورت عکس العمل" درباره خطر "ضربه متقابل نیروهای شوروی" درست موجد چنین خطری از جانب ایالات متحده آمریکا است. زیرا از نقطه نظر نظامی و تکنیکی آن نیروی راکه وزارت دفاع آمریکا بذر وارد کردن ضربه متقابل پدید می‌آورد می‌تواند برای پیشدستی در حمله بکار گرفته شود. توسعه استراتژی هسته‌ای آمریکا طی ۲۰-۳۰ سال اخیر قانونمندی دیگر را نیز نشان داد. هر قدر دیدگاه‌های استراتژیکی واشنگتن مزورانه تر و پیچیده‌تر شده‌اند به همان نسبت از واقعیت اوضاع بین‌المللی دور گشته‌اند. آنها - شتهای جدیدی در مسائل امحاء به مقیاس جهانی در زرادخانه‌ها عملا به ذخیره موجود هسته‌ای که می‌توانند چندین بار حیات را در کره زمین نابود کنند، چیزی نمی‌افزایند. بدین سان می‌بینیم که مفهوم برتری نظامی بمعنای سنتی آن یعنی توانایی پیروزی در عملیات جنگی دیگر اهمیت خود را از دست می‌دهد و با وجود ذخایر عظیم کنونی سلاح هسته‌ای امری ناممکن می‌گردد. بنابراین، استدلال درباره افزایش ذخایر و تکمیل سلاح هسته‌ای برای هواداران مسابقه

تسلیماتی هر روز دشوارتر می‌شود. به همین علت آنها ناگزیرند به استدلال‌های واهی و من در آوردی متوسل شوند. واقعیت این است که اکنون برای تحقق دیدگاه‌های جدید استراتژیکی سلاح‌های ساخته می‌شوند که دهها میلیارد دلار خرج بر می‌دارند.

## تئوری «ضربه نیروی ضد ضربه»

حال به این مطلب می‌پردازیم که منظور از "ضربه نیروی ضد ضربه" محدود چیست؟ در این مورد توضیحات مقامات رسمی آمریکا دوپهلوی و مبهم است و از نقطه نظر نظامی قابل توجیه نیست. اگر منظور روانه کردن چند موشک علیه آماج‌های نظامی دشمن باشد، چنین اندیشه‌های مانند تهدید به حمله هسته‌ای همه جانبه چیزی جز خودکشی نیست. بدیهی است که این اقدام به طرف دیگر بهانه می‌دهد که تمام قدرت هسته‌ای استراتژیکی اش را که عملا دست نخورده باقی مانده علیه طرف مهاجم وارد عمل کند. اگر منظور طراحان واشنگتن حمله موشکی هم‌آهنگ به تمامی آماج‌های استراتژیکی طرف مقابل است این بدان معناست که با چندین هزار ترمی هسته‌ای به سرزمین طرف متخاصم ضربه وارد شود. در آن صورت طرف مهاجم نباید تردید داشته باشد که به چنین حمله علیه به اصطلاح آماج‌های انتخابی با ضربات نابودکننده تمام عبار پاسخ داده خواهد شد، حتی پیش از آن که حمله "نیروی متقابل" به آماج‌های خود رسیده باشد.

علاوه بر این، این نظریه استراتژیکی با واقعیات موجود نظامی - سیاسی و روانی هیچ وجه مطابقت ندارد. کاملا آشکار است که جنگ هسته‌ای را که وقوع آن دهشت بار ترسین فاجعه در تاریخ بشری می‌تواند باشد، نمی‌توان با شیوه‌های محاسبه دستگاه‌های کامپیوتری وزارت جنگ آمریکا که در آنها به عوامل انسانی توجهی نمی‌شود هدایت کرد. برتری برای وارد کردن یک ضربه به نیروی متقابل که در شرایط کنونی تناسب نیروها نمی‌تواند بمعنای ضربه خلع سلاح کننده طرف باشد، اهمیت نظامی و سیاسی واقعی خود را از دست می‌دهد. سخن گفتن درباره امکان پیروزی بر اساس محاسبه تناسب کلاهک‌های هسته‌ای که می‌توانند پس از نابود کردن پالایشگاه‌های نفت، نیروگاه‌ها و دیگر تاسیسات مهم حیاتی، در ذخیره باقی‌مانده که البته بسیاری از کارشناسان آمریکایی چنین تصور می‌کنند - عملا بمعنای بی‌اعتنایی به عقل سلیم است. در این مورد با کمال وضوح و صراحت باید گفت، تلاش برای تفوق در مسابقه تسلیحاتی به تصور پیروزی در جنگ هسته‌ای یک جنون خطرناک است.

در پس تغییرات در نظریه‌های استراتژیکی هسته‌ای آمریکا تنها نتیجه‌گیری‌های انتزاعی کارشناسان وزارت جنگ ایالات متحده آمریکا قرار ندارد. بلکه خط مشی ایالات متحده آمریکا در زمینه تسلیحات استراتژیکی در همین سمت پیش می‌رود. براون وزیر دفاع پیشین ایالات متحده در سال ۱۹۸۰ در سخنرانی خود در آنابولیس به این مطالب اشاره کرد. وی گفت نظریات استراتژیکی هسته‌ای مورد قبول همگانی بمعنای تشریح و توضیح نقشه جنگ واقعی نیست. هدف این نظریات آن است که امکاناتی فراهم شود که اگر دشمن از آنها آگاهی یابد از آزمودن ما و با کوشش برای وارد کردن فشارهای شدید بر ما صرف نظر نماید. مفهوم ساده این بیان رسمی واشنگتن آن است که اقدامات و کوشش‌های ایالات متحده آمریکا در زمینه استراتژیکی بدرجات زیادی ناشی از ملاحظاتی سیاسی است که با توجه به ادعاهای رسمی نظریات نظامی فوق العاده مشکوک بنظر می‌رسند.

## هدف‌های رهنمود ۵۹

هدف از انتشار اطلاعات مربوط به رهنمود شماره ۵۹ که در اوت سال ۱۹۸۰ عمدا در مطبوعات سازمان داده شد، کارلاروشن است.

چنانکه همه می‌دانند در میان محافل حاکم ایالات متحده آمریکا متداول است که مهمترین مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی، خلع سلاح و تنش زدایی را به "مسابقه فوتبالی" در سیاست داخلی کشور تبدیل کنند. حزب دمکرات در دوره تبلیغات انتخاباتی حساب می‌کرد با پیروزی در این مسابقه حسن نظر محافل راست گرای ایالات متحده آمریکا و کسانی را که استدلال‌های شان را باور کرده‌اند، بطرف خود جلب کند و در عین حال لیبرال‌های درون حزب را که با تشدید مسابقه تسلیحاتی مخالف هستند تحت فشار قرار دهد. اما چنانکه در بالا خاطر نشان شد، گرایش بسوی استراتژیکی هسته‌ای که در رهنمود شماره ۵۹ فرمول بندی شده است، چندین انتخابات رئیس جمهوری را از سر گذارنده است. تنها خود این مطلب نشان می‌دهد که نیروی محرک این گرایش را باید در عوامل سیاسی جدی تری غیر از ملاحظاتی مبارزاتی قبل از انتخاباتی جستجو کرد تغییر فزاینده تناسب نیروها به نفع سوسیالیسم در دهه ۷۰ و اعتلای نیرومند جنبش رهاشی بخش ملی موجب شده است که ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی برای بهره برداری از روند تنش زدایی به نفع خود و در صورت امکان متوقف کردن این روند بر تلاش خود بیفزایند. در ضمن خود سرشت اجتماعی سیاست امپریالیستی گریش وسیله های عمده را در مقابله با تنش زدایی و تحولات مترقی در جهان پدید می‌آورد، کوشش عمده‌ای در جهت تقویت قدرت نظامی استفاده از نیروی نظامی و تهدید به استفاده از این نیرو بکار برده می‌شود. افزایش ذخایر سلاح هسته‌ای بخش جدائی ناپذیر از مهمترین عناصر سیاست تشدید مسابقه تسلیحاتی و رویارویی با اتحاد شوروی است که در سطح عالی بصورت مقابلیه نظامی سوسیالیسم و امپریالیسم تجلی می‌کند. به همین علت تقریبا از اواسط دهه هفتاد در ایالات متحده آمریکا جستجو برای یافتن امکاناتی جهت رهاشی از این بست استراتژیکی از راه آغاز دور جدید مسابقه تسلیحاتی به اعتبار نظریات جدید کارشناسان نظامی درباره جنگ جهانی، شدت یافت. کان یکی از کارشناسان نظامی معروف ایالات متحده آمریکا بشیرمان در این باره چنین اظهار نظر کرده است: "ما می‌خواهیم نیروهای هسته‌ای و حتی خود جنگ هسته‌ای را به عامل معقولانه تر از آنچه که به عنوان وسیله سیاست از آن استفاده شود تبدیل کنیم".

بعلاوه این که تجاوز هسته‌ای بمقیاس وسیع علیه اتحاد شوروی برای ایالات متحده آمریکا به منزله خودکشی خواهد بود و وارد کردن ضربات "خلع سلاح کننده" در شرایط کنونی غیر عملی است. کوشش‌هایی برای یافتن راه خروج از این بست به کمک نظریه‌هایی از قبیل "حمله موشکی به آماج‌های انتخابی"، "ضربات محدود ضد نیرو" آغاز شد که می‌بایست به ابزار فشار سیاسی ایالات متحده آمریکا به طرف مقابل تبدیل شوند. نظریه "جنگ‌های محدود" و تسلیحاتی که بدین منظور تهیه می‌شود، بنا بر عقیده مولفان این نظریه‌ها باید جهانیان را متقاعد سازند که برای ایالات متحده آمریکا بکار بردن سلاح هسته‌ای (تاکتیکی و سپس استراتژیکی) اقدامی نامعقول نیست، زیرا مستلزم آن نیست که به یک درگیری نابودکننده همگان منجر شود. بدین ترتیب سیاستمداران آمریکایی می‌خواهند به مردم چنین تلقین کنند که گویا جنگ هسته‌ای می‌تواند محدود باشد و بدین وسیله مجاز بودن چنین جنگی را به افکار عمومی بقبولانند.

## افسانه «خطر شوروی»

### محور مسابقه تسلیحاتی

در ارزیابی خط مشی رهبری سیاسی آمریکا در زمینه تسلیحات استراتژیکی لازمست به این مطلب توجه شود که در شرایط تعادل قدرت نظامی میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا معیارهای شناخته شده نظریه‌های استراتژیکی گذشته برای فعالیت نیروها یک مایل به ادامه مسابقه تسلیحاتی هستند محدود می‌شوند. در این شرایط است که به صورت‌های مختلف همان افسانه‌های واهی "خطر شوروی" را مطرح می‌کنند و برای بالا بردن قدرت تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده آمریکا وظایف استراتژیکی تویین را

پیش می‌کشند تا بدینوسیله امکان ادامه مسابقه تسلیحاتی را تا مین نمایند و انباشت هر چه بیشتر ذخایر سلاح هسته‌ای را هدفمند و نمود سازند. این جریان در واقع نظریه‌اندیشمندان را در باره پیوند متقابل دیالکتیکی میان وسایل و شیوه های اجرایی جنگ تسلیحاتی، تاکتیکی و استراتژیکی تأیید می‌کند. چنانکه یکی از اندیشمندان بزرگ در این باره خاطر نشان کرده است: سازماندهی ارتش و شیوه‌هایی که در اجرای جنگ بکار برده می‌شود به شرایط مادی بستگی دارند. کامیابی های دانش و صنعت همواره همین که مرحله عمل در آمدند در مور نظامی مورد استفاده قرار گرفتند و بی درنگ موجب تغییرات و حتی تحولات کیفی در شیوه‌های اجرای جنگ شده‌اند.

وحشت در برابر ضربه نابودکننده متقابل به امپریالیسم اجازه نمی‌دهد که در عمل سلاح موشکی هسته‌ای را بکاربرد.

برنامه‌های استراتژیکی که به آنها اشاره شده اهداف سیاسی دیگری را نیز شامل اند. رهبری وزارت دفاع آمریکا این وظیفه را در برابر خود قرار داده است که دور جدید مسابقه تسلیحاتی پر خرج را که در دهه هشتاد آغاز شده به اتحاد شوروی بویژه در آن رشته‌هایی تحمیل کند که آمریکا در آن رشته‌ها خود را نیرومند تصور می‌کند. واشنگتن نیت خود را در این باره که قصد دارد اتحاد شوروی را با آغاز دور جدید تولید و آغاز تولید انواع سلاح های جدید موشکی هسته‌ای از لحاظ اقتصادی بی‌رمق کند، پنهان نمی‌دارد.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که در پس رهنمود شماره ۵۹ نیت سیاسی جدی و دراز مدت محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا نهفته است و همین محافل هستند که اندیشه‌های استراتژیکی مشکوک را به عامل معینی در سیاست آمریکا تبدیل کرده‌اند.

سرتاسر تاریخچه مسابقه تسلیحات هسته‌ای طی سالهای پس از جنگ، مشحون از تلاش‌های ناموفق ایالات متحده آمریکا برای رهاشی از این بست سلاح هسته‌ای است. امیدهای سیاستمداران نظامی آمریکا برای دستیابی به برتری در زمینه سلاح‌های هسته‌ای بر اتحاد شوروی و یا حداقل بدست آوردن برتری‌های یک جانبه نظامی در این زمینه برای ایالات متحده آمریکا در گذشته همواره به یاس گراییده و بطریق اولی در شرایط کنونی تناسب نیروهای جهانی محکوم به ناکامی خواهند بود. در اتحاد شوروی اقتصاد، علم و تکنیک اکنون در چنان سطح عالی قرار دارد که این کشور قادر است در کوتاه ترین مدت هر نوع سلاح مدرنی را تولید کند که دشمنان صلح بخواهند آنرا وسیله تهدید قرار دهند، با وجود این، اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که در صدد دستیابی به برتری نظامی بر طرف دیگر نبوده و نیست و چنین کوششی با سیاست کشورشوروا هم مغایرت دارد. در عین حال اتحاد شوروی اجازه نخواهد داد که طرف دیگر برتری نظامی نسبت به وی کسب کند. علاوه بر این، تلاش برای بی‌رمق کردن اتحاد شوروی از لحاظ اقتصادی با تحمیل مسابقه تسلیحاتی نامحدوده همان میزان بی‌اساس و بی‌فراحم است.

در عصر سلاح هسته‌ای امنیت را با تصمیمات نظامی نمی‌توان تا مین نمود و امنیت هرگز با مسابقه تسلیحاتی تا مین نمی‌شود بلکه باید شیوه‌ها و برخورد‌های اصولی جدیدی در این راه بکار برده شود. موفقیت در امر تنش زدایی و موافقت نامف‌های مهم درباره محدود کردن تسلیحات در دهه هفتاد، امکان کاربرد چنین شیوه ویر - خورد و مزایای آن را نشان داد.

مخالفتان تنش زدایی و طرفداران مسابقه تسلیحاتی در ایالات متحده آمریکا تلاش دارند از بغرنجیهای اوضاع بین‌المللی و مشکل تطبیق دادن سیاست آمریکا با توازن عینی استراتژیکی در عرصه جهانی که در دهه هفتاد آغاز دهه هشتاد پدید آمده برای پیشبرد نقشه‌های خود استفاده کنند. نفوذ این گروه بندی‌ها هنوز مطلق نیست، اما فعالیت‌های تحریک آمیز آنان زبان‌های سیاسی ملموسی را بار می‌آورد. در ضمن حتی در شرایط پیچیده کنونی در ایالات متحده و خارج از آن بسیاری از شخصیت‌های محافل حاکم در آمریکا با وجود آنکه به قید و شرط‌هایی ناگزیر به این مطلب اعتراف دارند که ادامه مذاکرات درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیکی سودمند و بطراح است.

### بمب گذاری...

بقیه از صفحه ۱

دادن ایران به جنگ داخلی است. در واقع بعد از شکست نقشه مسخ انقلاب از درون برای بار دوم - و این بار توسط بنی صدر - امیرالایم جهانی به سرکردگی آمریکای حساستکار نقشه "الکساندرهیک"، یعنی ایجاد جنگ داخلی

برای بازگرداندن راه مداخله مستقیم آمریکا در ایران را در دستور روز قرار داده است. امیرالایم آمریکا برای انجام این نقشه خائنانان بسیار دیگر آشکارا از "مجاهدین" بهره می گیرد که همچنان تحت نفوذ رهبری خاش و صد -

انقلابی این سازمان فرار دارند، رهبری که آشکارا در مصاحبه ماروز نامه ها، نشریات، محلات و راه های امیرالایم - که این روزها جاسوسی هندو امریکایی میگرداند - حضور و انفجار صراحتا که حاصل آن از جمله کشتار ده ها عاقل و کودک بیگناه است. عملی "انقلابی" می شمارد. کسانی که هنوز تحت رهبری روحی ها به کشتار مردم و ستولان ادامه می دهند، آنجناب در همدستی با صدام انقلاب به متحلاب سقوط کشانده شده اند، که ریاض ندارند

مجاهدین راستی چون حیف نژادها، صادی ها و... که رهبری کسوتی "مجاهدین" به خون پاک آنها و آرمایشان جانتان کرده است، هنگام طرح ریزی ترور هاد در زمان طاعوت، ترور بزرگترین مهره های رژیم شاه را، اگر قرار بود سب برگ یک عاقل بیگناه هم بود، از دستور کار خارج می کردند. و امروز کسانی که خود را "مجاهدین" می خوانند، دست در دست

ساواکی ها به ترور و کشتار مردم بی گناهی پرداخته اند که تنها "حرم" آنها دفاع از انقلاب است و سارر - بی ایمان امیرالایم غارتگر جهانی به سرکردگی آمریکا است. بنده خود امیرالایم آمریکا تا کون... به گزرتن سختجوی دولت رجائی، بنهاد فاضل صمدی محمد نادم مرداد ۳۱، تقریر و اکتسبه ۴۶ فقره را محروح کرده است. اگر به این رقم تعداد کشته شدگان و مجروحان انفجار بمب در مقابل استنباط با حضور و بازگرمایش راه اضافه کنیم میزان کشته شدگان به ۱۵۰ نفر می رسد و تعداد مجروحان ۱۵۰۰ نفر برمی رسد. برای راستی هر کس که هنوز از کترین صرف آسانی برخوردار است، بر خود خواهد لرزید که از ۴۹ فقره که در انفجارهای اخیر کشته شده اند، ۴۰ نفر آنها عاقلان بیگناه، کودکان، زنان و مردان راجح کش وطن ما بوده اند، که قربانی جنایت صدام انقلاب شده اند.

شکل ترورها و انفجارهای اخیر بر نشان می دهد که هدف واقعی این جنایات ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است. متفکر کردن توأمیل هائی که در کنار حسانان پارک شده اند، متفکر کردن پیل عابری پیاده انفجار بمب در مقابل بیمارستان و در بازار، برات کوئیل مولوتف به معاره نحاری و خواربار فروشی و... همه و همه این جنایات نشان می -

دهد که صدام انقلابیون آشکارا مردم بی گناه را هدف گرفته اند. تا به مدت سوم خود - که حالا بعد از تلاش برای بازگرداندن شاه ملعون و بختبار خائن، بویست به بازگرداندن بنی صدر و ملیح کش رسیده - برسند و بار دیگر ایران را تسلیم امیرالایم جهانی کنند

کسانی که دست به اینگونه جنایات میزنند، صرف نظر از این که به کدام نیت و بر چه موشی این اعمال جنایتکارانه را انجام می دهند، خواسته های خواسته صورت عامل مستقیم امیرالایم جهانی، به سرکردگی آمریکا جنایت - کار عمل می کنند. ولی چنین اعمالی نه تنها به نتیجه نخواهد رسید، بلکه مردم قهرمان ما در مبارزه به خاطر پیروزی نهائی انقلاب بیشتر حزم خواهد کرد و آنها را در مقابله با توطئه امیرالایم استوارتر خواهد کرد. از همین رو است که انقلاب از ارگان های خود در برابر این جنایت قاطعیت طلب می کند. بدون کمترین تردید باید مرتکبین این ترورها و بمب گذاری ها را به سختترین مجازات ها رساند. اما در عین حال این قاطعیت انقلابی باید با درایت انقلابی نیز همراه باشد. بدون

مجلس شورای اسلامی در جلسات علنی هفته گذشته خود شاهد مراسم تحلیف آقای محمد علی رجائی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران بود. در همین هفته اکثریت نمایندگان مجلس به نخست وزیر ری حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر رای اعتماد دادند.

در این جلسات ترور بیسم و جنایات ضد انقلاب به شدت محکوم شد و یکی از نمایندگان اعلام کرد که سرمایه داران غارتگر هنوز هم هستند، که خود را ظاهرا در صفا انقلاب جا زده اند.

در جلسه علنی روز دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۰، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، سپس از سخنان ناطقین پیش از دستور، مراسم تحلیف آقای محمد علی رجائی، رئیس جمهور جدید، به عمل آمد. در این جلسه مراسم تحلیف ۲۷ نماینده مجلس نیز انجام گرفت. مجلس در این روز بحث و بررسی پیرامون طرح اراضی شهری را ادامه داد.

در جلسه علنی مجلس، که سه روز سه شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۰ تشکیل شد، نامه رئیس جمهوری مبنی بر معرفی حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر به سمت نخست وزیر، از سوی رئیس مجلس قرائت شد. در این جلسه همچنین برای ۲ تن از نمایندگان مجلس، که از طریق انتخابات میان دوره ای به مجلس راه یافته اند، مراسم تحلیف بجا آمد. مجلس در این روز بحث و بررسی راجع به طرح قانونی اراضی شهری را ادامه داد.

### سرمایه داران غارتگر هنوز هم هستند

فخرالدین حجازی، نماینده مردم تهران، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود. وی طی سخنانی ضمن اظهار تاسف از اینکه "هنوز پاسخی به ندای مستضعفان در بر آوردن نیازشان نداده ایم" یادآور شد که:

"هنوز بازار ما بعضی سرمایه داران هستند که حلقه موشان فراختر است و هاضمه آنها دماغتر، احتکارچی وانحصار - چی و بعضی از آنها حتی خود را به ظاهر در صفا انقلاب هم جا زده اند. من از شاگرد کفایش های بازار تهران شرمسارم که در دستان خونین است از تیزی درفش و در دکان های نمور رنج می برند و ما حتی سر - پناهی برایشان نساخته ایم. دهکده های ما از خانه های گلخی شکل گرفته که یک زمین لرزه ده ها هزارشان را نابود می کند و هنوز به ما این مولدین زحمتکش دردمند نرسیده ایم."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود گفت: "اگر ما به مستضعفان دردمند نرسیم، هم برخلاف سوگندمان عمل کرده ایم، هم زمینه تبلیغات ضد انقلاب

شک بسیارند کسانی که قریب شعارهای بوج روحی ها را خورده اند و با قلبی سرتار از عشق خدمت به مردم و میهن در دام قریب افتاده اند. اینان بدون شک حاضر به کشتار مردم و پیروی از سیاست ضد انقلابی و شیوه تروریستی "رهبری مجاهدین خلق" نیستند. درایت انقلابی طلب می کند که راه بازگشت برای اینان بازگزارده شود و انقلاب آنها را به آغوش خود بپذیرد.

و در این رهگذر ما بار دیگر به اعضا و هواداران مجاهدین هشدار می - دهیم. ما با زهم از آنها می پرسیم: آیا نمی بینید که آشکارا به همدست ساواکی - ها و سلطنت طلبان تبدیل شده اید؟ آیا هنوز روشن نیست راهی که "رهبری مجاهدین" شما را به ادامه آن می خواند. عملا به اتحاد علنی یا بختیار واویسی ختم می شود؟ آیا کشتار مردم بیگناه همان آرمان انقلابی است که شما در پی

# سرمایه داران غارتگر هنوز هم هستند

**با اجرای طرح اصلاحات ارضی اسلامی شرخانها و فتودالها را از سر روستائیان کوتاه کنید!**  
**رئیس مجلس از ناتوانی شهربانی در جلوگیری از ترورهای ضد انقلابی بشدت انتقاد کرد.**

ناطق از دادستان کل انقلاب و دادستان انقلاب شهرستانها خواست که موسسین و فعالین این دفاتر به ویژه پس از ۱۷ شهریور ۵۹، را دستگیر و محاکمه و مجازات کنند.

نوروزی همچنین خواستار تصفیه تمام طرفداران بنی صدر از ادارات و بازار و مشاغل دیگر شد. نماینده آمل آنگاه با اشاره به عدم حمایت فتودالها و سرمایه داران و "شمال - شهریهای ویلانشین" از انقلاب و نقش فعال "زنان و مردان جنوب شهر و محلات فقیرنشین" خواستار همفکری رئیس جمهور و نخست وزیر بروجید و مجلس و برداشتن "گام های بلند و اساسی در راه خدمت به مستضعفین" شد.

ناطق در این زمینه خواستار اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و استرداد اموال غصب و غارت شده از غاصبین و غارتگران شده و در مورد اصلاحات ارضی گفت: "باتصویب و اجرای طرح اصلاحات ارضی اسلامی شرخانها و فتودالهای خون - آشام را از سر روستائیان کوتاه کنید." نوروزی در پایان تاکید کرد: "دولت آینده هیچ بهانه ای در عدم رسیدگی به وضع مستضعفین نخواهد داشت" دو مین ناطق، زینعلی نماینده

بهبهان، به تشریح ترور بیسم ضد انقلابی پرداخت و آنرا دلیل زوال و مرگ مسبین آن دانست. وی با اشاره به ترور حجت الاسلام بخردیان در بهبهان، که گفته ناطق "طرفدار سرسخت لغو مالکیت ارضی اراضی بود" تاکید کرد که این ترورها "جز در جهت تحکیم حاکمیت امیرالایم آمریکا و ایجاد رژیم خفقان نو استعماری جهت دیگری نمی تواند داشته باشد."

سیس فواد کریمی، نماینده اهواز درباره زندگی و نظرات دکتر آیت، که توسط ضد انقلابیون ترور شد، سخن گفت. آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس با اشاره به ترور دکتر آیت و ترور ناموفق دو نفر دیگر از نمایندگان مجلس، از نمایندگان خواست که پیش از پیش از خود محافظت کنند.

رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش گفت: "مردم دیروز جدا از شهربانی خشمگین بودند و شهربانی مقصراست، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به فعالیت شدید شهربانی در دوران رژیم دژخیم پهلوی گفت: "شهربانی امروز بیگارا است" رئیس مجلس افزود: "من اخطار می کنم به شهر - بانی که از این به بعد نامی توانیم تحمل کنیم که ۵ میلیارد تومان بودجه کشور را به شما بدهیم و در کنار کلانتری یک نماینده مجلس را چند ما شین به گلوله ببندند و ما شین از جلوی ما شین کلانتری عبور کنند و شما او را پیدا نکنید."

رئیس مجلس از شهربانی خواست که برای حفظ امنیت کشور و مردم و اشیات لیاقت خود بیشتر وجدی تر تلاش کند.

آقای بنی صدر به طور رسمی در مصاحبه می گوید که در ایران نیروها دست اندر کارند که باریان امام را از صحنه بیرون کنند تا حکومت خود به خود بدست افرادی مثل ایشان بیفتد. آنگاه مجلسوار دستور شد و نامه رئیس جمهوری مبنی بر معرفی حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر به عنوان نخست وزیر قرائت شد. بحث و رای گیری پیرامون نخست وزیر ری دکتر باهنر به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

سیس مجلس بحث درباره طرح قانونی اراضی شهری را آغاز کرد و پس از پیشنهاد های مختلف درباره طرح مذکور مواد ۱۰ و ۱۱ این طرح مورد تصویب قرار گرفت، ولی ماده ۱۲ از تصویب نمایندگان نگذشت.

در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، مجلس به نخست وزیر ری حجت الاسلام دکتر باهنر رای داد. پیش از جلسه علنی مجلس، به درخواست عده ای از نمایندگان، یک جلسه غیر علنی و غیر - رسمی برای بحث در این مورد تشکیل شد. پس از تشکیل جلسه علنی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، تاکید کرد که یکی از اهداف عمده ضد انقلابیون ترور نمایندگان مجلس است. وی از نیرو - های امنیتی و انتظامی خواست که مراقبت خود را افزایش دهند. سپس در مورد نخست وزیر ری حجت الاسلام دکتر باهنر رای گیری مخفی و باور قه به عمل آمد، که با ۱۳۵ رای موافق و ۱۴ رای مخالف و ۲۴ رای ممتنع از مجموع ۱۶۸ رای، به تصویب رسید.

در این جلسه همچنین اعتبار نامه موسی سلیمی، نماینده میانه، به تصویب رسید. سپس بحث درباره موادی از طرح اراضی شهری ادامه یافت.

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۰، مجلس، ابتدا کاظم نوروزی، نماینده آمل، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی ضمن اشاره به توطئه های مختلف آمریکا، توطئه اخیر آنرا تشریح کرد. ناطق با اشاره به سخنرانی ۱۷ شهریور ۵۹ بنی صدر، که موجب امیدواری طرفداران آمریکا و اتحاد چپ نماها و چپ - های آمریکا می باشد، آنرا با جمعه سیاه مقایسه کرد. وی تاکید کرد:

"همه کسانی که بعد از ۱۷ شهریور ۵۹ دست به ایجاد دفتر هماهنگی زدند، منتظر بازگشت آمریکا بودند."

راگسترده تر ساخته ایم. آنها می گویند اگر ما بودیم، چنین می کردیم." ناطق در قسمت دیگری از سخنان خود، ضمن محکوم کردن ترور بیسم، عاملان ترورهای شخصیت ها و مردم بیگناه را "صدخلق"، "دژخیم" و "جنایتکار" خواند. ناطق همچنین گفت:

بگذار دیو اسرائیل و صدای آمریکا ما را جنایتکار معرفی کنند. دنیا می داند که جنایتکاران کیستند "حجازی در پایان سخنان خود خواستار تصفیه ارتش از عناصر جنایتکار شد.

بنی صدر حامی خوانین بود آقای تاج گردون، نماینده مردم کهگیلویه و بویر احمدی، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود. ناطق طی سخنانی به فعالیت های مخرب فتودالها و ضد انقلابیون در حوزه انتخاباتی خود اشاره کرد و گفت

"بیشترین خوانین آن منطقه اغلب نه تنها ساواکی، بلکه عضو سیای آمریکای جنایتکار و از عمال شاه بوده اند و مردم عشا بر همیشه تحت فشار سه قدرت: سیا، ساواک و ماورین دژخیم خان بسر می بردند. زمینهای احیا شده کشاورزان را غصب و تصاحب کرده و در بسیاری از موارد به شرارت و ارعاب مردم مشغولند."

ناطق همچنین گفت: "اینان که سابقا تحت حمایت رژیم شاه خائن بودند، در زمان ریاست جمهوری بنی صدر از حمایت وی برخوردار و رشد و تقویت شده و کسب وجهه می نمودند. تا آنجا تیکه اطلاع دارم برابر مدارک موجود اطلاع دارم ماهیانه دریافت می داشته اند و حتی در برخی مواقع بر اثر اغتشاش در منطقه، پس از دستگیری آنها توسط دادگاه های انقلاب بنا به توصیه بنی صدر بدون محاکمه آزاد می شده اند."

پس از پایان سخنان ناطقین پیش از دستور این جلسه، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، طی سخنانی، ضمن محکوم کردن بمب گذاری های ضد - انقلاب گفت:

## برنامه فقر و گرسنگی ریگان برای آمریکا

خواهد کرد. ۵۹ هزار خانواده، که تا کنون با بهره مند شدن از کمک هزینه رفاهی زندگی می گذرانند، اکنون از لیست مربوط حذف گردیده اند. این وضع در کالیفرنیا از همه وخیم تر است، چه در این ایالت ۱۷ تا ۱۵ خانواد از کمک هزینه رفاهی محروم شده اند. کاهش های ریگان ملتی را گرسنه خواهد کرد. رویهم رفته ۴۵۰۸۳۶ خانواده از هرگونه کمک سازمان کمک به خانواد های بچه دار (ای. اف. دی. سی) بی بهره خواهند ماند و ۲۵۸۵۲۸ خانواده دیگر بخشی از این کمک را از دست خواهند داد. در این زمینه نیز زیان کالیفرنیا با ۴۲۰۱۰۵ خانواد از همه بیشتر خواهد بود.

بنوشته "دیلی ورد" (نیویورک) کاهش برنامه های اجتماعی در ایالات متحده آمریکا، شماره بیکاران را بالا خواهد برد و گرسنگی و فقر میلیون ها آمریکایی را افزایش خواهد بخشید. این روزنامه می نویسد: "پیامد مستقیم کاهش بودجه از سوی دولت ریگان آن خواهد بود که ۱۲۵۹۲۰۰ تن دیگر به خیل بیکاران خواهند پیوست. از همه بیشتر کسانی زبان خواهند دید، که کمتر از دیگران سزاوار از دست دادن کارشان هستند: جوانان، اقلیت ها و کارگران ناآموخته" "دیلی ورد" می افزاید: "کاهش های ریگان ملتی را فقیر

آن بودید؟ اکنون که ماهیت ضد انقلابی و خائنه "رهبری مجاهدین" بر همگان روشن شده است، بار دیگر از همه اعضا و هواداران "مجاهدین" می خواهیم که راه راستین خدمت به خلق را بشناسند و با سرمشق گرفتن از سعادتی که مرگ خود راوشیقه نجات آنها از گرداب کرد، به آغوش انقلاب بازگردند. غیر از این، ادامه راهی که رجوی آنرا اکنون از "بی سی سی" و "صدای آمریکا" فریاد می کند، اگر پناه بردن آشکارا به آغوش بختیار نباشد، مندل شدن "مجاهد" به "تروریستی" است که در خشم خلق ذوب خواهد شد.

هیروشیما

این کلمه یادآور بزرگترین فاجعه تاریخ بشری است. در آخرین روزهای جنگ دوم جهانی هنگامیکه آلمان هیتلری تسلیم شده و شکست زاین نیز حتمی بود، بمب افکن های آمریکایی بر فراز ژاپن به پرواز درآمدند و نخستین بمب اتمی خود را بر روی شهر هیروشیما افکندند. شماره کشتگان و آسیب دیدگان این بمباران وحشیانه، که هیچ توجیه نظامی نداشت و همه کشته شدگان و آسیب دیدگان نیز از مردم غیر- نظامی بی دفاع در برابر بمباران اتمی بودند، بیش از صد هزار نفر بود. آمریکای جهان خوار با ترکاندن بمب اتمی بر فراز هیروشیما میخواست به مردم جهان بفهماند که قادر مطلق است و هیچ کشور یا ای آن نیست که در برابر اراده او ایستادگی کند. سه روز پس از هیروشیما بمب اتمی دیگری بر ناکازاکی، شهر و بندر دیگر ژاپن افکنده شد و چهل هزار تن را در یک آن به مهلاکت رساند.

امپریالیسم آمریکا سیاست جهانی خود را در دوران پس از جنگ بر پایه وطن پرستانه گرایی و بیعت های هیروشیما و ناکازاکی آغاز نمود. امپریالیسم آمریکا میخواست نشان دهد که دیگر سخنی برتر از اراده ای بالاتر از اراده او نیست در جهان وجود داشته باشد. کاخ سلطه ستگران در تمام درازای تاریخ بر استخوان استمدیدگان بنا شده است، اما هیچ دولت استثمارگری در تاریخ با چنین سلاح وحشی به میدان نیامده بود. بمباران هیروشیما و ناکازاکی دورنمای تیره ای را، که خلق ها در برابر نیرومندترین دولت امپریالیستی جهان مسلح به سلاح اتمی در پیش داشتند، آشکار ساخت. امپریالیسم آمریکا دندان اتمی خود را نشان میداد که قدرت مقاومت را از خلق های جهان در برابر سیاست غارتگرانه خویش سلب کند.

اما انحصار سلاح اتمی برای مدت زیادی در دست امپریالیست های آمریکایی باقی نماند اتحاد شوروی نیز به برکت علم و فن پیشرفته خود به سلاح اتمی دست یافت. و تنها پس از پایان دادن به این انحصار بود که دنیای ستم دیدگان نفسی به آسودگی کشید. تناسب نیروهای نظامی بین کشورهایی که در اردوگاه امپریالیستی گرد آمده بودند و کشورهایی که سیستم نوین جهانی سوسیالیستی را به وجود آورده بودند، به سرعت تغییر یافت و در سال های دهه هفتم و هشتم بر پایه رشد سریع اقتصادی و فن کشورهای سوسیالیستی، توازن استراتژیکی بین دنیای سرمایه داری و دنیای سوسیالیسم برقرار گشت. اینک دولت ریگان میگوید این توازن را بار دیگر به سود دنیای سرمایه داری تغییر دهد. واضح است که اگر تغییر دادن تناسب نیروها در دو دهه قبل برای امپریالیسم آمریکا میسر نشده بود در سالهای آینده نیز، به دلیل آنگر شدت ریتر دنیای سوسیالیسم، هرگز میسر نخواهد شد و تنها پیامدی که گوش دولت های امپریالیستی میتوانند به بار بیاورد، گسترش سابقه تسلیماتی و تمام مصائب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ناشی از آن و افزایش خطر جنگ و در صورت بروز جنگ، وید آمدن صد ها هیروشیما و ناکازاکی تازه به مقیاس بی اندازه وحشتناکتر است. زیرا بمب هایی که بر فراز هیروشیما و ناکازاکی ترکیدند، در برابر بمب های هسته ای کنونی اسباب بازی کودکان ای بیش نیستند.

درک این خطر که سیاست دولت های امپریالیستی چه فاجعه ای میتواند برای خلق ها و پیش از همه برای خلق های اروپا به وجود بیاورد روز به روز در تمام قشرها و طبقات مردم آن قاره عمیق تر میشود. راه پیمایی بین المللی صلح، که طی پنج هفته اخیر صد هزار نفر به آن در قسمتی از طول مسیر ۷۰ کیلومتری اش ملحق شدند، در آخرین مرحله خود به خاک فرانسه وارد شد و در روز ششم اوت، روز بمباران هیروشیما، پس از یک میتینگ در پاریس پایان یافت. شعارهای اصلی راه پیمایان عبارت بود از: "فاجعه هیروشیما نباید تکرار شود." "در اروپا جایی برای استقرار موشک های هسته ای آمریکا نیست." "مذاکره، نه سابقه تسلیماتی."

اوج گیری روحیه ضد جنگ در اروپای غربی بویژه در میان جوانان، محافل حاکمه این کشور- ها را به شدت نگران کرده است. روحیه ضد جنگ بخصوص در بین مردم آلمان غربی، که شمه سیاست های جنگ افروزان هیتلری را از یاد نبرده اند، بسیار نیرومند است. سران آلمان غربی تلاش میکنند مردم را فریب دهند و آنها را متقاعد سازند که ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان غربی اش برای انجام مذاکره با اتحاد شوروی در باره محدود ساختن سلاح های هسته ای و موشکی در اروپا تدارک می بینند. گذش وزیر امور خارجه آلمان فدرال چند روز پیش در یک مصاحبه

تفسیر وقایع مهم جهان

مطبوعاتی اظهار داشت که مقدمات این مذاکره آماده شده و به زودی آغاز میگردد. خبرگزاری شوروی تاس، ضمن تفسیری این ادعای وزیر امور خارجه آلمان فدرال را تکذیب کرد و گفت که ایالات متحده آمریکا در چنین فکری نیست و دولت ریگان سیاست کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی را مصرا نه دنبال میکند. این سیاست جزئی از استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا برای برقراری سلطه از دست رفته خود بر جهان است. عناصر دیگر این استراتژی را میتوان در توسعه پایگاه های نظامی و تشکیل سپاه واکنش سریع و سازمان دهی توطئه ها و دسیسه ها بر ضد دولت ها و خلق های مبارز علیه نفوذ آمریکا و ایجاد گروه بندی های سیاسی و نظامی هوادار امپریالیسم مشاهده نمود.

در حال حاضر امپریالیست های آمریکایی، علاوه بر اروپا، فعالیت خود را در بخش وسیعی از خاور نزدیک و میانه تا اقیانوس هند و خلیج فارس متمرکز ساخته اند و میگویند به کمک رژیم های دست نشانده خود موج تازه انقلابی را، که در این منطقه برخاسته است، خفه کنند و منابع عظیم این منطقه، بخصوص نفت، را در تصرف خود نگاه دارند. رژیم های خیانکار مصر، پاکستان، عربستان سعودی و اسرائیل هر یک در جهت همین به تحقق این سیاست آمریکا در منطقه کمک میکنند.

سادات به پاپوس ریگان می رود

میتوان گفت که اگر خیانت سادات به خلق های عرب نبود، هرگز اسرائیل نمی توانست با این بی پروائی زنان و کودکان فلسطینی را در زیر بمب های سنگین خود نابود کند. فرار خیانت بار سادات از جبهه واحد اعراب و تسلیم شدن او به اسرائیل بر قدرت مقاومت اعراب در برابر تجاوزات اسرائیل، که از حمایت بی دریغ امپریالیسم آمریکا برخوردار است، ضربت کاری وارد نمود. هنگامیکه بگین در شرم الشیخ با سادات ملاقات نمود، سادات، صراحتا به سوی اطمینان داد که اگر بین اسرائیل و سوریه جنگی درگیرد، اسرائیلی ها میتوانند از جانب مصر آسوده خاطر باشند. سادات دست اسرائیل را در حمله به سوریه و لبنان و سازمان آزادی بخش فلسطین باز گذارد. خیانت سادات، همراه با تضمیناتی که هیک در سفر خود به اسرائیل به دولت بگین داد، زمینه مساعد سیاسی و نظامی را برای حملات وحشیانه هوای اسرائیل بر لبنان فراهم ساخت. اینک سادات به واشنگتن رفته است تا بزرگ خیانت دیگر خود، که باز کردن پای سربازان آمریکایی به خاک مصر، زیر عنوان نیروی چند ملیتی حافظ صلح در سیناست، صحنه بگذارد.

در آستانه سفر سادات به واشنگتن دولت اسرائیل اعلام کرد که نوار غزه و بخش کرانه غربی رود اردن را، که در سال ۱۹۶۷ به اشغال خود در آورده است، سرزمین های متعلق به اسرائیل میدانند و به هیچ قیمتی حاضر نیست آن را به صاحبان اصلی اش مسترد دارد. در این شرایط سادات به فلسطینی ها توصیه میکند که با اسرائیل مستقیما وارد مذاکره شوند (بر سر چه؟)

استقرار نیروهای آمریکایی در شبه جزیره سینا، به عنوان نیروی چند ملیتی حافظ صلح، همزمان با تلاش آمریکا به منظور ایجاد پایگاه نظامی در راسیناس با هزینه های برابر با ۴۰۰ میلیون دلار برای استقرار نیروهای اوکانش سریع، کشور مصر را بنوع مستعمره امپریالیسم و تکیه گاه ضد انقلاب در مرز آسیا و آفریقا تبدیل خواهد نمود. رژیم سادات هم اکنون این نقش کثیف را در مورد میهن انقلابی ما و افغانستان ایفا میکند. روزنامه "الحوادث" چاپ لبنان نوشت که هزاران ضد انقلابی ایرانی در مصر لانه کرده اند. مریبان آمریکایی بناتان فن بمب گذاری و آدم کشی رایج میدهند. خرابکاران از راه های مختلف به کمک گروه های ضد انقلابی به داخل ایران نفوذ میکنند. سادات در تجهیز آموزش و اعزام خرابکار به افغانستان نیز همین نقش کثیف را به عهده گرفته است. رهبری تمام این عملیات هم در دست "سیاست".

افغانستان - آماج توطئه رژیمهای ارتجاعی

مجله آمریکایی "نیوریولیک" در یک

مقاله مفصل جریان فرستادن سلاح برای ضد انقلابیون افغانی، از دوران ریاست جمهور کارتر تا کنون، را شرح داده و مینویسد: دستور تنظیم عملیات را خود کارتر شخصا صادر کرد و اجرای آنرا به برزیلنسکی و تونز (رئیس سیا) واگذار کرد. ابتدا برای آنکه کار مخفی بماند سلاح های ساخت شوروی و یا عین آن سلاح ها را با دقت ساخته میفرستادند. کار اصلی رآمر، که سلاح های شوروی داشت، به عهده گرفت، کارخانه های اسلحه سازی مصر همه روزه صد ها تن سلاح جنگ افزار برای ارسال به افغانستان تولید میکردند. هزینه تولید این سلاح ها را عربستان سعودی و آمریکا میپرداختند برون وزیر دفاع کارتر در سفر خود به یکن موضوع انتقال سلاح به افغانستان را با رهبران چین در میان گذاشت و آنان تقبل کردند که سلاح ها را به پاکستان برسانند و اگر مرز پاکستان و افغانستان غیر قابل نفوذ شود، خودشان از راه های مرزی صعب العبور کوهستانی سلاح ها را به ضد انقلابیون افغانی برسانند. "انقلابیون افغانی برسانند."

از نوشته این مجله آمریکایی دیده میشود که همکاری رژیم های خیانکاری چون رژیم سادات ملک خالد و ضیاء الحق با امپریالیسم آمریکا چه نقش شومی در صدور ضد انقلاب به کشور های منطقه ایفا میکند. سادات، خالد و ضیاء الحق به عنوان پشتیبانی از "مجاهدان اسلامی" افغانستان با امپریالیست های آمریکایی و سرویس های جاسوسی آنها از نزدیک همکاری میکنند، اما هنگامیکه کار به دفاع از مبارزان فلسطینی در برابر تجاوز خونین اسرائیل می رسد، "اسلام" را فراموش میکنند و کوچکترین تگانی به خود نمی دهند. کشور ۸۰ میلیونی پاکستان با آن ارتش نیرومند، همراه با عربستان سعودی بزرگترین سرمایه دار جهان، اگر عرق مسلمانی داشتند میتوانستند در ظرف مدت کوتاهی تجاوز کاران اسرائیلی را سر جای خود شان نشانند. اما "اسلام" آنها تنها یک سمت دارد و آن سمت آمریکایی است.

سفر اخیر ضیاء الحق به ریاض و گفتگوهایش با ملک خالد، قبل از هر چیز به منظور تامین هم کاری بین این دو رژیم ارتجاعی برای پیاده کردن "اسلام" ضد انقلابی خودشان انجام گرفت.

آنچه این دو رژیم ارتجاعی را به یکدیگر و هر دوی آنان را به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا نزدیک میکند، وحشت بی پایان آنان از اوج گیری جنبش انقلابی است که نخستین علائم آن در پاکستان شدید تر و در عربستان سعودی خفیف تر به چشم می خورد. اسرائیل برای آنان خطری در بر ندارد. اما ایران و افغانستان میتوانند پایه های رژیم لرزان آنها را متزلزل کنند. سر نوشت رژیم های آنان با امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا گره خورده است. آنچه پیش از هر چیز این دو رژیم را مستعد اهراسان میکند، دورنمای تثبیت اوضاع در ایران و افغانستان است. طرد دار و دسته بنی صدر از مقامات دولتی ایران نوید میدهد که علیرغم عملیات تخریبی که بدست مزدوران و عوامل جاسوسی امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا و افراد فریب خورده انجام میگردد، انقلاب ایران بدون تثبیت و سازمان ندگی کام نهد و بصورت یک پایگاه انقلابی موثر در منطقه درآید.

در افغانستان نیز وضع به سرعت رو به ثبات میرود. افراد فریب خورده دسته دسته باند های ضد انقلابی، را که به روی خلق و میهن خود اسلحه میکنند، ترک کرده به خانه و کاشانه خویش باز میگردند. اقدامات دولت افغانستان در جهت واگذاری زمین به دهقانان و الغای مالیات های سه ساله آنان و تصویب قانون لغو بدی های دهقانان به ملاکان و ربا خواران، پایگاه مردمی حکومت انقلابی افغانستان را بسیار توسعه داده است. اکنون خود دهقانان از مزایای و روستاهای خود در برابر بورژوازی ضد انقلابیون دفاع میکنند. دولت همچنین بهای بذر و کود معدنی را در حدود ۲۰ درصد کاهش داده و قیمت خرید اجناس کشاورزی از دهقانان را بیش از ۲۰ الی ۳۰ درصد بالا برده است. دهقانان افغانستان بیش از پیش احساس میکنند که دولت افغانستان دولت خود آنان است و لذا از آن پشتیبانی میکنند. در افغانستان همچنین برنامه وسیعی برای جلب فرزندان زحمتکشان به دانشگاه و مدارس عالی ترتیب داده شده است. ضد

انقلاب پایگاه اجتماعی خود را از دست میدهد و به باند های تروریست تبدیل میشود. میتوان با اطمینان گفت که خلق که برادر افغانستان مهمترین مرحله بحران خطرناکی را که امپریالیست های آمریکایی از دو سال پیش با همدستی رژیم های ارتجاعی منطقه و خیانت کاران چینی برایش آفریده بودند، با موفقیت پشت سر میگذارد، هر چند هنوز امپریالیسم خمیری از دهلی نواز قول یک منبع موق صد ها دروغ شاخدار درباره افغانستان جعل میکند و به خورد مشتریان خود میدهد.

تروریسم بی شک در افغانستان نیز مانند ایران آینده ای خواهد داشت. انقلاب اگر به سوی هدف های مردمی خود گام بردارد و پایگاه اجتماعی خود را مستحکم کند، هرگز با تروریسم از پای در نخواهد آمد.

تروریسم سیاست رسمی آمریکا

تروریسم در دوران کنونی از مراکز جاسوسی امپریالیستی بویژه "سیا" سرچشمه میگردد و ماهیت عمیقاً ضد انقلابی دارد. هم زمان با روی کار آمدن ریگان در آمریکا، بار دیگر تروریسم به مثابه سیاست رسمی دولت آمریکا پایه صحنه روابط بین المللی گذارده است. در آئین نامه جدید فعالیت "سیا" دست این سازمان جهانی در ترور شخصیت های مخالف با سیاست آمریکا و ایجاد شبکه های تروریستی برای پیشبرد هدف های سیاسی ارتجاعی آمریکا به کلی باز گذاشته شده است.

تروریسم از ماهیت و سرشت امپریالیسم سرچشمه میگردد. امپریالیسم هرگز نمیتواند از راه انقلاب و جنبش های توده ای به مقاصد سیاسی خود دست یابد، زیرا اهداف و مقاصد امپریالیسم عمیقاً ضد انقلابی و ارتجاعی است و این مقاصد جز از راه ترور و کودتا یا مداخله مستقیم نظامی نمی تواند حاصل عمل بشود. دولت جدید آمریکا که مبارزه با انقلاب های ملی و مردمی و جنبش های کارگری در سراسر جهان را به عنوان نخستین هدف استراتژیکی خود برگزیده است، تروریسم را نیز به عنوان روش نیل به این هدف انتخاب کرده است. در طرف یکی دو ماه اخیر چند توطئه تروریستی برای قتل شخصیت های برجسته مخالف با امپریالیسم کشف و خنثی شده است. نقشه قتل قذافی، رهبر لیبی، که به نوشته مجله آمریکایی نیویوریک بر نظر مستقیم ویلیام کیسی، رئیس "سیا" طرح ریزی شده بود، توطئه قتل ایندیرا گاندی نخست وزیر هندوستان از راه ایجاد یک سانحه هوایی، تهیه مقدمات ترور فیدل کاسترو، رهبر کوبا در مراسم جشن انقلاب، که در اثر دستگیری عاملان آن خنثی شد، از جمله اقداماتی است که مشارکت "سیا" در آنها به اثبات رسیده است. در ترور های اخیر ایران نیز جای انگشت ماوران "سیا" به خوبی نمایان است.

بدیهی است که "سیا" ترور را صرفاً برای ترور انجام نمی دهد. ترور در دست عمل "سیا" وسیله ای برای نیل به هدف های سیاسی دور و نزدیک است. برکنار کردن قاطع ترین مبارزان از صحنه مبارزه، ایجاد زمینه روانی برای نشان دادن عدم تسلط حکومت انقلابی، فراهم کردن شرایط سیاسی و اجتماعی به منظور ایراد ضربت کودتائی وغیره، از جمله این هدف های سیاسی است. تردیدی نیست که بدنبال این موج وسیع ترور در ایران، امپریالیست های آمریکایی نقشه های خطرناکتری نیز برای میهن انقلابی ما طرح کرده اند، که فرار بنی صدر و رجوعی پیش درآمدن میتواند باشد. در ضمن در تهیه این فرار نیز دست مرموز "سیا" به خوبی مشهود است. از آنجا شروع کنیم که خبرنگار "ایت دیز" برای منحرف کردن نهاد های انقلابی مادر کردستان با بنی صدر مصاحبه میکند و سرهنگ معزی، پس از قول و قرار با ماوران "سیا" در قاهره به ایران باز میگردد و با اعمال نفوذ بنی صدر، که پیوند او با امپریالیسم دیگر محرز است، از کفیر هایی میباید و هوا پیمای ربه شده ایرانی بدون هیچ مانعی در یک فرودگاه نظامی در پاریس به زمین می نشیند. آیا میتوان بدون مداخله سرویس های جاسوسی امپریالیستی از این هفتخوان گذشت؟ آیا عقل سالم این را می پذیرد که "سیا" در تمام مدت تماشاگر این منظره بوده است؟

باری، جنبه ضد انقلاب بسیار وسیعتر از ائتلاف بنی صدر و رجوی ها و پیکاری ها و رنجبری ها است و خطر آنها نیز تنها به ترور منحصر نمیشود. ضد انقلاب جنبه جهانی دارد و ما نیز برای روباوئی با آن باید در جستجوی دوستان مطمئن باشیم.

به مناسبت فاجعه "تل زعتر" اردوگاه آوارگان فلسطین در لبنان (۲۱ مرداد ۱۳۵۵)

# تاریخچه کوتاهی از زندگی رنج و پیکار خلق فلسطین

از سوی دیگر، مقاومت فلسطینیا سز از سال ۱۹۲۱ آغاز می شود و در سالهای ۳۹-۱۹۳۶ به رستاخیزی همگانی می انجامد. یگان های مسلح صهیونیت های مهاجر در در هم شکست این رستاخیز شرکت فعال می-جویند.

از سال ۱۹۴۳ گروه تروریستی-صهیونستی "ابریگون" (بسرکردگی ماحم بگی، نخست وزیر کنونی اسرائیل) و سپس سازمان نظامی "هاگانه" با حملات خود به انگلیسی ها می خواهد به قیومیت بریتانیا پایان دهد و عکسه فلسطینی را به ترک سر-رمن آبا اجدادی خود وادار سازند.

سال ۱۹۴۷، بریتانیا از سازمان ملل متحد اجازه می خواهد تا قیومیت خود را بر فلسطین خاتمه دهد. یک کمیسیون سازمان ملل متحد پیشنهاد می کند که فلسطین به دو کشور عربی و یهودی تقسیم گردد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۴۷ این پیشنهاد را تصویب و موعدتاسیس دو

فلسطینی ناس از پایان جنگ اول جهانی حتی از امپراتوری عثمانی بود. با فروپاشی این امپراتوری و توافق سان فرانسو، های امپراتوری فرانسه و انگلیس در باره تقسیم خاور میانه در سال ۱۹۱۶، انگلیس در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه بالفور به صهیونیستها (حتی برادی، که یهودیان را حلقی برگزیده می گرد و هدف آن سادت بر فلسطین است) قول داد که به آنها در تاسیس مدیسی مستقل در فلسطین کمک رساند.

در سال ۱۹۲۳، با آغاز قیومیت انگلیس بر فلسطین، مهاجرت وسیع صهیونیست ها به فلسطین و راندن حشوت بار دهقانان عرب از این سر-رمن آغاز می گردد. تا آن هنگام عکسه عربی-فلسطینی ۹۱٪ ساکنان فلسطین را تشکیل می داد و ۹۷٪ رمن های این کشور را دارا بود.

همچنین در نقاط گوناگونی که فلسطینی ها در آنها زندگی می کنند، گروه های آزادی بخش پدید می آیند.

دراول ژوئن ۱۹۶۴ "سازمان آزادی بخش فلسطین" پایه گذاری میشود و تا سال ۱۹۶۸ همه دیگر سازمان ها و گروه های فلسطینی را در بر می گیرد. در همین روز "صندوق ملی" و "ارتش آزادی بخش" تاسیس می یابد.

در ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل بار دیگر تجاوزی را آغاز می کند. در جریان این تجاوز نوار غزه، کرانه باختری رود اردن، شبه جزیره سینا و بلندی های جولان به اشغال اسرائیل در می آید. ۴۰۰ هزار نفر دیگر از میهن خود رانده می شوند.

از آن هنگام، جنبش مقاومت به اوج های جدیدی دست می یابد. "سازمان آزادی بخش فلسطین" پایای نبرد نظامی، فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود را گسترش می دهد.

ایالات متحده آمریکا و متحدان آن برای پیشبرد هدف های استراتژیک

کشور را ژوئیه ۱۹۴۸ تعیین میکند اما تا تاریخ نامبرده نیرو های مسلح صهیونیستی و یگان های ترور-یستی (مرکب از در حدود ۶۷۵۰۰ نفر) بسیاری از مناطق را به تسخیر خود در می آورند و به راندن ساکنان آنها اقدام می ورزند. فلسطینی ها از مقابلسه با چنین قدرت نظامی بکلی عاجزند. پس از آن که صهیونیست ها در سال ۱۹۴۸، یک جانبه استقلال کشور اسرائیل را اعلام می کنند، کشورهای عرب به جنگی ناهماهنگ و نه چندان قاطعانه علیه اسرائیل دست می زنند. در سال ۱۹۴۹ پس از اعلام آتش بس، اسرائیل ۷۷٪ سرزمین های فلسطین را زیر سلطه خود دارد. تا سال ۱۹۵۰، ۹۶۰۰۰۰ فلسطینی از میهن خود رانده می شوند. در سال های بعد، آوارگان فلسطینی به اقدامات گوناگون، ولی نامشکل و انفرادی، علیه اسرائیل مبادرت می ورزند. در سال ۱۹۵۸، سازمان "الفتح"، متشکل از نیرو های سیاسی مختلف، تاسیس می گردد

اقتصادی خود و روبروئی با جنبش آزادی بخش خلق عرب به پاری همه جانبه اسرائیل می شتابند.

از سال ۱۹۶۴ تا کنون سازمان ملل متحد "سازمان آزادی بخش فلسطین" را بعنوان تنها نماینده "عرب فلسطین برسمیت می شناسد و نماینده "سازمان آزادی بخش فلسطین" در این سازمان بین المللی بعنوان ناظر شرکت می کند. فزون بر این، بیش از صد کشور جهان نیز در این میان "سازمان آزادی بخش فلسطین" را برسمیت شناخته اند.

"شورای ملی سازمان آزادی بخش فلسطین"، که در واقع پارلمان فلسطین است، ۳۰۱ نماینده از سازمان های مقاومت، سندیکاها، اتحادیه های جوانان، دانشجویان و زنان و شخصیت های مستقل را در بر می گیرد.

"شورای ملی فلسطین" کمیته اجرایی را بر می گردیند، که ریاست آن از سال ۱۹۶۹ تا کنون با یاسر عرفات است.

## شرایط دشوار کار و زندگی زحمتکشان اردن

در کشور خود برقراری مناسبات دمو-کراتیک و رهایی اردن از بند امپریالیسم است.

زحمتکشان اردن در شرایط بسیار دشواری زندگی می کنند. برخی از این دشواری ها را باید در زمینه اقتصادی و در پیوند با اشغال مناطق غربی اردن از سال ۱۳۳۶ به این سو جست نیمی از کار-خانه های اردن، که ۳۸٪ فرآورده ناویژه اجتماعی را تولید می کردند و ۴۰٪ کارگران صنعتی کشور در آنها اشتغال داشتند، در این مناطق واقع بودند. فزون بر این، بیشتر محصولات کشاورزی اردن در این مناطق تولید می شد. در حدود ۴٪ مردم اردن در کشاورزی اشتغال دارند. دهقانان متوسط و مرفه، که تنها ۶٪ جمعیت دهقانی را تشکیل می دهند، مالک ۵۰٪ زمین کشت هستند. دولت اردن بر آنست که روند صنعتی کردن کشور را شتاب بخشد، اما این سیاست بروابستگی هر چه بیشتر به سرمایه خارجی و کسر تراز بازرگانی استوار است.

زحمتکشان اردن بویژه از افزایش قیمت ها و کاهش دستمزدها رنج می برند. چه کارفرمایان هر چه بیشتر به اشتغال کارگران خارجی، که سبب آنها به سوی اردن سرازیر شده است و به دستمزد نازل تر قانع هستند، دست می یازند.

فائق ورد در پایان می گوید: "این واقعیت ها نشان می دهد که حزب ما در پیکار در راه حقوق زحمتکشان و بهبود شرایط کار و زندگی آنها با چه وظایف سنگینی روبروست."

بگفته فائق ورد، خلق فلسطین در این پیکار از پشتیبانی خلق های دیگر کشورهای عرب، همه نیروهای ترقی-خواه جهان و از کمک بیدریغ و انترنا-سیونالیستی کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، برخوردار می شود.

فائق ورد اظهار می دارد که "حزب کمونیست اردن" که در صفوف خود اردنی ها و فلسطینی ها را متحد می سازد و امسال سی امین سالگرد پایه گذاری خود را بزرگ خواهد داشت، خویش را پیشاهنگ مبارزه خلق عرب فلسطین در راه استیفای حقوق پایمال شده خود می-شمرد. بمنظور گسترش فعالیت حزب، سال گذشته تصمیم گرفته شد که "سازمان کمونیستی فلسطین" لبنان بعنوان بخشی از "حزب کمونیست اردن" در آن کشور به فعالیت خود ادامه دهد. در مناطق غربی اردن نیز، که اکنون در اشغال اسرائیل است، بخشی از "حزب کمو-نیست اردن" فعالیت دارد.

فائق ورد می افزاید: "پیکار مشترک آگاه ترین نماینده-گان خلق های برادر اردن و فلسطین یکی از ویژگی های حزب ماست. ریشه این خصوصیت آن است که بیش از نیمی از اردنی ها فلسطینی الاصل هستند. از این گذشته، اکثریت فلسطینی های رانده شده از اسرائیل در اردن زندگی می کنند."

بخش های "حزب کمونیست اردن" در مناطق اشغالی در راه ایجاد جنبشی توده ای علیه اشغالگران و در سندیکاها و دیگر سازمانهای توده ای به مبارزه مشغولند. هدف "حزب کمونیست اردن"

هفته نامه "هوریتسونت" (جمهوری دمکراتیک آلمان) چندی پیش گفتگویی با فائق ورد، دبیر اول کمیته مرکزی "حزب کمونیست اردن" منتشر ساخت.

بگفته فائق ورد منطقه خاور نزدیک سالهاست که به یکی از تنبش-زده ترین مناطق جهان بدل شده است. علت این امر را باید در سیاست تجاوز-کارانه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و محافل حاکم اسرائیل جستجو کرد.

فائق ورد یاد آوری می کند که ایالات متحده آمریکا از هیچگونه کمکی به "تل آویو" دریغ نمی ورزد و این کشور همواره پایگاه گسترش سیادت خود بر خاور نزدیک، خلق ها و منابع طبیعی آن-بویژه نفت-می انگارد. وی تاکید می کند:

"در دوران اخیر، محافل امپری-الیستی و صهیونیستی فعالیت های مداخله گرانه خود را در منطقه مانقویت می بخشند. فقر و فلاکت خلق فلسطین و نقض حقوق ملی آن از فرآورده های این سیاست هستند. همچنین خطر گسترش طلبی های جدید اسرائیل علیه لبنان، سوریه، اردن و دیگر کشورهای عرب افزایش می یابد. از این رو، تحکیم وحدت ملی برای اردنی ها و فلسطینی ها مهم ترین و مبرم ترین وظیفه است. این امر برای مقابله با تلاش های تجاوزکارانه اسرائیل و استیفای حقوق خلق فلسطین-حق بازگشت به میهن، تعیین سرنوشت خویش و تشکیل کشوری مستقل برهبری "سازمان آزادی بخش فلسطین"- بس ضرور است"



اشغالگران صهیونیست قدس زنان و کودکان بی دفاع فلسطینی را قتل عام می کنند.

## بنی صدر آمریکا را به عنوان خطرناکترین دشمن از زیرضربه خارج ساخت

و هرگونه سنگ اندازی در راه انقلاب را محکوم کردند.

"باید با اجرای بند "ج" و بند "د" برای همیشه اقدامات ریشه ای در جهت محور بزرگ مالکی و به نفع توده های محروم به عمل آورد. حل مسئله مسکن، بهداشت، فرهنگ، تجارت خارجی تولید و توزیع کالاها ضروری، تثبیت قیمت ها و جلوگیری از احتکار و گران فروشی از مسائلی است که بازنگری روزمره دهها میلیون هموطن ارتباط مستقیم دارد."

"بدون سمتگیری روشن و اصولی درباره مسائل گریه انقلاب و حل آنها به نفع توده های ده-ها میلیون و بدون سمتگیری درست در سیاست منطقه ای و جهانی، انقلاب همیشه در معرض خطر جدی توطئه گران سازشکار و تسلیم طلب به غرب و آمریکا قرار دارد."

افراشت.

"هدف از علم کردن مسئله "قانون اساسی آزادی" و لزوم حضور مردم در صحنه بیشتر تشنج آفرینی، تحریک و خرابکاری بود."

"قاسملو رهبر باند منحرف و خیانت-پیشه در کردستان نیز موضعگیری اخیر و مقاومت بنی صدر را در برابر روحانیون مرتجع تحسین کرده و اعلام داشت آماده است با آغوش باز او را در کردستان بپذیرد و امنیت او را از هر لحاظ تامین کند"

"پیروان کنگره چهارم حزب دموکرات کردستان ایران، از ۲۵ خرداد ۵۹ صف خود را از صف دارو دسته قاسملو که در جهت تضعیف انقلاب گام برمیداشت جدا کردند، آنها بقا و تعمیق انقلاب را شرط ضروری و لازم برای نیل مردم کردستان به حقوق روای انسانی خود دانسته

طلب گرفته تا بوروکرات ها، تکنوکرات ها همه و همه از بنی صدر در مقابل دولت حمایت می کردند.

بنی صدری که در ماه های اول ریاست جمهوری تهدید کرد که سربازان نباید تاسرکوب و خلع سلاح کامل گروهک های مسلح در کردستان بو تن خود را از یاد آورند، آنقدر در فکر حزب مخالفین دولت پیشرفت که بر حاد شده، بمباران "دولتهو" سرپوش نهاد و بجای محکوم کردن باند قاسملو و رژیم جنایتکار عراق، بمباران را اشتباهی نام برد و در مقام ریاست جمهوری حتی به خانواده های پاسداران و سربازان تسلیت گفت."

بنی صدر بویژه از روز ۱۴ اسفند ۵۹ به بعد علنا علم مخالفت را در ظاهر با دولت و سلسله در واقع و نفس الامر با خط امام بر-

## احزاب، جمعیت ها و گروه ها

اخیرا اعلامیه کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، بیروکنگه چهارم "تاریخ ۱۳-۴-۱۳۶۰ درباره عزل بنی صدر به دستمان رسید که ما قسمت های آن را جهت اطلاع خوانندگان در زیر نقل می کنیم:

"بنی صدر... طی هفده ماه ریاست جمهوری بدینت و بناده عناصر و اسگرا بورژوازی وابسته، بقایای رژیم سابق و ساوثیست های آمریکایی تبدیل گردید، قشایی های گرفتار در بند انقلابیون، به دستور او آزاد شده و فراری گشتند، با قریبها و دیگر توطئه چینان علیما انقلاب با مساعدت وی در صد دفرار برآمدند. از بازار-یان وارد کنند و فروشنده دست اول کتنها طی دو سال به اندازه بیست سال مردم را چاپیده و سود بردند گرفته تا بزرگ زمینداران و کلان-سرمایه داران، از گروهک های لیبرال و هرچ مورج

# حضور زحمتکشان روستاها یکی از عمده ترین ضامن ها برای تحکیم و گسترش انقلاب است (بقیه)

از صفحه ۱

علیرغم بسیاری نابسامانی ها و مسائل حل نشده و مشکلات جانگناه، دهقانان زحمتکش در جبهه و در پشت جبهه، در سنگر و در کشتزار، تنگدرد دست یابیل در مشت، در همه عرصه های هم - آوردی انقلابی حضور فعال و موثر دارند و از انقلاب خود، انقلاب کوخ نشینان، انقلاب پینه - بدستان، مدافعه میکنند.

نقش این توده وسیع روستایی نقش موثری در به ثمر رسانیدن، تحکیم و گسترش انقلاب بوده و هست و آنان این نقش تاریخ ساز را، علیرغم محضلات متنوع و معتناهی که بر سر راه آنها و در زندگی روزمره آنها وجود دارد با هشیاری انقلابی و با مایه گذاشتن از جان و مال خود و از سفره تهی خود، به انجام می رسانند. دهقانان زحمتکش پایه میدان کارزار هستند و تا تحکیم حکومت مستضعفان و ورشمن کردن آتانی کده مارا و بران کردن، از پای نخواهند نشست. به این امید که انقلاب آمال به حقشان را تحقق بخشد و بر سالیان ظلم و جور بزرگ مالکی و وضع نابسامان معیشتی مهربانان نهد، دهقانان به مقابله با ضد - انقلاب و اربابان غارت پیشه و خوانین ستمگر برخاسته اند. حضور دائمی آنان در صحنه، گاه با بهای مستحکم انقلاب اند و نقش موثر و تعیین کننده آنان در تعمیق انقلاب ایجاب میکند که به مشکلات و خواست هایشان رسیدگی شود و مسائل حیاتی شان حل گردد.

بطور کلی مشکلات عمده روستائیان (الف) در مسئله زمین، (ب) در مسائل تولیدی و نداشتن امکانات کشت و دامپروری و (ج) در فقدان حد - اقل امکانات معیشتی و دشواری های باور نکردنی شرایط زندگی (درمانی و فرهنگی و غیره) خلاصه میشود. برخی از نمونه های این مشکلات را بر - رسی میکنیم:

## حل مسئله زمین عمده ترین خواست دهقانان تپیدست و نیاز مبرم جامعه انقلابی است

در اثر توطئه های مکرر بزرگ مالکان و ایادی - شان، روحانی نمایان ضد خط امام و ولیبرال های سازشکار و جاده صاف کن امپریالیسم، اجرای بندهای "ج" و "د" قانون و اگذاری زمین، یعنی اصلی ترین و سرنویس سازترین مواد مربوط به اصلاحات ارضی بنیادی، که اولی مربوط است به اراضی بایر بزرگ مالکان و دومی مربوط است به اراضی دایر آنان و بدون اجرای این دو بند اراضی بزرگ مالکی دست نخورده میماند و ابداً حرفی هم از یک اصلاحات ارضی واقعی نمی - تواند در میان باشد، متوقف شد. پیامدهای این امر، مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی هستند که گریبانگیر اقتصاد کشاورزی ما شده و نابسامانی - ها و ولاتکلیفی های بیست که دهقانان زحمتکش دچار آن شده اند و بخصوص امکا ناتی است که ضد انقلاب برای توطئه و خرابکاری پیدا کرده است.

متوقف ماندن اجرای بندهای "ج" و "د" به بزرگ مالکان این فرصت را میدهد که نه تنها سلطه جهنمی خود را بر دهقانان زحمتکش حفظ کنند، بلکه آنها را نسبت به انقلاب دل سرد و نا امید سازند و از این طریق انقلاب را از داشتن یکی از پایگاه های پشتیبان و مستحکمش محروم سازند. علاوه بر این، بزرگ مالکان فرصت می یابند که با تجدید قوا ضربات جدی به انقلاب وارد بیاورند. برای آشنائی بیشتر با نحوه عملکرد و توطئه های بزرگ مالکان، نمونه هایی را از چند روستا مثال می آوریم:

اعضای شورای روستائی شغال تپه (در اطراف گرگان به نمایندگی از جانب اهالی طی نامه ای به مقامات مسئول منطقه، خواهان جلوگیری از توطئه های یکی از بزرگ مالکان طاغوتی این منطقه شده اند. اعضا شورادرپایان نامه خواسته اند که بند "ج" قانون اصلاحات ارضی هر چه زودتر به اجرا گذاشته شود. بزرگ مالک طاغوتی این روستا در زمان رژیم فاسد گذشته ارتباط و همکاری نزدیک با اویسی و قره باغی داشته است. وی علاوه بر اینها رئیس کانون حزب منحل رستاخیز در منطقه بود. بعد از انقلاب پالک عده ای از مزدوران راسلح کرد و به سراغ دهقانان فرستاد. در اثر درگیری متقابل، یکی از مزدوران کشته و تعدادی چند از اسلحه های آنان توسط دهقانان به دولت تحویل داده شد.

سال گذشته شورای روستاهای کوزه لی عاشور پای و شغال تپه، زمینهای مصادره ای را کشت و برداشت کردند. مالک امسال سعی در جلوگیری از کشت دهقانان دارد. او توانسته است با عوامفریبی از دادگاه ویژه حکم کاشت دریافت کند و مانع کشت ۴۰ هکتار زمین دهقانان شود. در حال حاضر ۵۰ هکتار زمین در اختیار

بزرگ مالک است و ۲۲ هکتار از زمین های او توسط دهقانان مصادره شده است که در اختیار شورای روستاهای شغال تپه، عاشور پای، قرنجیک و آق دگش است. این بزرگ مالک در گذشته توانست توسط پالیزبان و قره باغی، ۲/۵ میلیون تومان بعد از انقلاب هم با ظاهر فریبی ۲ میلیون تومان وام از دولت بگیرد. او اکنون نیز در تلاش گرفتن وام است.

نمونه دیگر: بزرگ مالکین روستای نواب صفوی، که با ۱۶ خانوار جمعیت در ۶۰ کیلومتری اهواز واقع است از تشکیل شورا در این روستا جلوگیری می کنند. این مالکان هر یک در حدود ۱۰ تا ۱۵ هکتار زمین دارند و در شهر زندگی می - کنند. البته مقداری از اراضی این زمینداران بزرگ، بعد از انقلاب بین روستائیان به صورت نادرست تقسیم شده، که مشکلات جنسی برای روستائیان فراهم آورده است. دهقانان این روستا خواهان اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و به خصوص بند "ج" هستند.

نمونه دیگر، دهقانان روستای محمد آلق (واقع در ترکمن صحرا و همچنین انجمن های اسلامی همین منطقه، خواهان اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و جلوگیری از توطئه های بزرگ مالکان هستند، که از تعویق اجرای بندهای "ج" و "د" سوء استفاده کرده و می کنند، و به زور پول و نفوذ خود دائماً در صدد تحریک و خرابکاری هستند و میگویند دهقانان راناراضی و از انقلاب ما بوس کنند.

بزرگ مالکان سعی دارند از هر فرصتی، به ویژه از فرصت "طلائی" عدم اجرای قانون و متوقف ماندن بندهای حیاتی "ج" و "د"، به منظور جلوگیری از اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، تشکیل دهقانان زحمتکش و در نهایت ضربه زدن به انقلاب، استفاده کنند. این واقعیت را اینک دیگر به عیان میتوان دید که بر اثر طولانی شدن توقف اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی، بزرگ مالکان چنان دندان طمع تیز کرده و جری شده اند که به این فکر افتاده اند تا اراضی و اموال غصبی را (که به حق مصادره شده اند، پس بگیرند. یعنی آنها میخواهند دستاوردهای دو ساله انقلاب را در این زمینه - هر چند هنوز جزئی است - بکنی از بین ببرند. مسلم است که این اقدام بزرگ مالکان نه تنها خلاف عدالت اجتماعی و روح انقلاب و حق مسلم توده دهقانان است، بلکه در زمینه جلوگیری از افزایش تولید نیز ضربه ای جدی بر اقتصاد کشاورزی و در نهایت بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد میآورد.

در خصوص اقدام های فوق، که به ویژه پس از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" شاهد بالا - گرفتن آنها بوده ایم، بطور خلاصه میتوان از قتل و ترور روستائیان زحمتکش و مسئولین نهاد های انقلابی، تخریب اراضی مزروعی و بیپم چاه ها و وسائل کشاورزی، ایجاد اختلاف بین روستائیان و پیروان مذاهب مختلف، همکاری مستقیم با متجاوزان صدامی و ... نام برد.

در زمینه تلاش مذبحانه بزرگ مالکان مبنی بر برگرداندن اراضی و اموال مصادره ای، با کمال تأسف مشاهده میشود که در برخی از نقاط، اشخاص ذینفوذ زمینه ساز اعمال ضد انقلابی غارتگران بزرگ مالک میگرددند. برای نمونه در جیرفت بزرگ مالکان به تلاش افتاده اند، تا دوباره به اراضی و اموال غصبی از دست رفته دست یابند. مثلاً زمینهای زراعتی در

روستای خریشت وجود دارد، که متعلق به یکی از فتودال های معروف جیرفت بوده است. این قطعه زمین ۵۰ - ۴۰ هکتار مساحت دارد و دارای حلقه چاهی است که آب آشامیدنی عده ای از روستائیان و کارگران خریشت را نیز تامین می کند. در جوار این زمین، شهرک بنیاد مسکن قرار دارد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمندان خوش نشینان، که مدت زیادی است در این محل آواره و سرگردانند اقدام به تصرف زمین مذکور و تقسیم آن بین خود می کنند. همچنین در سال زراعی گذشته، با تامین آب از شرکت کشت و صنعت، آترابه زیر کشت بردند. بزرگ مالک به ژاندارمری، دادگاه

انقلاب، هیئت هفت نفری و سایر ارگان های مملکتی شکایت کرد. حاکم شرع قبلی که عضو هیئت هفت نفری بود، به درستی کار دهقانان را تأیید کرد و عمل خان را مخالف مصالح انقلاب دانست. لیکن پس از تغییر حاکم شرع و ورود شخص دیگری به جای وی و توقف بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی، حاکم شرع جدید از خان دفاع میکند.

علاوه بر این، نمونه های دیگری وجود دارد که در آنها بزرگ مالکان حتی موفق شده اند که قسمتی از اموال و اراضی مصادره شده را پس بگیرند یکی از این بزرگ مالکان در این منطقه شخصی است که به "جبهه ملی" تعلق دارد. اعضای هیئت هفت نفری، واگذاری زمین جیرفت، که به حق مدافع انقلاب و دلسوز توده محروم دهقانان هستند، با این قبیل کارها، که تنها به سود بزرگ مالکان توطئه گر تمام میشود، سخت مخالفند. این مخالفت منطبق بر اهداف انقلاب و ماهیت انقلابی هیئت و اگذاری زمین است.

نمونه های یاد شده نشان میدهد که مجموعه اقدامات بزرگ مالکان و ایادی آنها را باید در چارچوب توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کرد.

ضد انقلابیون و از جمله بزرگ مالکان بطور مستقیم قلب انقلاب شکوهمندان را نشانه گرفته اند. لذا نه تنها لازمست که در مقابل حیل - های بزرگ مالکان به منظور جنگ اندازی بر اراضی و اموال مصادره ای قاطعانه مقابله شود، بلکه علاوه بر آن باید در راستای خنثی کردن فعالیت های

مخربشان، قانون اصلاحات ارضی به طور کامل و در اسرع وقت به اجرا در آید. با قاطعیت میتوان گفت که تا وقتی که قانون اصلاحات ارضی و به خصوص بندهای "ج" و "د" این قانون به طور کامل اجرا نشود، این توطئه ها از جانب بزرگ مالکان و فتودالها و ایادی شان ادامه خواهد داشت.

در مرحله سوم انقلاب، برای سرکوب تفاله های آمریکا، برای برجیدن ریشه های فاسد تسلط جبروت و استثمار لازم است که به اساس مطلب

توجه کرد و همراه با یک رشته تدابیر اساسی اجتماعی - اقتصادی، بزرگ مالکی را برای همیشه و بطور کامل برچید و اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی را به سود دهقانان زحمتکش اجرا کرد.

## کمبود امکانات کشاورزی و دامپروری

مشکل دیگر روستائیان، کمبود وسائل مختلف تولید و امکانات کشاورزی و دامداری است. کشت اراضی با وسائل و ابزار آلات قدیمی برای دهقانان مشکلات بسیار به وجود آورده است. در بسیاری از روستاهای میهنمان، دهقانان از ابزار آلات سنتی جهت کار کشاورزی استفاده می کنند. تعداد ابزار و ماشینهای مدرن کشاورزی در روستاها بسیار اندک است. گذشت از اینها، آب زراعی کافی، کود، سم، بذور و غیره مورد احتیاج کشاورزان است. دامداری نیز به علت کمبود امکانات و بویژه امکانات دامپرشی و دارو و همچنین مرتع و علوفه از رونق ضروری برخوردار نیست. اکثر دامداری های موجود در روستا - های کشورمان از نوع کوچک سنتی (خانگی) و متوسط سنتی هستند. در قریه کپرگه (واقع در ۵ کیلومتری شرق شهرستان بروجرد) و روستای بردهیل (واقع در ۴۵ کیلومتری مسجد سلیمان) دامداران به علت نبودن علوفه دچار مشکلات عدیده شدند، و این نهاد و نمونه از صدها دهه است که در آن ها دامداری رواج دارد.

کشاورز ان کپرگه جهت کشت از ابتدائی - ترین وسائل کشاورزی استفاده می کنند. در روستای بردهیل ۱۵ خانوار زندگی می کنند که عمده ترین کار آنها کشاورزی و دامداری است. دامداری در این روستا به شکل سنتی است و به علت نبودن امکانات از قبیل دایز شکو کمبود علوفه، دام - داری رونق لازم را ندارد. زمینها دوسالی یک بار به صورت دیم کشت میشوند و هر سال از علوفه آنها برای خوراک دامها استفاده میکنند. در این روستا هر خانوار ۲ تا ۱۰ گاو و نزدیکه ۱۰ من

(هر من ۵/۶ کیلوگرم گندم و یا جو) زمین آیش دارد. اهالی برای شخم زدن، تراکتور و کمابین را با مبلغی در حدود ۵۰۰ تومان کرایه می کنند. دست آخر، به علت نبودن امکانات کشاورزی، محصولات تولید شده کفاف خوراک خود اهالی را هم نمی دهد.

در شرایط توطئه های بیابانی آمریکا، کشور ما نیاز مسلم و مبرم به تولید زراعی و دامی کافی و مطمئن دارد. ما میتوانیم و باید به حد زیادی از واردات مواد غذایی مستغنی شوم. برای رسیدن به این هدف انقلابی و میهنی لازمست که از نظر تامین وسائل تولید، اعم از آب و ماشین آلات و بذور و کود و علوفه و سموم ضد آفات و داروهای ضروری، به دهقانان و دامداران کمک لازم را هر چه سریعتر برسانیم.

## وضع اسفناک روستائیان

### از نظر نبود و کمبود امکانات معیشتی و درمانی

گرچه تمامی خرابیها، کمبودها و نارسایی - های موجود در روستاها از نظر امکانات رفاهی، معیشتی، درمانی و فرهنگی ناشی از سلطه چندین ده ساله سیاست های خانمان بر انداز رژیم طاغوت در مسئله ارضی و دهقانی است، و اگر چه بازسازی روستاها و رفع کمبودها مسلمان ساز زمان بسیار میبرد، ولی نباید فراموش کنیم که تا همین حد اقل امکانات زندگی انسانی و تا همین حد اقل شرایط بهداشتی و درمانی آموزشی و نظائر آن برای روستائیان رنجیده زحمتکش مهین ما یک ضرورت حیاتی است. هم اکنون در بسیاری از

روستاهای میهنمان و از جمله روستاهای نواب صفوی، بردهیل و کپرگه که از آنها نام بردیم امکانات زندگی حد اقل از قبیل: جاده، آب آشامیدنی، برق، حمام، درمانگاه، مسجد، مدرسه و ... وجود ندارد. کمبود این امکانات روستائیان را با معضلات بسیار مواجه کرده است ما که میخواهیم اثرات انقلاب را به دهات ببریم و ثمرات جان بخش آنرا در چهار گوشه میهن انقلابی مان نشان دهیم. نمی توانیم نسبت باین مسائل حیاتی بی تفاوت باشیم.

یک مسئله مهم دیگر، که حد اقل در اینجا ذکر شود ایجاد شوراهای دهه است، که بوسیله آن میتوان راه را برای حل بسیاری مشکلات کشود. ولی متأسفانه این امر هم به طور تمام و کمال در روستاها صورت نگرفته است.

## حضور زحمتکشان روستاها

### در صحنه یکی از عمده ترین

### ضامن ها برای تحکیم

### و گسترش انقلاب است

حوادث فاجعه آمیز اخیر و عکس العمل توده های مردم، از تظاهرات خیابانی گرفته تا شرکت در انتخابات، به روشنی نمایان ساخت که هرگاه توطئه های در شرف تکوین بوده است. توده های هواداران انقلاب از جمله خیل عظیم زحمتکشان روستا با حضور پیگیر خود در صحنه، این توطئه ها را در نطفه خفه کرده اند. چه باید کرد که توده های زحمتکش و مبارز روستا، هنگامه خطر را در یابند و با حضور پیوسته خود در صحنه، مانع به آماج نشستن تیرهای زهرآگین دشمنان داخلی و خارجی انقلاب شوند؟

آیا شرط مسلم پیروزی قطعی بر امپریالیسم و بی بازگشت ساختن مرحله سوم انقلاب آن نیست که بر پایگاه های اقتصادی و اجتماعی آن، یعنی سلطه و حاکمیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران علیه کنیم؟ آیا لزوم اتخاذ جدی ترین تدابیر درست در همین زمینه حس نمیشود؟

آیا کمترین شکی در ضرورت بر آوردن خواست های دهقانان در زمینه های گوناگونی که آورده شد، و در درجه اول اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی، واگذاری وسائل لازم تولیدی و امکانات کشت و دامپروری، همکاری صمیمانه با روستائیان و نیز رفع تدریجی مظالم و آثار طاغوت در خصوص امکانات معیشتی و تا همین حد اقل زندگی وجود دارد؟

مناسبت ۶۵مین سالگرد انتشار "امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری"

تئوری علمی - انقلابی امپریالیسم

۶۵ سال از زایش دکتربین علمی - انقلابی لنین درباره امپریالیسم می گذرد. این دکتربین آریزه ارگانیک (آلی) اندیشه علمی و کشف انقلابی، گفتار و کردار و تئوری و پراتیک است. این دکتربین در شرایطی تولد یافت که مسئله آگاهی پیوسته از تجربه و بازنگری ناگسسته تئوری های کهنه به ضرورت روز بدل شده بود. اثر لنین امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری که به حق ادامه و بسط کاپیتال کارل مارکس شناخته شده، به عنوان یکی از قله های رفیع فلسفه علمی، بررسی کاوشگرانه امپریالیسم بنیاد های اقتصادی - اجتماعی و دور نماها و فرجام های سیاسی آن است.

تزه های اساسی این اثر به حقایق مسلم و پذیرفته جهانی بدل شده و در همه رساله های اقتصاد سیاسی و تاریخ نگری عینی رسوخ یافته و در مقالات و تئوریکاریهای پر شمار به تفصیل مورد تفسیر قرار گرفته اند. پنج خصلت اساسی امپریالیسم بدین سان در اثر خود شهناپذیر لنین به فرمول درآمده اند:

- ۱- تمرکز تولید و سرمایه و آفرینش انحصارات
- ۲- درآمیختن سرمایه مانکی و سرمایه صنعتی و پدید آوری الیگارشی مالی بر اساس این "سرمایه مالی"
- ۳- اهمیت یافتن صدور سرمایه ها و تفاوت آن با صدور کالاها
- ۴- تشکیل اتحادیه های بین المللی از سرمایه دارانی که جهان را بین خود تقسیم میکنند
- ۵- پایان یافتن تقسیم ارضی جهان بین بزرگترین قدرت های سرمایه داری

شصت و پنج سال برای جهان بفرنج ما که در بستر پرشتابی ره می پوید، زمان گسترده ای است. در این فاصله چشمگیر تاریخی پادشاهی های چند ملتسی و امپراتوری های جهانی هزار پاره شده اند، انقلابات رهایی بخش سیمای جامعه و جهان را دگرگون کرده و تئوری ها و فرضیه های بی شماری که در گذشته همچون والاترین دستاوردهای اندیشه علمی تلقی می شدند فراموش شده یا محدود باقی مانده اند. اما دکتربین لنین درباره امپریالیسم نه تنها کهنه نشده بلکه خوانی یافته و با نغز به دامنی از گنجه ها و واقعیت های معاصر می رید و شکوفایی گردد.

اگر در خشان امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری جادیه قناتنا پذیری است که توجه هواخواهان فلسفه علمی و حتی دشمنان آشتی - ناپذیری و رایبش را پیش به خود جلب می کند. طی این دوران هر یک از خصلت های پنج گانه امپریالیسم با وجود دگرگونی های معینی که بر اثر تعبیر تناسب نیروها در جهان به سود سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش صورت پذیرفته و ویژگیهای اساسی خود را همچنان حفظ کرده است.

آفرینش انحصارات نوین

گردآیی و تمرکز تولید در مقایسه با تاریخ نگارش امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری دامنه بی سابقه ای یافته است. در شرایط کنونی سندیکاها و تراست های یک بخشی که در دوران خود نمایانگر نوعی تمرکز در تولید بوده اند، مانند گذشته در شکل ناب خود تقریباً به ندرت وجود دارند. امروز کنسرسیوم ها رایج ترین و نمونه وارترین شکل انحصارات اند که گروه بندی های چند بخشی تولید را در بر می گیرد.

اکنون در ایالات متحده چهار انحصار غول پیکر، تولید بیش از ۷۵ درصد کالاها در ۴۳ شاخه صنعت را در دست دارند. تمرکز تولید در انحصارات محدود در این کشور به حدی است که بیش از ثلث تولید صنایع تبدیلی و استخراجی ایالات متحده که تقریباً ۵۰۰۰۰۰۰۰ موزه را در بر می گیرد توسط ۵۰ انحصار غول پیکر انجام میگیرد. در کشورهای دیگر امپریالیستی مانند آلمان، ژاپن، فرانسه و انگلیس و غیره نیز روند تمرکز به همین ترتیب پیشرفت نموده که در این مجال ذکر همه آنها نیست.

پدید آوری الیگارشی مالی

همانطور که لنین ارزیابی نمود سرمایه مالی سرمایه مانکی یا صنعتی نیست، بلکه مقوله جدید سرمایه است که در عصر امپریالیسم چهره می نماید. شکل بندی و رشد سرمایه مالی به پیدایش الیگارشی مالی یعنی تعداد بالنسبه محدودی از منتقدان مالی می انجامد. امروزه این

منتقدان مالی بر زندگی اقتصادی و سیاسی کشور های امپریالیستی تسلط کامل دارند. هم اکنون در ایالات متحده ۲۶ گروه مالی انحصارگر بسیار مهم وجود دارد. از میان آنها ۱۸ گروه دارایی های تعداد زیادی از شرکت های صنعتی، ساختمان، حمل و نقل، تجارت، اعتبار، بانک ها و غیره را که جمعاً بالغ بر ۱۲۵۰ میلیارد دلار است زیر نظارت دارند. گروه مورگان که در الیگارشی مالی از اهمیت ممتازی برخوردار است، در ۱۹۷۳ بالغ بر ۴۱۰ تا ۴۲۰ میلیارد دلار دارایی های صنعتی، بانکی و غیره را که به بیش از ۱۰ سال پیش از آن بود، کنترل می نمود. در سایر قلمروهای امپریالیستی، گروه های الیگارشی مالی مشابهی وجود دارد. لنین پیش بینی می نمود که الیگارشی مالی برای پیشرفت خود از سیستم مشارکت به عنوان بهترین اسلوب استفاده خواهد کرد. امروز این سیستم به اهرم اساسی تجمع سرمایه در دست الیگارشی مالی تبدیل شده است. چنانکه در آغاز سال های ۷۰ به ترتیب ۵۷ و ۶۱ درصد ثروت ملی در دست ۳ درصد آمریکایی ها و انگلیسی های بسیار ثروتمند قرار داشت. بدین سان می بینیم که امروز در کشورهای امپریالیستی چند گروه مالی نظارت خود را بر بخش بسیار بزرگی از صنعت، حمل و نقل، تجارت و بانک ها اعمال می کنند.

صدور بی سابقه سرمایه

اهمیت یافتن صدور سرمایه که در ارزیابی لنین بعنوان سومین خصلت امپریالیسم از آن یاد شده، در دوران ما بی از عمده ترین اشکال چپاول کشورهای در راه رشد و اجرای سیاست نو استعماری امپریالیسم است. صدور سرمایه ها مخصوصاً موجب تسریع فوق العاده زیاد گسترش سرمایه داری در جهان گردید. انحصارات با ابزار صدور سرمایه مناسبات تولیدی سرمایه داری را به سکنه پر شمار آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در مراحل رشد عقب مانده ای قرار دارند، تحمیل می کنند. لنین در این باره می نویسد: "صدور سرمایه ها که شدت فوق العاده زیادی یافته است. در رشد سرمایه داری کشورهای که این سرمایه ها به آنها سرازیر می شوند تاثیر می گذارند. پس اگر صدور این سرمایه ها تا درجه معینی موجب کسندی تحول کشورهای صادرکننده می شود، در عوض سرمایه داری را از حیث دامنه و عمق در سراسر جهان گسترش می دهد." (ولنین، آثار، ج ۲۲ ص ۲۶۳)

سرمایه انحصارگر خارجی همواره در بخش سود مند صنعت استخراج تولید کثرت و کثرت های در راه رشد گامی افتد. بر حساب این سیاست هر کشور در راه رشد تنها در یک یا دو محصول صادراتی تخصص پیدا می کند.

صدور سرمایه امکان می دهد که انحصارات بدون هیچ مقاومت بخش قابل ملاحظه ای از درآمد ملی کشورهای در راه رشد را که حاصل تلاش زحماتشان است، تصاحب نمایند.

طبق محاسبات کارشناسان سازمان ملل متحد، کشورهای جهان سوم در ۱۹۷۷ - ۱۹۷۲ تنها به عنوان بازپرداخت وام دولتی و وام تضمین شده از جانب دولت می بایست بیش از ۴۷ میلیارد دلار به حساب کشورهای پیشرفته سرمایه داری واریز نمایند. در حال حاضر ایالات متحده از حیث حجم سرمایه گذاری ها در خارج مقام اول دارد. در ۱۹۷۲، کل سرمایه گذاری های خارجی ایالات متحده بالغ بر ۱۸۱ میلیارد دلار بود. از این مبلغ ۱۴۵ میلیارد دلار (۸۰٪) به سرمایه انحصارگر خصوصی و ۳۶ میلیارد دلار (۲۰٪) به سرمایه دولتی تعلق داشت.

انحصارات فوق ملی و چند ملیتی

چهارمین خصلت امپریالیسم که عبارت از تشکیل اتحادیه های بین المللی برای تقسیم جهان است و ویژگی های جدیدی کسب کرده و به نوبه خود

پیش بینی "داهیه لنین را در شناخت قانون - مندی های اساسی امپریالیسم به اثبات می رساند. در حال حاضر، مهم ترین کالاهای صنعتی، مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته در بازارهای جهانی سرمایه داری زیر نظارت انحصارات فوق ملی قرار دارند.

کارتل نفت جهانی که از پنج شرکت آمریکایی (استاندار داویل، انیو جرسی، موبیل اویل، گلف اویل، تکزاکو، استاندارد داویل کالیفورنیا) کمپانی های انگلیسی هلندی رویال داچ شل، بریتیش پترولیوم انگلیسی و کمپانی فرانسه پترول تشکیل شده نمونه ی تپیک از یک شرکت چند ملیتی غول پیکر است. این کارتل قریب ۹۰٪ ذخایر نفتی دنیای غیر سوسیالیستی و ۸۱ درصد استخراج آن را زیر نظارت دارد.

انحصارات فوق ملی خصوصی کنونی که دامنه فعالیت های آنها نسبت به آغاز قرن بیستم به طور قابل ملاحظه افزایش یافته عمدتاً به دو گروه تقسیم می شوند: چند ملیتی ها که سرمایه کشور های مختلف امپریالیستی را به هم پیوند می دهند و فوق ملی ها که از حیث سرمایه شرکت های ملی و از حیث خصلت فعالیت ها بین المللی هستند. هر دو گروه مذکور در شمار انحصارات بین المللی قرار دارند که به منظور کسب سودهای انحصاری و تقسیم بازارها و مناطق نفوذ در بین خود شبکه های از شعبه های خود را در کشورهای متعدد بوجود آورده اند.

طبق برآورد کارشناسان دبیرخانه سازمان ملل متحد در آغاز سالهای ۷۰ بالغ بر ۷۳۰۰۰۰ فوق ملی در جهان سرمایه داری وجود داشت که با ۲۷۳۰۰۰ شعبه خارجی جمعاً ۱۶۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری های مستقیم خارجی را در دست داشتند.

در ۱۹۷۱، میزان تولید شعبه های خارجی انحصارات فوق ملی ۳۳۰ میلیارد دلار یعنی یک ششم حجم محصول ناخالص همه کشورهای سرمایه داری بود.

اتحادیه های بین المللی امپریالیستی در دوران ما به مقیاس وسیعی انجام یافته اند. طبق برخی ارزیابی ها ۷۰ انحصار بسیار بزرگ فوق ملی به موهبت شبکه شعبه های خود در خارج در ۱۹۸۰ - ۶۰ درصد و در ۱۹۸۵ - ۷۵ درصد تولید سرمایه داری جهانی را کنترل کرده و خواهند کرد. تقریباً ۶۰ درصد حجم تولید شعبه های خارجی فوق ملی ها به شعبه های آمریکایی تعلق دارند.

گسترش وسیع فوق ملی ها مدیون شرایط جدید دوران پس از جنگ است. محدودیت ناگهانی قلمرو سرزمینی فرمانروایی امپریالیسم مبارزه برای تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای در راه رشد، اعتلای مبارزه طبقاتی و جنبش های ضد امپریالیستی در دنیای سرمایه داری، تشدید فوق العاده تضادها بین افزایش تمرکز سرمایه و تنگی بازارهای ملی و انقلاب علمی و فنی از عواملی هستند که مستقیماً بر اقتصاد سرمایه داری مدرن و نیز بر گسترش انحصارات بین المللی به شکل فوق ملی ها و چند ملیتی ها اثر می گذارند. ماهم اکنون شاهد تمرکز تولید و سرمایه در دست انحصارات بزرگ خصوصی یعنی شاهد پدیده های هستیم که مرزهای ملی را پشت سر می گذارد. این انحصارات حاکیست بسیاری از کشورهای جهان سرمایه داری و به ویژه حاکمیت کشورهای در راه رشد را مورد تهدید قرار می دهند.

سالن های کنفرانس عرصه باز تقسیم قلمروهای نفوذ

در عصر ما مخصوصاً پنجمین خصلت امپریالیسم: تقسیم ارضی جهان و باز تقسیم آن و قانون نابرابری رشد اقتصادی و سیاسی امپریالیسم تحت تاثیر شدت تحکیم جامعه جهانی سوسیالیستی و دستاوردهای عظیم سیاسی کشورهای در راه رشد با ویژگی های جدیدی نمایان می گردد.

در شرایط کنونی سیستم باز تقسیم جدید جهان به سبب تناسب نیروها به سود صلح و سوسیالیسم عملاً موقوف مانده است. روزگاری سیل رودس یکی از سیاستمداران نامدار عصر خود که لنین از وی در کتابش یاد می کند خواب مستعمر کردن همه دنیا و حتی ستارگان دور دست را می دید. اکنون جانشینان وی نمی توانند زیمبابوهارا که زمانی نام او را بر خود داشت از

استقلال باز دارند. در حال حاضر، وسیله اساسی باز تقسیم قلمروهای نفوذ دیگر منازعات نظامی جهانی نیست، بلکه مبارزه اقتصادی شدید پیرامون بازارهای فروش کالاها و سرویس ها، منابع مواد اولیه، سرمایه گذاری های سود مند، مبارزه پیرامون اطلاعات علمی - فنی و اختراعات و نیز درگیری برای رقابت های ارزی و ذخایر طلاست. این مبارزه نه در میدان های نبرد بلکه در سالن های کنفرانس پایتخت های "هفت قدرت بزرگ" ایالات متحده، ژاپن، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، فرانسه، ایالتی و کانادا جریان دارد. علاوه بر این، مبارزه در سالن های کنفرانس از حیث شکل یک نمایش بی قید و شرط قدرت و رویارویی گروه هانیست، به عکس مذاکرات دشوار و طولانی دیپلماتیک است که در آن قوی ضعیف را از پادری می آورد.

البته، اینها امکان فاجعه نظامی جهانی را نفی نمی کنند. در سالهای اخیر، خطر فاجعه هسته ای شدت یافته است. یک چنین فاجعه ای می تواند در یک لحظه تمدن بشریت را که طی هزاران سال به وجود آمده نابود کند. محافل جنگ طلب امپریالیسم و در جای اول آمریکا دور جدید مسابقه تسلیحاتی را آغاز کرده اند. تولید وسایل جنگی به غده خطرناکی برای ارگانیک جامعه بشری بدل شده است. درواشنگتن تکیه به قدرت هسته ای را بگانه وسیله برای جلوگیری از دگرگونی های اجتماعی در جهان، سرکوب جنبش رهایی بخش ملی و مبارزه با اندیشه های انقلابی طبقه کارگر که بطور فزاینده راه را از حمتکشان کشورهای سرمایه داری را تسخیر می کند، می دانند.

لنین احتمال ساختن سلاحی که تمدن انسان را در روی زمین نابود سازد، پیش بینی می نمود. طبق یادداشت های ه. ولز که پس از مرگش انتشار یافت، لنین در یک گفتگو با وی در ۱۹۲۰ این اندیشه را بیان نموده که قدرت فنی جنبه نامحدود پیدا می کند و تا آنجا پیش می رود که وسیله محاربه پیشرفت می شود. برنامه صلح و صلح و صلح سلاح را دوگانه سوسیالیسم و در راه آن اتحاد شوروی صرفاً خاطر نجات بشریت و تمدن وی از یک چنین بلیه خطرناک جهانی است. پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی از مهمترین وظایف نیروهای ترقی خواه جهان است.

امپریالیسم و جنبش های انقلابی

لنین عصر امپریالیسم را عصر رهایی طبقه کارگر از قید استثمار سرمایه داری و اوج جنبش های رهایی بخش ضد استثمار ارزیابی نمود. او در توصیف انگیزه های بنیادین این انقلابات می نویسد: "سرمایه داری به یک سیستم جهانی ست، استثمار ممتدی کشورهای "پیشرو" بر اکثریت وسیع جمعیت روی زمین و خفقان مالی آنان تبدیل شده است."

برای این که شرایط ذهنی واپس زدن سلطه استثمار امپریالیسم و سرانجام اطمینان به فروپاشی آن انجام یابد، لازم بود که طبقه کارگر به عنوان پیشاهنگ جهانی جنبش های انقلابی محمل های ضروری و معنوی و پیروزی بر امپریالیسم را فراهم نماید و با رستاخیز خود درست ترین حلقه، فرمانروایی سرمایه داری امپریالیستی ضربه کاری بر آن وارد آورد.

انقلاب سوسیالیستی اکثر که نخستین تجربه انقلابی طبقه کارگر در فروپاشی نظام سرمایه داری بود، راه رستاخیز پیروزمند را به روی بشریت گشود و تاثیر شگرفی بر جنبش های رهایی بخش نهاد. لنین درباره پیوند ناگزیر مبارزات طبقه کارگر در راه سوسیالیسم و جنبش های ملی نوشت: "...انقلابات سوسیالیستی تنها اساساً مبارزه پرولتاریای انقلابی هر کشور با بورژوازی خودی نخواهد بود. نه، این مبارزه همه مستعمرات و کشورهای تحت ستم امپریالیسم و همه کشورهای وابسته بر ضد امپریالیسم بین المللی خواهد بود."

رویدادهای تاریخی پس از انقلاب اکثر صحت پیش بینی های داهیه لنین را در تاثیر متقابل مبارزات انقلابی پرولتاریای پیروزمند و خلقهای تحت ستم امپریالیسم و نیز تفکیک ناپذیری آنها را در روند انقلاب جهانی ثابت کرد.

اثر داهیه انام امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه داری قانون مندی اساسی مبارزه با امپریالیسم و رهایی بشریت را از قیبه استثمار سرمایه داری نشان داد.

رزم پیروزی نهایی و بنیادی بر امپریالیسم نه تنها شناخت مظاهر آن، بلکه مکانیسم و ساختار بفرنج آن است. امپریالیسم را به عنوان واپسین مرحله سرمایه داری چنانکه هست بشناسیم و پیروزی بر آن را با این شناخت تضمین نمائیم.



گسترش ...

بقیه از صفحه ۱

رویدادهای بریتانیا - تظاهر جامعه بیمار سرمایه داری

زمینه مبادله کالا و همکاری های اقتصادی و فنی میان اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام طی سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ منعقد گردید. در این موافقت نامه پیش بینی شده است که تبادل کالا و سایر همکاری های اقتصادی و فنی میان دو کشور به میزان ۹۰٪ افزوده خواهد شد. طبق این موافقت نامه میزان صدور نفت و فرآورده های نفتی، کود شیمیایی، فلزات سیاه، فولاد نورد، اتومبیل پنبه و کالاهای دیگر از اتحاد شوروی به ویتنام افزایش خواهد یافت. میزان صدور محصولات صادراتی سنتی ویتنام مانند قهوه، چای، میوه و کالاهای مصرفی به اتحاد شوروی افزوده خواهد شد.

علاوه بر این، چند موافقت نامه دراز مدت میان اتحاد شوروی و ویتنام سوسیالیستی به امضا رسیده است، که بموجب آنها کمک های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در زمینه گسترش تأسیسات صنعتی و کشاورزی، ایجاد صنایع نیرو و پرورش کارهای متخصص در رشته های صنعتی، کشاورزی، پزشکی و دیگر رشته ها به جمهوری سوسیالیستی ویتنام توسعه خواهد یافت.

طی ۲۶ سالگی که از همکاری های اقتصادی و فنی میان اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام می گذرد، با کمک اتحاد شوروی در کشور ویتنام متجاوز از ۲۵۰ واحد مختلف صنعتی و اقتصادی احداث و باز سازی شده است. مجموعه این واحدها پایه اساسی اقتصاد سوسیالیستی را در کشور ویتنام تشکیل می دهد.

در حال حاضر با کمک های اقتصادی و همکاری فنی اتحاد شوروی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام متجاوز از صد واحد صنعتی و کشاورزی ساخته می شود، از آن جمله نیروگاه های عظیم با استفاده از نیروی آب رود سیاه در ویتنام با ظرفیت یک میلیون کیلووات، که بزرگترین نیروگاه در منطقه جنوب خاوری آسیا خواهد بود. علاوه بر این یک کارخانه سیمان با ظرفیت تولیدی یک میلیون و ۲۵۰ هزار تن و تأسیسات استخراج معادن زغال سنگ با ظرفیت تولیدی دو میلیون و چهارصد هزار تن زغال سنگ در سال در دست ساختمان هستند. در موافقت نامه های اتحاد شوروی با جمهوری سوسیالیستی ویتنام به مسئله بازسازی تأسیسات صنعتی و کشاورزی، که در سال ۱۹۷۹ در آنجا توافق شده است، توجه فراوانی معطوف شده است.

تا سال ۱۹۷۸ دولت چین، طبق موافقت نامه های اقتصادی که با جمهوری سوسیالیستی ویتنام داشت، در ساختمان اقتصادی واحد صنعتی و دیگر تأسیسات اقتصادی با ویتنام همکاری می کرد که پس از تجاوز نظامی چین به ویتنام این روابط همکاری، از جانب چین قطع گردید و در نتیجه به اقتصاد ویتنام، خسارات سنگین وارد آمد. در موافقت نامه جدید کمک های اقتصادی و همکاری های فنی اتحاد شوروی با جمهوری سوسیالیستی ویتنام، اتحاد شوروی تعهد شده است که کار ساختمان تمام تأسیسات صنعتی و کشاورزی را، که بعثت قطع روابط اقتصادی و همکاری های فنی چین به ویتنام، متوقف گردیده، به پایان برساند و تجهیزات فنی این تأسیسات را تامین کند.

یکی دیگر از زمینه های مهم همکاری های فنی اتحاد شوروی با ویتنام سوسیالیستی عبارت از تحسین و اکتشاف و استخراج و بهره برداری از منابع طبیعی زیرزمینی آن کشور است. بخش جنوبی جمهوری سوسیالیستی ویتنام، بویژه در فلات قاره از لحاظ منابع نفت و گاز بسیار غنی است. کمک های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ویتنام سوسیالیستی امکان می دهد که از این منابع بهره برداری کند به همین منظور، طبق موافقت اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام یک موسسه مشترک شوروی و ویتنام برای انجام امور اکتشاف و استخراج و بهره برداری از این منابع تشکیل شده است. با اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت و گاز در ویتنام سوسیالیستی، صنایع ملی نفت و گاز، که تاکنون در آن کشور وجود نداشته پایه گذاری خواهد شد.

کمک های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همپاری اقتصادی به جمهوری سوسیالیستی ویتنام در ایجاد پایه های صنعتی و فنی اقتصاد سوسیالیستی و شکوفایی علمی و فرهنگی جامعه سوسیالیستی ویتنام نقش موثر و ارزنده ای دارد. رهبران جمهوری سوسیالیستی ویتنام، بارها در این مورد خاطر نشان ساخته اند که برخورداری از کمک ها و همکاری های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بازسازی اقتصاد ملی و تحولات عظیم سوسیالیستی در سرزمین ویتنام را تسهیل کرده به آن سرعت می بخشد. این

بدنبال او حکمیری جنبش اعتراضی جوانان بریتانیا علیه بیکاری، تبعیض نژادی و دیگر پدیده های زیانبار اجتماعی اقتصادی نظام سرمایه داری، در هفته های اخیر، دهها شهر بزرگ و کوچک بریتانیا شاهد شعله ور شدن خشم جوانان و سرکوب وحشیانه تظاهرات آنان توسط پلیس فاشیست بریتانیا بود. بگفته ویلیام وایت لاو، وزیر کشور بریتانیا، تاکنون سه هزار تن دستگیر و دهها تن مجروح گردیده اند. گسترش تظاهرات حق طلبانه جوانان محروم از آزادی و حقوق اجتماعی و دمکراتیک در کشور "مادرد مکرسی" با واکنش های ستیزه جویانه و خونین دولت محافظه کار تاجر روبرو شد:

- سخنگوی دولت دستور منع یک ماهه تظاهرات را اعلام داشت.

- ویلیام وایت لاو، وزیر کشور بریتانیا، مقررات حکومت نظامی را اعلام کرد، که بر پایه آن، هرگونه تظاهرات و اجتماع در لندن و دیگر شهرهای بزرگ انگلیس از ساعت شش با صداد به مدت یک ماه ممنوع است. وی همچنین در مجلس نمایندگان گفت: "خشونت هایی از این قبیل در یک جامعه آزاد (ب) قابل تحمل نیست"

- دولت با تهیه و تصویب فوری قوانین جدید، به پلیس اختیارات پیرامنه ای برای سرکوب مردم و اگذار کرد و رسماً گفته شد که دستگیرشدگان در دادگاه های ویژه ای محاکمه می شوند.

از سوی دیگر بانگ اعتراض خشم آگین کلیه احزاب و نیروهای مترقی در سراسر جهان علیه رفتار غیر انسانی و جا برانه دولت انگلیس بالا گرفت.

ولی تاجر، طی مصاحبه ای، این مبارزات عادلانه و خونبار را "وحشتناک" خواند و به خبرنگاران گفت:

"از این ماجرا بسیار نگرانم، زیرا کسی تصور نمی کرد که در انگلیس چنین وقایعی اتفاق بیفتد (۱)"

وی همچنین افزود: "مقامات انگلیس اکنون باید کوشش کنند که علت این شورش ها بی بربند از وقوع مجدد آن جلوگیری کنند"

اینک برای آگاهی بر خاستگاه و سرشت این مبارزات حق جویانه، به بازنگری برنامه و عملکرد ننگین دولت تاجر می پردازیم و پیامد های دو سال ونیم حکومت او را بررسی می کنیم: در سال ۱۹۷۹، محافظه کاران در آغاز حکومت خود، برنامه "استراتژیک خود را، که حاوی مواد پهنجگانه اصلی زیرین بود، طی بیانیه ای اعلام کردند:

۱- "بهبود بخشیدن به زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور، از طریق کنترل تورم و ایجاد توازن نسبی میان حقوق و وظایف جنبش سندیکائی."

۲- ایجاد آن چنان انگیزه هایی که در پرتو آنها، به کارهای دشوار روی آورده شود به موفقیتها، پاداش تعلق گیرد و شغل های جدید را ستین در چارچوب یک اقتصاد در حال گسترش ایجاد گردد.

۳- پارلمان و حکومت قانون تقویت شود ۴- حمایت از زندگی خانوادگی از طریق کمک به مردم در راستائی که صاحب خانه شوند، شاخص های آموزش کودکان نشان ارتقاء باید و خدمات رفاهی در پیشبینی موشر از سالخوردگان، بیماران، از کار افتادگان و نیازمندان واقعی متمرکز شود.

۵- قدرت دفاعی و همکاری با متحدانمان برای حمایت از منافعمان، که در جهان بطور فزاینده ای تهدید می گردد، تقویت شود.

رابرت رودس جیمز، یکی از اعضای محال فظه کار پارلمان انگلیس، این مواد پهنجگانه را به زبان ساده و همه فهم چنین بیان می کند: کاهش اعتبار اصلاحات دولتی، که محافظه کاران مدعی هستند بار آن برگردانده فرد سنگینی می کند و امکانات او را محدود می سازد، تشویق تلاش برای ثروت اندوزی فردی، مسلط ساختن دیگر باره، بخش خصوصی در اقتصاد، بعقیده جیمز، باید مالیات بر سرمایه های خصوصی کاهش یابد، ماشین بوروکراسی محدود گردد، اتحادیه ها سرجای خود نشانده شوند. هزینه خدمات اجتماعی تقلیل پذیرد. به تهی-

تحولات موجب تقویت بنیه اقتصادی کشور و استوارتر شدن پایه های استقلال اقتصادی آن

نقش دولت باید به "ایجاد توازن بین حکومت و فرد" محدود گردد. بنظرو، در دوران حکومت "حزب کارگر" این توازن بسود حکومت دگرگون شده بود، حال آنکه محافظه کاران برای فرد اصالت و برتری قائل می شوند]

حکومت محافظه کار تاجر

در عرصه عمل

حکومت محافظه کار تاجر، در گستره اقتصادی، هدف عمده خود را کاستن از رشد ذخیره پولی اعلام کرد، که شکست سختی را متحمل شد.

در نخستین سال حکومت محافظه کار نرخ تورم دوبار بر شد، و در ماه آوریل ۱۹۸۰ به ۲۲٪ رسید، که این رقم از ۱۹۷۶ بدینسو بالاترین نرخ تورم بحساب می آید. در بهار سال گذشته، بریتانیا از این نظر در بین کشورهای غربی بزرگ مقام نخست را دارا بود (نرخ تورم در ایتالیا ۲۰/۵٪، در ایالات متحده ۱۴/۷٪، در فرانسه ۱۳/۷٪، در ژاپن ۸٪ و در آلمان غربی ۵/۸٪) و در سال ۱۹۷۹ کسری تجارت خارجی تا رقم ۴ میلیارد پوند افزایش یافت.

در ظرف نخستین سال حکومت محافظه کار قیمت های خرده فروشی ۱۹/۸٪ بالا رفت و به طور عمده بهای شیر، سبزیجات تازه، سیگار ذغال، بنزین، نوشابه های الکلی و کرایه اتوبوس افزایش پذیرفت، در حالیکه چهار سال پیش، قیمت هتلها و رستوران های درجه یک لندن در جهان در رده سی و هشتم قرار داشت، اکنون لندن از این حیث گران ترین شهر جهان به شمار می آید. البته باید دقت کرد که افزایش قیمت های خرده فروشی به هیچ رو با افزایش دستمزدها همخوانی ندارد.

بیا مددیگر حکومت محافظه کار چنین است: تا پایان سال ۱۹۸۰ رقم بیکاران به ۲۲۴۴۰۰۰ رسید، که این رقم نشانگر پیوستن یک میلیون تن به ارتش بیکاران و بزرگترین رقم شمار بیکاران از سال ۱۹۳۰ بدین سو است. بنابه آخرین آمار انتشار یافته از سوی مجله "تایمز"، شمار بیکاران ۹۷۷۰۲۶۸ است، یعنی ۱۱/۱٪ نیروی کار این کشور را تشکیل می دهد. البته نرخ بیکاری در سراسر بریتانیا یکسان نیست. در ایرلند شمالی ۱۷/۶٪ در لیورپول ۱۷٪، در ویلز ۱۳/۷٪ و در اسکاتلند ۱۲/۷٪ نیروی کار را شامل می گردد. در این بین، رواج بیکاری در میان زنان دو برابر مردان و در میان کارگران مهاجر چهار برابر بریتانیایی هاست.

افزون بر آن، به گواهی آمار رسمی، وضع بیش از یک میلیون تن از بیکاران کشور، به دلایل گوناگون، در دفاتر کاربایی منعکس نگردیده است. "کنگره اتحادیه های بریتانیا" شمار واقعی بیکاران را چندین ماه پیش ۳۷۷۳۰۰۰ اعلام داشت.

حکومت و کارفرماها از رشد شتابان بیکاری برای اعمال فشار بر زحمتکشان و اتحادیه های حافظ منافع شان بهره برداری می کنند: آنها امیدوارند که هراس از بیکاری اراده کارگران را فلج کند و کارگران را به پذیرش کاهش دستمزد واقعی ناگزیر سازد. از این روست که کابینه تاجر ۶٪ بردستمزدها می افزاید، در جائیکه نرخ تورم دوبار بر شده است.

از سوی دیگر، گرایش فزاینده، کاهش تولید و رکود صنعتی چشم می خورد، صنایع فولاد، کشتی سازی، منسوجات و دیگر شاخه های صنعت بادشواری های جدی روبرو هستند.

سقوط ماشین بریتانیای کبیر

چنین است توصیف مطبوعات از موقعیت صنایع اتومبیل سازی بریتانیا شامل چهار مجتمع عمده "لیلاند"، "تالوت"، "فورد" و "واکس هال". وهم اکنون به سبب کاهش تولید، هزاران تن کارگردست به گریبان بیکاری و انبوه دیگری از کارگران دچار کم کاری (دو یا سه روز کار در هفته) هستند.

دولت تاجر به پیروی از سیاست سپردن نیز اقتصاد به دست سرمایه های خصوصی و یا تخصیص اعتبارات ناچیز به موسسات ملی شده ناقوس مرگ و ورشکستگی آنها را به صدا درمی آورد و باتوسل به ترفند "سودآور نبودن آنها"

می شود در بر طرف کردن پیامدهای زیان بار جنگ تجاوری امپریالیسم آمریکا و تجاوز نظامی

را با گشاده دستی در اختیار انحصارات خصوصی می گذارد و دولت تاجر بدینسان، منافع انحصارات داخلی و خارجی را تامین می کند. شایان بیان این که تنها ظرف سه ماهه از اول ماه مارس تا آخر ماه مه ۱۹۸۰ - سطح کل تولید نسبت به سال پیشین ۵/۵٪ کاهش یافت.

"تایمز" چندی پیش در تحلیل اوضاع اقتصادی - اجتماعی بریتانیا از جمله نوشت: "دارویی که او (تاجر) تجویز می کند، این خطر را در بر دارد که بیمار را به کام مرگ بفرستد، قبل از آنکه شانس مناسبی برای بهبودی بدست آید."

در اوضاع و احوال کنونی، گذشته از این سیاست های ویرانگر داخلی، سیاست ماجرا - جویانه، افزایش اعتبارات نظامی و نزدیکی هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا در پیوستن یا گسترش توان نظامی "بیمان ناتو" و تشدید سیاست شوروی ستیزی در صحنه بین المللی - که در خدمت تشنج فزاینده و مسابقه تسلیحاتی است - نیز بطور فزاینده به گرایش مسلط در دولت بریتانیا تبدیل می شود. بی تردید این سیاست نه به سوی نجات کشور از چنگال بحران و بیکاری و... بلکه بریتانیای بیمار را برآه مسرگ می برد.

تظاهرات گسترده هفته های اخیر، راهپیمائی های عظیم و اعتصابات دراز مدت ماه های گذشته نشانگر آنست که زحمتکشان برای از میدان بدر ساختن حکومت تاجر بیاخته اند. خواستها و شعارها روشن است: همانطور که در تظاهرات ۱۵۰ هزار نفری ماه مه، که زیر شعار اصلی "ما کار می خواهیم، نه نمب!" منعکس گردید، زحمتکشان خواهان سرنگاری دولت محافظه کار تاجر، رفع بحران بیکاری، کاهش هزینه های تسلیحاتی، بهبود وضع درمان و بهداشت و مسکن، خدمات آموزشی و برابری حقوق زن و مرد، پایان دادن به تبعیض نژادی و دیگر پدیده های زیانبار اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری هستند.

در دود دهه اخیر هیچ یک از دولت های بریتانیا دوره کامل پنحساله حکومت خود را به سر نیآورده اند و عمر شان در اثر بحران ژرف اقتصادی و اجتماعی به انتخابات عمومی دوره بعد وصلت نداده است. چه بسا که تشنگان خشم جوانان بریتانیا، هم اکنون ناقوس مرگ دولت تاجر را به صدا در آورده است.

بریتانیا در تب بحران بی سابقه ای می سوزد. کافیت خاطر نشان سازیم که در طی سه ماه (از آوریل تا ژوئن ۱۹۸۰) ۳۰۰۰۰ کمیای صنعتی به کام ورشکستگی در غلطیدند، ره آورد این اقتصاد بحران گرفته، رشد سرطانی بیکاری به میزان یک نفر در هر ۳۰ ثانیه است. جالب اینجاست که هنگام گزینش مارگارت تاجر رهبری حزب محافظه کار، وی علت "بیماری های اقتصادی مزمن بریتانیا" را چنین تشخیص داد:

"کوشش بی رحمانه برای تامین برابری به شیوه های گوناگون به اقتصادمان آسیب می رساند."

بربنیان "تئوری" او بریتانیا باید به کشوری تبدیل شود که مردم در آن از "حق نابرابر" برخوردار گردند از این رو، کابینه محافظه کار به پیروی از این "تئوری" می بایست آنچه را که هزینه عمومی مازاد تلقی می گردید، از میان بردارد. به بهانه صرفه جویی از هزینه خدمات درمانی، آموزش و پرورش و مسکن به میزان صد ها میلیون پوند کاسته شده است. اجرای این سیاست تنها در عرصه آموزش موجب محروم شدن بیست هزار دانشجو از تحصیل در دانشگاه های دولتی و بیکاری ۳۰۰۰۰ تن استاد و ۴۵۰۰ شاغل دیگر گردید.

آری، به برکت سیاست تاجر، بر پایه آمار رسمی، هم اکنون افزون بر ۶ میلیون تن زیر مرز فقر در بریتانیا زندگی می کنند. این وجه از "نابرابری طبلی" سیاست تاجر را می توان در حملات زیر ساد کرده تاجر و محافظه کاران همپالگی اش بر این باورند که اگر شما پولی در کف داشته باشید، می توانید فرزندان خود را به مدرسه خصوصی بفرستید، دکتر خصوصی داشته باشید، یا یک خانه شخصی بخرید، اگر شما پولی در کف نداشته باشید، آن وقت، در انطباق با "حق نابرابر بودن" شما فقط باید خود را سرزنش کنید.

چین علیه ویتنام سوسیالیستی نقش بسیار موثری دارد.

# دو گرایش متضاد در سیاست خارجی کویت

نام رسمی: دولت الکویت (کشور کویت)  
سرزمین: امیرنشین کویت در شمال خاوری شبه جزیره عرب، بین عراق در شمال و غرب و عربستان سعودی در جنوب واقع است. این کشور، با ساحل ۲۵۰ کیلومتری خود، در شرق به خلیج فارس محدود می شود. کویت ۲۰۶۸۸ کیلومتر مربع وسعت دارد. این رقم بخش کویتی "منطقه بیطرف" سابق را میان کویت و عربستان سعودی نیز شامل می گردد (در حدود ۲۸۵۰ کیلومتر مربع) دو کشور نامبرده شانزده سال پیش (۱۹۶۵) تصمیم گرفتند تا این منطقه (مساحت ۵۵۷۰ کیلومتر مربع) را، که نزدیک به شصت سال پیش (۱۹۲۲) از سوی استعمارگران بریتانیایی تعیین شده بود، میان خود تقسیم کنند. این تصمیم چهار سال بعد (۱۹۶۹) به اجرا درآمد و طرفین به توافق رسیدند که مشترکاً از منابع نفتی این منطقه (در حدود ۲ میلیارد تن) بهره برداری کنند. چند جزیره کوچک و بزرگ به مساحت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در خلیج فارس نیز به کویت تعلق دارد.

آب و هوای کویت بسیار گرم است و در تابستان گرمای این کشور به ۴۰ تا ۵۰ درجه می رسد. میانگین گرما در دیماه ۱۴ درجه است. رطوبت هوا در کویت در ماههای تابستان در حدود ۹۰٪ است. میانگین سالانه بارش ۱۵۵ میلی متر است.  
سکنه: بر پایه سرشماری چهار سال ۱۳۵۹، در کویت ۱۳۵۵۸۲۷ نفر زندگی می کنند بدینسان جمعیت این کشور در ۵ سال گذشته ۳۶/۴٪ افزایش یافته است. ۴۹٪ افراد مقیم کویت خارجی هستند و با بطور موقت در این کشور زندگی می کنند. خارجیان مقیم کویت، فزون بر ۲۵۰ هزار فلسطینی، کارگران اردنی، ایرانی، عراقی، لبنانی، هندی، پاکستانی و غیره را در بر می گیرند. اینان بیشتر در رشته ساختمان، صنعت، بهداری و یا بخش مدیریت اشتغال دارند.

پایتخت کویت الکویت نام دارد، که دارای ۳۵۰ هزار نفر جمعیت است (با حومه در حدود ۷۰۰ نفر). دیگر شهرهای بزرگ کویت عبارتند از: الاحمدی: ۱۸۲۰۰۰ نفر، الحوالی: ۱۶۰۰۰۰ نفر و سلیمیه: ۱۰۰۰۰۰ نفر. مذهب رسمی: کویت اسلام است (۷۵٪ سنی و ۲۵٪ شیعه). زبان رسمی: عربی، انگلیسی نیز بعنوان زبان اداری بسیار رایج است. حکومت: کویت، بموجب قانون اساسی، سلطنت (امیرنشین) مشروطه است. رئیس کشور اردیماه ۱۳۵۷ تا کنون شیخ جابر الاحمد الجابر الصباح وی همچنین فرمانده کل نیروهای مسلح کویت بشمار می رود. امیر کویت "مصون و سنی و ۲۵٪ شیعه".

زبان رسمی: عربی، انگلیسی نیز بعنوان زبان اداری بسیار رایج است. حکومت: کویت، بموجب قانون اساسی، سلطنت (امیرنشین) مشروطه است. رئیس کشور اردیماه ۱۳۵۷ تا کنون شیخ جابر الاحمد الجابر الصباح وی همچنین فرمانده کل نیروهای مسلح کویت بشمار می رود. امیر کویت "مصون و سنی و ۲۵٪ شیعه".

تعبیرناپذیر" و از امتیازات مقلنه و مجریه" وسیع برخوردار است. امیر کویت نخست وزیر این کشور را منصوب می کند و می تواند، پس از موافقت یک سوم نمایندگان، پارلمان را منحل سازد. دولت کویت در برابر امیر مسئول است.

کویت نخستین بار در ۲۴ آبان ۱۳۵۱ (۱۵ نوامبر ۱۹۶۲) دارای قانون اساسی شد. در ۸ بهمن ۱۳۵۲ (۲۸ ژانویه ۱۹۶۳) اولین مجلس ملی کویت انتخاب گشت. مجلس ملی ۵۰ نماینده را در بر می گیرد، که هر چهار سال یکبار، انتخاب می شوند. در کویت، تنها مردان ۲۱ سال به بالا حق رای دارند. در تاریخ ۴ اسفند ۵۹ (۲۳ فوریه ۱۹۸۰) پس از چهار سال تعلیق، پارلمان جدید کویت انتخاب شد. کویت از نظر اداری به سه ایالت الکویت الحولی و الاحمدی تقسیم می گردد.

نیروهای مسلح کویت ۱۲ هزار نفر را در بر می گیرد (نیروی زمینی: ۱۰۵۰۰ نفر، نیروی هوایی: ۱۰۰۰ نفر، نیروی دریایی: ۵۰۰ نفر) بیش از دو سال است، که در کویت نظام وظیفه عمومی (۱۸ ماه) معمول شده است.

پول: دینار کویت = ۱۰۰۰ فلس = ۳/۳ دلار ایالات متحده.

تاریخ: شیخ نشین کویت در اواسط سده هجدهم از سوی خاندان الصباح که از درون شبه جزیره عرب به این سرزمین کوچ کرده بود تاسیس یافت. اما کویت (بعربی یعنی دژ کوچک) بخشی از امپراطوری عثمانی باقی ماند. در آن هنگام مهمترین فعالیت اقتصادی در کویت صید مروارید بود. در سال ۱۱۰۰ (۱۸۲۱)، بریتانیا مرکز تجاری خود را از بصره به کویت منتقل کرد و کویت، بدینسان به پایگاه مهم بازرگانی و کشتی رانی مبدل شد. در اواخر سده بیستم (۲۳ ژانویه ۱۸۹۹)، "قرارداد حفاظت" میان امیرنشین کویت و بریتانیا انعقاد یافت، که هدف آن مقابله با مقاصد انضمام طلبانه امپراتوری آلمان بود. هفت سال بعد، بریتانیا کویت را تحت حمایت خود اعلام کرد. تا ایحاد منطقه بیطرف، نزدیک به شصت سال پیش (۱۹۲۲)، کویت بی دربی هدف تهاجمات قبیله های مختلف عربستان سعودی قرار می گرفت. در همین سال بود که نخستین بار نفت در کویت کشف شد.

کویت در ۲۹ خرداد ۱۳۴۰ (۱۹ ژوئن ۱۹۶۱) به استقلال دست یافت و "قرارداد حفاظت" با بریتانیا حاوی خود را به "قرارداد دوستی و شورت" داد. اقتصاد: اقتصاد کویت بر پایه ذخیره های غنی نفت و گاز طبیعی استوار است. به موجب برآوردی (۱۳۵۷)، ذخیره های نفتی کویت بالغ بر ۹/۲ میلیارد تن می شود. بدین ترتیب، کویت از نظر ذخیره های نفتی، در

جهان سرمایه داری، در مقام سوم قرار دارد. درآمد سالانه کویت از بابت صادرات نفت، که بیست و پنج سال پیش، در آغاز استخراج نفت در این کشور، از ۷۶/۰ میلیارد دلار تجاوز نمی کرد، سال پیش به ۱۱ میلیارد دلار رسید. در سال ۱۳۵۸، کویت ۱۰۴ میلیون تن نفت و ۵۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز استخراج کرد. بخش تولید نفت و گاز ۹۵٪ درآمد ملی کویت را تامین می سازد. باتاسیس "کویت پترولیوم اورگانایزیشن"، استخراج، پالایش، ترابری و فروش نفت در یک کنسرن دولتی متمرکز یافته است.

بخش اعظم سرمایه گذاری های کویت در زیرساخت اقتصادی - اجتماعی، پتروشیمی، تولید مصالح ساختمانی، انرژی، صنایع سبک و تصفیه آب آشامیدنی گرد آمده است. بعلت شرایط نامساعد جوی، توسعه کشاورزی در کویت بسیار محدود است. تنها یک درصد مساحت کویت قابل کشت است. در کویت، بیش از همه چیز، سبزی کاشته می شود از سوی دیگر، فرآورده های ماهیگیری بیش از ۹۷٪ نیازمندی مردم کویت را تامین می سازد. صدور نفت و فرآورده های نفتی ۹۰-۸۵ درصد درآمد صادراتی کویت را تشکیل می دهد. در این زمینه، همچنین درآمد سه مایه گذاری های کویت در کشورهای خارج نقش مهمی ایفا می کند.

واردات کویت بیشتر ماشین آلات، تجهیزات ترابری و فرآورده های صنعتی را شامل می شود. بازرگانی خارجی کویت، در درجه نخست، با ژاپن، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای غربی صورت می گیرد. در سالهای اخیر، کویت به یکی از مهم ترین کانون های بازرگانی مالی در خاور نزدیک و میانه توسعه یافته است. کویت همچنین به بسیاری از کشورهای رشد یابنده اعتبار می دهد، (در حدود ۸٪ فرآورده ناویژه اجتماعی) آموزش و پرورش و بهداری. در کویت آموزش و پرورش مقدماتی، از جمله پوشاک و خوراک دانش آموزان، رایگان است. در این کشور ۱۶۲۱۷ معلم به تعلیم ۲۱۵۴۵۰ شاگرد اشتغال دارند. پنج سال پیش، دانشگاهی ملی در این کشور گشایش یافت. بهداری نیز در کویت مجانی است.

اوضاع کنونی. در سیاست داخلی کویت گرایش های متضادی دیده می شود: در این کشور، بموجب قانون، احزاب سیاسی حق فعالیت ندارند. اما انتخابات اخیر کویت نشان داد که در میان نامزد های انتخاباتی نیز گرایش های مختلف سیاسی دیده می شود. مهمترین موضوع های کارزار انتخاباتی عبارت بود از: حق انتخاب برای زنان، تدوین قانون جدید جاره، سیاست دستمزد، عوارض مدارس و بیمارستان های

تصویب و اجرای یک قانون انقلابی مسکن به سود زحمتکشان و کوتاه کردن دست صاحبان مستغلات که بخش عمده های از درآمد خانوادگی مستضعفان را از آنان می دزدند...

سیاست خارجی ایران هم باید پیش از این با مصالح حیاتی انقلاب صدام میریالیستی، مردمی و اسلامی مانطبق باشد تا اثر مثبت بازتاب آن در میان توده های محروم جهان و جنبش های رهایی بخش و کشورهای که با امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا در مبارزه اندیده تحکیم موقعیت کشور انقلابی ایران در صحنه بین المللی کمک

برساند. در پیکار گسترده هی انانی که ایران انقلابی با جنبه مشترک کشورهای امیرالیستی و دست نشانده گان و متحدان شان در افتاد هودست به گریبان است، مابه حسن نظر، یاری معنوی و همکاری مادی همه نیروهای ضدا امیرالیستی نیازمندیم. ما با این نیروها، با جنبه پایداری عرب، با کشورهای غیر متعهد و همچنین، با اردو-

گاهه سوسیالیسم و اتحاد شوروی خواه ناخواه در یک جنبه ایم و باید دوستی صادقانه و بی دریغ شان را در چارچوب استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی خود و در راستای منافع ملی و انقلابی خود معتم بشماریم. دیگر وقت آن رسیده است که به شیوه خرابکاری عمدی لیبرالهای دولت موقت و زمان ریاست جمهوری بنی صدر که نمی گذاشتند جمهوری اسلامی ایران از خط ثابت و شایان اعتمادی در سیاست خارجی پیروی کند پایان داده شود. بی شک، پیش گرفتن یک چنین سیاست

خصوصی و غیره. در پارلمان کنونی کویت، هواداران شیخ جابر الاحمد الجابر الصباح دارای اکثریت مطلق هستند. گفته می شود که امیر کویت، بیماناک از افزایش نفوذ شیعیان، حوزه های انتخاباتی را مورد تعیین کرد، که شماره نمایندگان شیعه در پارلمان از ده بیشتر نباشد. در سیاست خارجی نیز گرایش های متضادی دیده می شود: از یکسو، کویت خود را هوادار سیاست غیر متعهد می داند و در راه گسترش مناسبات خود با کشورهای سو سیالیستی کوشش می ورزد. دولت کویت، در چارچوب بین المللی، خواهان تدابیر جدی برای خلع سلاح و براندازی استعمار و نژادپرستی است. در زمینه مسئله خاور نزدیک، کویت از راه حل سیاسی همه جانبه پشتیبانی می کند و قرارداد جداگانه و خبیانکارانه "کمپ دیوید" را مردود می شمرد. در پیوند با اوضاع خطرناک منطقه خلیج فارس، کویت از پیشنهاد پنج ماده ای "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" درباره صلح و امنیت در این منطقه، که لئونید برژنف در دهلی نو مطرح ساخت، هواداری کرده است.

چنانکه از اعلامیه مشترک میان دولت های کویت و جمهوری دموکراتیک خلق یمن، در پایان سفر اخیر امیر کویت (اواسط زمستان ۱۳۵۹) به عدن بر می آید، این دو کشور مخالف هرگونه مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس، شبه جزیره عرب و دریای سرخ هستند. مواضع مثبت نامبرده در اعلامیه مشترکی، که بمناسبت سفر وزیر خارجه کویت به اتحاد شوروی انتشار یافت (اویل اردیبهشت ۱۳۶۰) نیز تاکیدی است.

از سوی دیگر، کویت در کنار عربستان سعودی، عمان، بحرین، امارات متحده عربی و قطر، در کنفرانس کشورهای شش گانه خلیج فارس در ریاض شرکت داشت، که مهمترین موضوع مورد بحث آن تشکیل یک سیستم امنیتی خلیج (فارس) بود. کنفرانس ریاض "قطعه ناهای در این باره تصویب کرد، که جزئیات آن هنوز فاش نشده است. آنچه مسلم است آنستکه این کنفرانس تصمیم گرفت تا به تاسیس یک "شورای همکاری" اقدام کند روزنامه ارتجاعی "دی ولت" (آلمان غربی) در آن هنگام در این باره نوشت که، تشکیل "شورای همکاری" به منزله "اولین گام بسوی ایجاد فدراسیونی در

خلیج (فارس)، بر رهبری عربستان سعودی" و به مثابه "ابتکار جدید سعودی ها در راه تامین سیادت و منافع خود در خلیج (فارس)" به شمار می رود. "دی ولت" اعتراف کرد که رهبری عربستان سعودی در خلیج فارس کاملاً "در جهت منافع غرب وابسته به نفت است". آینده نشان خواهد داد که کدام یک از این دو گرایش متضاد در سیاست خارجی کویت پیروز خواهد شد.

قاطعی که تنها مصالح انقلاب و منافع کشور را در نظر دارد، با وجود رسوبات ذهنی چند ده ساله گذشته و با جوی که خواستاران پنهان و آشکار سازش با امپریالیسم به بهانه اسلام و خطر موهوم شوروی به وجود آورده اند، کار آسانی نیست. واقع بینی و شهامت می طلبد. ولی چاره نیست. امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، صهیون-نسیسم، ارتجاع منطقه و ضد انقلاب داخلی، هر لحظه آماده بهره گیری از دودلی ها، سرگشتگی ها، تعصب ها و اشتباهات ما هستند تا ضربات خود را بر کشور و بر انقلاب فرود آرند.

در عرصه داخلی هم، بدان گونه که امام خمینی تأکید کرده اند، باید تلاش دولت آقای دکتر با هنر در آن باشد که کلیه نیروهای مدافع انقلاب در راستای اعاده حقوق غصب شده محرومان و مستضعفان متحد گردند و تکیه گاه مطمئن دولت در پیروزی در جنگ با رژیم صدام و در بازسازی انقلابی کشور باشند. تا مبن آزادی و فعالیت احزاب و گروه های مدافع انقلاب، مبارزه جدی با انحصار طلبی و قشریگری که تاکنون نا رضایی ها و زیانهای عمده ای را موجب شده است سعی در تحکیم بنیاد شوراهای و تشویق فعالیت موثر آنها به صورتی که توده های مستضعف به راستی حاکم بر سرنوشت خود شوند نیز از اهم وظایف دولت آقای دکتر با هنر است.

مردم ایران و همه نیروهای انقلابی آماده اند از دولتی که صادقانه، قاطعانه و پیگیرانه در جهت تحقق هدفهای انقلاب گام بردارد، با همه توان خویش پشتیبانی کنند.

## دستی باز...

بقیه از صفحه ۱

گروه بندی مخالف و این که امکان تاثیر مستقیم سیاسی را دیگر از دست داده است، با توجه به حضور و حمایت فعال توده های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان که از جمله در شرکت کم سابقه آنان در انتخابات اخیر تخطی یافت، و با توجه به ترکیب همگون قوای سه گانه که از این پس خواهند توانست با هماهنگی در راستای مشترکی حرکت کنند، باید گفت که دولت آقای دکتر با هنر در یک موقعیت استثنای بسیار مثبتی بر سر کار می آید و باید انتظار داشت چنان عمل کند که در پایان نتواند کارنامه درخشانی را عرضه نماید. آری، با تمرکز قدرت تصمیم گیری و اختیار عمل در ترکیب کنونی ارگانهای حاکمیت، آقای دکتر با هنر و دولت - شان از همه جهت "دستی باز" دارند و در صورت عدم توفیق به هیچ "عذری" نمی توانند متوسل شوند.

با این همه، باید گفت که مسائل و مشکلات درهمه زمینه ها بسیار است. در آخرین تحلیل هم تقریباً همه شان یا ماهیت و محتوای انقلاب و راستای حرکت آن پیوند دارند و همین است که صف بندی و درگیری نیروها را در داخل و خارج موجب می شود. باید به این نکته توجه داشت و در مساعدت و مخالفت، دوستان و دشمنان را به هیار آن سنجید و بر حسب آن تصمیم گرفت. در صحنه داخلی، نباید پنداشت که با

حذف بنی صدور از هم پاشیدن اجتماع گروه هایی که با دیدگاهها و مقاصد مختلف و گاه متضاد، ولی متفق در دشمنی با حرکت عمق یابنده انقلاب به سود مستضعفان ایران، زیر پرچم او گرد آمده بودند، جریان آمریکایی-لیبرالی بنی صدر نیز حذف شده است. ریشه ها هنوز باقی است و می تواند حتی از جاهایی که مصفا و مزکی می نماید شاخ و برگ بزند. وظیفه انقلاب، حاکمیت انقلابی و دولت آقای دکتر با هنر است که با شناخت درست همه جوانب و مظاهر این جریان، در نهایت حدیث به ریشه کن کردن آن همت بگمارند.

در سر لوجه وظایفی که دولت آقای با هنر بر عهده دارد، اجرای رهنمود صریح امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیاد گذار جمهوری اسلامی ایران است به هنگام تنفیذ رای مردم در انتخاب آقای رجائی به ریاست جمهوری، و ان پرداختن به اقدامات قاطع بنیادی است در بهبود وضع زحمتکشان و مستضعفان و تامین کار و مسکن و فرهنگ و بهداشت آنان.

همچنین است اجرای قاطع و بنیادی اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و به منظور برانداختن نظام عارتگر بزرگ مالکی، اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی، تشکیل شبکه تعاونی های توزیع و مصرف، اجرای سهمیه بندی در مورد اساسی ترین کالاها، مصرفی همگانی: تعمیم آموزش دبستانی و دبیرستانی، بویژه در نقاط تراکم جمعیت کاری، روستاها و نواحی عشایری، توسعه شبکه در مانگاه ها و بیمارستان ها و داروخانه ها و اجرای درست انواع بیمه ها،

همه کس و ...

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی، خطاب به رئیس جمهور جدید که برخلاف رئیس جمهور فراری، به طور عمده با آراء طبقات زحمتکش جامعه انتخاب شده است، چنین گفتند: " شما باید برای این پاره ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به حساب نمی آوردند... شما باید توجهتان به این توده های مستضعفی که باز حمت خودشان و رنج خودشان... مشغول فداکاری هستند و مستضعفند... برای اینها کار کنید... باید همه دست به دست هم بدهید که انشاء اله برای آنها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود."

آغاز مرحله سوم انقلاب، بر اثر هشاری و آمادگی و جانبازی توده های زحمتکش و مستضعف و به برکت آگاهی سیاسی و شور انقلابی شان، با پیروزی عظیمی برای حاکمیت انقلابی و شکستی پر دامنه و ننگین برای امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، ضد انقلاب داخلی و عناصر رنکارنگ آبرو-باخته عجبیه براندازی همراه بوده است. از این رو، تا یکدایم امام خمینی بر لزوم توجه به وضع توده های زحمتکش و بر آوردن خواست های آنان و تعیین این امر به مثابه مهم ترین وظیفه و مسئولیت حاکمیت انقلابی و ارگانهای آن یعنی مجلس شورای اسلامی ریاست جمهوری و دولت ساز اهمیت ویژه ای بر خوردار است.

امام، چه در دوران تدارک و وقوع انقلاب و چه پس از پیروزی آن تا به امروز، همواره روی عمده ترین مسائل انگشت گذاشته، گرهی ترین موضوعی را که سرنوشت انقلاب به حل آن وابسته بوده مطرح ساخته اند. پس در این آغاز مرحله سوم انقلاب، مسئله رسیدگی به حال روز زحمتکش و کوشش برای تأمین زندگی مرفه شان را باید از نظر اهمیت در حد همان مسائل گرهی و سرنوشت سازی دانست که از جانب رهبر انقلاب در مراحل گذشته طرح شده و ضرورت پرداختن به آنها خاطر نشان گردیده است. بر ارگان های انقلابی است که به مسئولیت مهمی که انشون امام برای شان معین کرده اند دست خاصی مبدول دارند و تأمین خواست های برحق طبقات زحمتکش جامعه را سرآمد وظایف خویش به شمار آورند.

انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، که خیزش عظیم توده های زحمتکش و مستضعف جامعه بود و با حضور آگاهانه شان گسترش و دوام یافت، از همان آغاز، حاکمیت انقلابی و ویژه ای را طلب می کرد. این حاکمیت، برای ریشه دوانیدن و بالیدن در جهت مطلوب، می بایست از درون توده های زحمتکش و مستضعف برخیزد و سکن های اساسی آن نیز به دست نمایندگان واقعی مردم سپرده شود. اما وجود قشرها و طیف های اجتماعی-سیاسی وابسته به حاکمیت سرمایه مانع از این امر شد. زمانی طولانی و عبور از موانع گوناگون و بفرنج لازم آمد تا نمایندگان قشرهایی که به ناحق به عالی ترین مقامات حاکمیت انقلابی خیزه بودند طرد شوند. توده های زحمتکش و مستضعف، به رهبری قاطع و دورنگر امام خمینی، اگرچه با تحمل صدمات و دادن قربانی های بسیار، به هر حال این دوران را با پیروزی از سر گذرانیدند. استقرار حاکمیت همگون انقلابی که امروزه در کار شکل گرفتن است، بی شک به برکت فداکاری و از جان گذشتگی و حضور آگاهانه توده های زحمتکش امکان پذیر گشته است، و این واقعیت باید مورد توجه و تکیه و تاکید مقامات عالی حاکمیت قرار گیرد.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی، با بر خورداری از امکانات عظیم مالی و اقتصادی و اداری و با بهره گیری از خیانت عوامل وابسته و طفیلی در جامعه، موانع بزرگی بر سر راه انقلاب ایران ایجاد کردند. توطئه پشت سر توطئه از خرابکاری های داخلی گرفته تا تجاوز نظامی خارجی به منظور جلوگیری از پیشرفت و گسترش و ژرفایی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی به سود توده های زحمتکش و مستضعف ترتیب داده شد. اما انقلاب به نیروی زنده و زاینده توده های زحمتکش - کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران انقلابی و روحانیان متعهد - روند تکاملی خود را طی کرد. در این روند تکاملی، نه تنها دست قشرهای استثمارگر و فزون طلب هر چه بیشتر از حاکمیت انقلابی کوتاه گردیده است، خود حاکمیت انقلابی نیز به استحکام و انسجام بیشتری دست یافته است. از همین رو حاکمیت انقلابی امروزه از توان بیشتری برای تحقق هدف های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب برخوردار است.

انکون، به فرموده امام خمینی، ضد انقلاب داخلی به مرحله ای از ضعف و بی اعتباری رسیده است که "بحمد الله داخلش دیگر داخل آدم نیست" و این نتیجه مستقیم قربانی هایی است که به خصوص محرومان جامعه در دفاع از انقلاب متحمل شده اند. جانبازی اینان، باز هم به گفته امام خمینی، شرایطی فراهم آورده است که "امروز دست همه باز

است. مجلس دستش باز است و هیچکس آقا با لاسراو نیست. دولت هم دستش باز است و مجلس تا بیدش می کند، رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تا بیدش کرده اند، هیچ عذری برای ما نیست." این همه تاکید بر امکان و لزوم کار به سود مستضعفان و زحمتکشان از جانب رهبر انقلاب دلیل روشن بر درک اهمیت و فوریت اقداماتی است که باید سر به پا به سود آنان صورت گیرد. بیش از این نمی توان و نباید در پرداختن به حل مسائل مبتلا به کار و زندگی زحمتکشان و توده مستضعف درنگ کرد و لحظه ای به تعلل و کوتاهی گذراند.

این مسائل، که از فرط تکرار آنها تنها برای مسئولان حاکمیت انقلابی بل برای همگان - از موافق و مخالف - شناخته شده است، همان گونه که امام اشاره کرده اند، در یک جمله خلاصه می شود: پرداختن به ایجاد زندگی و مرفه و وضع قابل قبول برای طبقات زحمتکش و مستضعف جامعه است که هسته اساسی و درونی انقلاب را تشکیل داده می دهند.

باید اعتراف کرد که طبقات زحمتکش و مستضعف جامعه ما، که اکثریت مطلق ساکنان کشورند نه تنها هنوز از استثمار و اسارت اقتصادی بجا مانده از دوران طاغوت رها نشده اند، بلکه بر اثر توطئه های امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضد انقلاب داخلی متکی به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با مشکلات تو انفرسای دیگری نیز روبرو شده اند. ادامه سلطه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری تجاری و مستغلاتی ریشه اصلی محرومیت ها و مشکلاتی است که افزون بر آن که مانع برخورداری توده های زحمتکش و مستضعف از مواهب انقلاب است، امید امپریالیسم و ضد انقلاب وابسته به آن را به در هم شکستن انقلاب زنده نگه می دارد. به همین سبب، در این آغاز مرحله سوم انقلاب، باید قاطعانه به این امر پرداخت.

خاتمه دادن به عمر مالکیت های غاصبانه فئودال-ملاکی، رهایی میلیونها دهقان زحمتکش از غارت و استثمار قرون وسطایی، اجرای اصلاحات ارضی واقعی که به طور عمده در بندهای "ج" و "د" مصوبه شورای انقلاب خلاصه شده است، کمک های همه جانبه مالی و فنی به دهقانان زحمتکش فوری ترین پاسخی است که باید به شرکت وسیع آنان و عاقله رنج دیده شان در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و حمایت بیدریغ شان از حاکمیت انقلابی داده شود. یکبار برای همیشه باید به ذهن سپرد که اگر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما، به ره علی، در ریشه کن ساختن بقایای نظام فئودال - ملاکی در روستاهای ایران ناموفق بماند، راه برای شکست انقلاب باز خواهد ماند و همواره خواهد شد، باید از چنین اشتباه و چنین غفلتی، که امپریالیسم و ضد انقلاب به وقوع آن امید بسته اند، آگاهانه و جدا برهنه نمود.

کلان سرمایه داری در شهر، به ویژه کلان - سرمایه داری تجاری که مرکب از سرمایه طفیلی و وابسته است، ترم عمده رشد نیروهای مولده در کشور است و تأمین استقلال اقتصادی کشور و رشد تولید داخلی - بویژه صنعتی - را مانع می شود. سرمایه بزرگ تجاری در وابسته نگاه داشتن اقتصاد ایران به بازار غارت پیشه امپریالیستی وحیف و میل منابع ارزی کشور، و همچنین در دادن زدن به تورم و گرانی و همه گونه اختلال در معیشت عمومی نقش عمده و اساسی دارد. باید این اهرم اقتصادی ضد انقلاب درهم شکسته شود و این راهزن نابکار که با احتکار و تورم و گرانی و فروش کرد برگلوی انقلاب می فشارد و توده مردم را عاصی و ناراضی می دارد از پای آورده شود.

آزادی فعالیت سرمایه های بزرگ تجاری به معنای ممانعت از گرایش سرمایه سوی تولید و تشویق افراد به واسطه شدن بین تولید و مصرف به امید درآمد بی زحمت می باشد. سرمایه های بزرگ تجاری نقش دلال را به سود امپریالیسم و به زیان اقتصادی ملی ایفا می کنند. با باقی کلان سرمایه داری تجاری در مواضع غارتگرانه کنونی آن، کسب موفقیت های اقتصادی به سود انقلاب غیر ممکن خواهد.

با آنچه گفته شد، حاکمیت انقلابی، اگر خواسته باشد به هدف های انقلاب وفادار بماند، باید تصویب قانون ملی کردن بازرگانی خارجی و اجرای فوری و قاطع آن را وظیفه اصلی خود بشمارد و نیز بی درنگ به تمرکز اهرم های عمده بازرگانی داخلی دست دولت و اجرای وسیع و فراگیر سهمیه بندی کالاها ی اساسی بپردازد. آراء یکپارچه سیزده میلیونی توده های مردم به رئیس جمهور جدید، که ابراز اعتماد مجددی به حاکمیت انقلابی بود، و شکیه معتبری است برای برداشتن قدم های جدی در زمینه هایی همچون ملی کردن بازرگانی خارجی و اجرای تصمیمات مربوط بدان. همچنین، حل مسئله مسکن از دید منافع طبقات زحمتکش و مستضعف از ضرورت های مرحله کنونی انقلاب است. این که میلیونها زحمتکش محروم از مسکن باشند و مالکیت های عمده مسکن و مستغلات شهری همچنان به قوت خود باقی باشد، این که "فئودالیت" شهری "قسمت اعظم درآمد خانوادگی زحمتکش را به نام اجاره"

مار در آستین ...

بقیه از صفحه ۱

تاز هر تپاه کننده خود را بر جان انقلاب بریزد. بدون شک فرار بنی صدر بدون یک سازمان - دهی ضد انقلابی میسر نبوده است. برخی از اطلاعات که تاکنون درباره این فرار منتشر شده، نیز این نظر را تأیید می کند. از جمله حجت الاسلام ری شهری، حاکم شرع و رئیس دادگاه های انقلاب اسلامی ارتش گفته است:

"احتمالا از دوروز قبل در محوطه فرودگاه مخفی بوده (بنی صدر) و هنگام پرواز هواپیما دو آمبولانس نیز در نزدیکی هواپیما دیده شد. اندک احتمالاً زن بنی صدر نیز در یکی از آمبولانس ها بوده و همراه بنی صدر از کشور خارج شده است." (کیهان - ۱۲ مرداد ۱۳۶۰)

کشف سازمان دهندگان این فرار، معرفی آنها به مردم و مجازات شان مسلمانان بلندی است که سود انقلاب برداشته می شود. اما آنچه مهم تر است، عبرت آموزی از این حادثه و اقدام جدی برای حل ریشه ای مساله است.

فرار بنی صدر و رجوی، همانطور که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران صادقانه در خطبه های نماز روز قدس اعلام کرد، نشان داد که "ضعف داشتیم"، و چنانکه بهزاد نبوی سخنگوی دولت اعلام داشت:

"فرار اینها نقطه ضعفی است برای رژیم جمهوری اسلامی." (جمهوری اسلامی ۱۲ مرداد ۱۳۶۰)

این ضعف از جمله عبارت از این بود که: "فضای کشور ما اینقدر بی در و دروازه باشد که یک هواپیما بتواند از تهران تا مرز غربی به راحتی عبور کند." (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - جمهوری اسلامی، شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۰)

اما همانطور که رئیس مجلس اعلام کرده است، این ضعف را باید به قوت تبدیل کرد: "تا مسئولان به فکر جدی بیفتند و کار نکنند، و این کار جدی، یعنی پاک سازی انقلابی دستگاه دولت و ارتش از عناصر ضد انقلابی و مشکوک، کاری که متأسفانه در دو سال ونیم گذشته به شکل ناقص انجام شده و در نتیجه تنها "تصور اینکه ریشه های پیش (آمریکا و ضد انقلاب) در سرتاپای دستگاه قانون گذاری و اجرایی و در نهاد های گوناگون انقلابی خشکیده باشد، بکلی دور از واقعیت است." (سپاه - الدین علم الهدی، نماینده اردبیل - جلسه علنی مجلس - ۹ مرداد ۶۰)

بلکه حوادث اخیر و بویژه فرار "سپهسالار" و "نخست وزیرش" رجوی نشان داد که خطر خیلی جدی است. چنانکه رئیس مجلس شورای اسلامی گفته است:

"فرار آقای بنی صدر و قبلیش فرار بوئینگ

دیگری به مصر کا ملان نشان میدهد که محیط نیروی هوایی آلوده است... شخص آقای بنی صدر در این آلودگی سهم به سزائی دارد. همین آقای خلیان معزی از طرف دادگاه انقلاب حکم اخراجش صادر شد و پرونده اش موجود است، اما ایشان (بنی صدر) تمکین نکرده و اورانگه داشته و امثال او فرار کنند. اینها را حساب شده مهره چینی کرده اند برای روز معین و کار معین" (همان جلسه) و این مهره ها طرفدار سلطنت و مدنی و غیره هستند. (همان جلسه - حجت الاسلام خلخالی) و چیدن آنها در قسمت های مختلف با برنامه حساب شده ای انجام گرفته است.

"بنی صدر زمانی که فرمانده کل قوا شد یک استراتژی خاصی را در جهت حاکمیت دادن ضد انقلاب در ارتش و کنارت گذاشتن عناصر مومن به انقلاب را پیاده کرد. اطلاعاتی منتشر ساخت (بنی صدر) که تمامی امرای باز نشسته ارتش باید به سرکار خود باز گردند... جوسازی بنی صدر باعث شد که پاک ترین افسران ارتش را بعنوان مسامحه و سهل انگاری از رده خارج کنند... (بهزاد نبوی - جمهوری اسلامی - ۱۳ مرداد ۱۳۶۰)

و این حقایق، که امروز فاش می شود، مسلمانان تنها مثنی نمونه خروار است. بدون کمترین تردید آنچه بنی صدر در ارتش و دیگر سازمان ها و نهادها انجام داد، توسط عناصر نفوذی و ناشناخته ضد انقلاب در تمام دستگاه های اداری و اجرایی کشور انجام گرفته است. هدف آنها تهم رویش است: مساعذ کردن محیط برای بهره برداری. گاه این بهره برداری به شکل فرار دادن این و آن است، اما بهره برداری نهایی هنگامی خواهد بود که ضد انقلاب در صدد زدن ضربه آخر به انقلاب باشد. در آن هنگام است که تمامی مهره های چیده شده به یاری ضد انقلاب خواهد شتافت.

بزرگترین بندار فرار بنی صدر و رجوی این است که ریشه های آنها و دیگر ضد انقلابیون پنهان شود. اگر تاکنون به هشدار های مکرر در مکرر نیروهای انقلابی مدافع انقلاب توجه شده است، امروز باید به آن توجه جدی کرد. همانطور که آقای بهاء الدین علم الهدی نماینده مجلس گفت، باید در مرحله اول: "مجلس هر چه زودتر لایحه باز سازی را تصویب نماید، تا ادارات از لوٹ وجود ضد انقلاب ها" پاک سازی شود. و برای آنکه این امر با موفقیت انجام شود، باید از گذشته های دور و نزدیک درس عبرت گرفت. باید برای باز سازی ادارات معیار های عملی و انقلابی در نظر گرفت. این معیارها باید چنان باشد که همه نیروهای مدافع انقلاب فرصت خدمت و جانفشانی در راه انقلاب را بدهد و در عوض راه را بر همه ضد انقلابیون در هر لباس و هر رنگ ببندد. تنها به این طریق است که نیروهای متحد انقلاب قادر خواهند بود در کنار یکدیگر فعالیت کنند، ضد انقلابیون را، که به ویژه زیرماسک "اسلام" پنهان شده اند، شناسایی کنند و فعالیتشان را خنثی نمایند. چنین شیوه ای قادر خواهد بود سرمایه راکه به شیوه های گوناگون در آستین انقلاب پیورانده شده، برسنگ بکوبد.



کرهی انقلاب است بپیر هانند. تحقق خواستهای که به بهبود وضع مادی و معنوی توده های زحمتکش می انجامد و همانگونه که امام خمینی گفته اند، زندگی ساده توأم با رفاهی را به آنان نوید می دهد، به آنچه اشاره کردیم خلاصه نمی شود، در زندگی زحمتکشان و توده های مستضعف جامعه ما، در رژیم طاغوتی گذشته در دوران های پیش از آن هزاران گره و مشکل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد شده است که اکنون، به برکت پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و با استحکام پایه های حاکمیت انقلابی، باید این گره ها باز شود. توده های زحمتکش و مستضعف، تا کنون در قبال نارسائیهای زندگی و کار خویش، آگاهانه صبر و تحمل انقلابی نشان داده اند. امام خمینی، در بیانات پر مغز اخیر خویش، بدرستی توجه می دهند که بیش از این نباید صبر و تحمل انقلابی مردم را با جواب گذاشت. وقت آن رسیده است که توجه به وضع زندگی و کار توده های زحمتکش و مستضعف در صدر وظایف حاکمیت انقلابی قرار گیرد.

مسکن - و آن سربه میلیاردها ریال میزند از آنان بر باید و ببلعد، قابل تحمل نیست. دولت انقلابی می تواند و باید به حل بنیادی مسئله مسکن اقدام کند. حل مسئله آموزش عالی و گشودن در های دانشگاه ها به روی فرزندان طبقات زحمتکش: کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران کار - روز ضرورت فوری دارد. انقلاب فرهنگی به معنی واقعی آن همانا خروج دانشگاه ها و آموزش عالی از انحصار طبقات استثمارگر و رهایی از نفوذ فرهنگی امپریالیسم است، و در ایران انقلابی امروز، خواست اکثریت مطلق مردم جز این نیست. باید در های بسته دانشگاه ها را در چارچوب این خواست انقلابی توده ها به روی جوانان باز کرد. در زمینه ایجاد کار و به راه انداختن چرخ تولید اجتماعی در همه رشته های اقتصادی، تبدیل دستگاه دولتی از یک ماشین عظیم پر خرج غیرمولد به سازمان ضروری مورد احتیاج تولید و خدمات اجتماعی ضرورت اساسی دارد. حاکمیت انقلابی و ارگان های آن، اعم از ارگان های قانون گذاری و اجرایی، باید هر چه سریع تر به حل و فصل مسائل اقتصادی - اجتماعی که از مسائل

### وقایع مهم جهان در یک هفته

## هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان: هرگونه تظاهرات و اعتصابات خطرات جدی برای کشور خواهد آفرید

داد. کمیسوی دیگر وظیفه مبارزه با احتکار و سودجویی را به عهده گرفته است. روزنامه "تریبونالودو" در این زمینه می نویسد:

"تاکنون تنها مایلیس با محتکران مبارزه میکرد. اکنون ارتش نیز به پلیس خواهد پیوست." یک سخنگوی دولت لهستان گفت: "بیانیه رهبری "همبستگی"، مبنی بر اینکه برنامه عملی وجود ندارد حداقل شگفت انگیز است. بویژه آنکه کنگره نهم حزب چنین برنامه‌ای را برای چیرگی بر بحران اتخاذ و پارلمان هم آن را تصویب کرد. "همبستگی" از تظاهرات و اعتصابات دست برداشت و نشان نداد که خواهان خاتمه دادن به روش‌هایی است که به تضعیف اقتصاد و افزایش تشنج سیاسی در کشور منجر می‌شود. از سوی دیگر، "شورای نظامی" وزارت دفاع لهستان به ریاست یاروزلسکی نخست‌وزیر و وزیر دفاع آن کشور، تشکیل جلسه داد. "شورای نظامی" تضمین شرایط امنیتی و دفاعی لهستان را بررسی کرد. علاوه بر این، تدابیری در زمینه کمک‌نیروهای مسلح به اقتصاد ملی اتخاذ شد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور و راه‌های پیشبرد مصوبات کنگره فوق‌العاده اخیر حزب پرداخت.

هیئت سیاسی برنامه تشییت اقتصادی دولت را تصویب کرد و خاطر نشان ساخت که باید قیمت‌ها را افزایش داد. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان هشدار داد که خواست افزایش دستمزدها به اقتصاد لهستان لطمه بیشتری وارد خواهد آورد و "کوشش برخی از محافل "همبستگی" را برای بهره‌برداری از کمبود موقت خواربار و زیر علامت سؤال قرار دادن مشی سیاسی حزب "محکوم ساخت بیانیه جلسه هیئت سیاسی یادآور می‌شود که هرگونه اعتصاب و تظاهرات خطرات جدی برای کشور خواهد آفرید.

قرار است که به زودی پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی اوضاع کشور بپردازد. از سوی دیگر، هیئت رئیسه دولت لهستان شورایی اضطراری برای حل مسائل حاد لهستان، از جمله رفع کمبود مواد غذایی و استقرار شرایط عادی برای فعالیت‌های اقتصادی دفاعی، تشکیل

## آیا "سیا" در سانحه هواشی پاناما قتل توریخوس دست داشت؟

ناظران پاناما این امکان را رد نمی‌کنند که عوامل "سیا" مسبب سانحه هواشی بودند، که در نتیجه آن ژنرال عمر توریخوس، فرمانده کل نیروهای مسلح پاناما، درگذشت. "سیا" تاکنون در چند توطئه قتل رهبران پانامایی دست داشته است.

برژنف به شرکت کنندگان "راه پیمایی صلح ۸۱":

## اتحاد شوروی برای تحکیم صلح همیشه آماده گفتگو است

شرکت کنندگان "کنگره بین‌المللی برای منع جنگ افزارهای هسته‌ای"، که در توکیو برگزار شد، خواستار کارزار جهانی برای تبلیغ این شعار گردیده‌اند. این کنگره در آستانه برگزاری کنفرانس بین‌المللی در پایتخت ژاپن تشکیل شد، که در آن صد نماینده بیست و شش کشور جهان و هزاران زاپنی خواهان خلع سلاح و منع سلاح‌های هسته‌ای گردیدند. کنفرانس اخیر اجلاس خود را در ناکازاکی و هیرو-شیما، که آمریکا یکی‌ها بر آنها در مرداد ۱۳۲۴ بمب اتمی افکندند، برگزار کرد. به مناسبت سی و ششمین سالگرد بمباران اتمی ناکازاکی و هیروشیما (در روزهای ۱۸ و ۱۹ مرداد ۱۳۲۴) تظاهرات صلح در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در هیروشیما، یاریس و شهرهای مختلف اتریش، سوئیس، کانادا و ایالات متحده برپا شد.

لئونید برژنف، رهبر شوروی، پیامی برای شرکت کنندگان در "راه پیمایی صلح ۸۱" فرستاد. برژنف در این پیام

## سفیر آمریکادر السالوادور پشتیبانی کشور خود را از 'خونتا'ی جنایتکار تجدید کرد

سفیر جدید آمریکا در السالوادور به "خونتا"ی این کشور اطمینان داده است، که ایالات متحده کماکان از آن پشتیبانی خواهد کرد. هم‌زمان با این ابراز پشتیبانی، نیروهای مسلح "خونتا" به کمک کارشناسان و جنگ افزارهای آمریکایی اقدامات تشبیهی "را علیه دهقانان السالوادور، آغاز کرده‌اند. از سوی دیگر، "خونتا"ی وابسته به آمریکا دوران اضطراری را برای یکماه دیگر تمدید نموده است، از جمله شرایط اضطراری عبارت است از لغو تضمین‌های قانون اساسی و منع عبور و مرور شبانه. به گفته محافل کلبسای السالوادور، از آغاز سال جاری میلادی بیش از ۸۰۰ نفر قربانی مقررات عبور و مرور شبانه شده‌اند.

## کودکان ایران از نبرد بارزیم شاه تا جنگ علیه متجاوزان صدامی



دومین نمایشگاه جهانی عکس، که روز دوازدهم مرداد ماه جاری در سالن موزه هنرهای معاصر افتتاح شد، در سالن موزه هنرهای معاصر برپاست

در این نمایشگاه ۳۵۰ عکس از ۸۰ عکاس ایرانی و ۵۱۵ عکس از ۳۱۴ عکاس خارجی به تماشا گذاشته شده است. عکس‌های ارائه شده از عکاسان ایرانی در نمایشگاه حاکی از نگرش ژرف آنان بر جامعه طبقاتی و توجه عمیق آنها به عباد گوناگون زندگی کودکان دارد. در این عکس‌ها که ۴۷ جنبه گوناگون زندگی کودک ایرانی در آنها ثبت شده، تماشاگر با یک روند تکاملی رو بروست، روندی که از زندگی کودکان در اسارت رژیم

شاه ملعون آغاز می‌شود و تا شرکت در انقلاب پیروز می‌رسد ۲۲-همن ادامه می‌یابد، روندی که به هیچ‌روی از کل حرکت جامعه ایران جدا نیست و در واقع بخش تفکیک‌ناپذیر آنست. و آن گاه این روند ادامه می‌یابد و در نمایشگاه با کودکانی رو برو هستیم که در عکس‌های قبلی با کوکتل مولوتف بارزیم شاه می‌جنگیدند و اکنون در دفاع از انقلاب، به نبرد با متجاوزان صدامی رفته‌اند.

این عکس‌ها، در قیاس با عکس‌های عکاسان خارجی، که موضوع مشخصی را ارائه داده و تنها بطور کلی به زندگی کودکان سراسر جهان پرداخته‌اند، از نظر مضمونی تفوق کامل دارند، هر چند که در

تکنیک، عکس‌های خارجی موفق - تراند.

برگزار کنندگان نمایشگاه بکه باید به خاطر برپایی این نمایشگاه انسانی از آنها ممنون بود موفق شده‌اند که با کنار هم گذاردن عکس‌های کودکان خارجی، که در رفاه به سر می‌برند، و عکس کودکان تحت ستم، به ویژه سیاه پوستان عمق فاجعه حاکم بر جوامع سرمایه - داری را هر چه عریان تر به نمایش بگذارند.

این نمایشگاه واقع در موزه هنرهای معاصر - کارگر جنوبی، جنب پارک لاله - تا ۳۱ شهریور ماه جاری برپاست و ساعت کار آن از ۹ صبح تا ۸ بعد از ظهر است.

## مرگ دو زندانی دیگر زندان "میز"

در بلغاست (ایرلند شمالی)، پس از مرگ دو زندانی دیگر زندان "میز"، هزاران نفر به تظاهرات خشم دست زدند. لینچ در هفتاد و یکمین و دو هرتی در هفتاد و سومین روز اعتصاب غذای خود در گذشتند. تظاهر کنندگان در زاعه‌های کاتولیک نشین بلغاست به احداث سنگر پرداختند و با پلیس و نیروهای نظامی، که از گلوله‌های پلاستیکی استفاده کردند، درگیر شدند.

در شهر دری نیز راه پیمایی به افتخار لینچ و دو هرتی و شش مبارز دیگر که پیش از آنها بر اثر اعتصاب غذا درگذشتند، برگزار گردید. هشت زندانی زندان "میز" خواهان قطع سرکوب‌گری استعمارگران بریتانیایی و کسب موقیت زندانی سیاسی بودند.

هامفری آنکینز وزیر بریتانیا برای امور ایرلند، در پارلمان لندن اعلام کرد که تاکنون شماره کشته شدگان ایرلند امسال به مراتب بیشتر از یک سال است.

## ضدانقلابیون افغانی به کشتار پیران و کودکان دست می‌زنند

نیروهای امپریالیسم و برتری حویان چینی ادامه دارد. بیرک کارمل گفت:

"آنها که خود را قهرمان اسلام می‌خوانند، به کشتار کودکان و پیران می‌پردازند، مدرسه‌ها و مسجدها را آتش می‌زنند و قصد آنها آنست که افغانستان را به آشوب بکشانند."

بیرک کارمل، رهبر افغانستان، همه مسلمانان کشور خود را فراخواند تا از "جنبه ملی میهنی"، که چندی پیش تشکیل شد، پشتیبانی کنند و در صفوف آن در راه پیشرفت ملی و رفاه بزمند. او که به مناسبت عید فطر در کابل سخن میگفت، خاطرنشان ساخت که مردم افغانستان هنگامی این عید را جشن می‌گیرند که مبارزه آنها علیه دشمنان انقلاب

## دولت ریگان آفریقای جنوبی را به تشدید تجاوز علیه آنگولا تشویق می‌کند

دولت آنگولا تحریکات مسلحانه وسیع آفریقای جنوبی را علیه این کشور "تهدیدی برای صلح جهانی" خواند. به گفته سخنگوی دولت آنگولا، نیروهای مهاجم یک تپ پیاده نظام، یک گردان موتوربزه و دو گردان مرکب از مزدوران را در برمی گرفتند. نزاد پرستان در این تهاجم چندین قریه را در جنوب آنگولا به تصرف خود درآوردند. دولت آنگولا این حق را برای خود قائل شده است که از "شورای امنیت" خواهان اقدامات مشخص برای خاتمه به تجاوز باشد. به گزارش "د. پ. آ."، (خبرگزاری

آلمان غربی) از نامی بیا، ژنرال لوید، فرمانده نیروهای آفریقای جنوبی اعتراف کرده است که سربازان او هر روز به عملیات جنگی در جنوب آنگولا دست می‌زنند. نیروهای آفریقای جنوبی به کشتار غیر نظامیان می‌پردازند و خانه‌ها و جاده‌ها و خرمن رانان را می‌سازند. در این میان، آنگولا به خاطر تجاوزات آفریقای جنوبی، به "شورای امنیت" شکایت کرده است. به عقیده ناظران، با روی کار آمدن ریگان در ایالات متحده آمریکا، آفریقای جنوبی تجاوزات خود را علیه آنگولا شدت بخشیده است.

## ادامه پروازهای تحریک آمیز هواپیماهای اسرائیلی

### بر فراز لبنان

سرکیس، رئیس‌جمهور لبنان، کشورهای عرب را فراخواند تا برای دفع تجاوزگران اسرائیلی به اقدام مشترک دست زنند.

وی در سخنرانی به مناسبت "روز ارتش" گفت که اسرائیل حاکمیت لبنان را نقض می‌کند و به بمباران شهرهای آن و اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی می‌پردازد و صد هزار و بیچ و پیر راه هلاکت می‌رساند.

در این میان، چند کشتی جنگی در نزدیکی شهر صیدا حرم در بای لبنان را مورد تجاوز قرار دادند.

روز یکشنبه ۱۱ مرداد ۶۰، هواپیما - های اسرائیلی بار دیگر به پروازهای تحریک آمیز بر فراز لبنان پرداختند. "تل آویو"، علی‌رغم قرارداد آتش‌سپس اخیر، تقریباً هر روز به اینگونه پروازها دست می‌زند.

کریم رویه، یکی از رهبران "حزب کمونیست لبنان"، تاکید کرد که ایالات متحده آمریکا مسئول اقدامات "تل آویو" است، زیرا که به تشویق اسرائیل می‌پردازد و سلاح‌های مدرن در اختیار آن می‌گذارد.

## اعتاد مردم

ارگان اتحاد مکرانیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ابه آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی - ۳۱۴/۱۱۱۷